

بازدید شد  
۱۳۸۲

تیت ۱۸۲۲۱  
شماره ۱  
۱۵۱۶

۲-۶  
موسسین  
شد

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۸۵۵۸

فصلنامه کتاب

کتاب: کُرّاسه المعی (جلد اول)

مؤلف: غلامحسین افضل الکلب المعی

موضوع: شماره قفسه

شماره ثبت کتاب: ۱۸۲۲۱

۹۴۵۰

خطی - فهرست شده

۹۴۵۰

۱-۱۵۱۶

در این نسخه از این کتاب

کتابخانه

ایران

این کتاب در این کتابخانه

در این کتابخانه

در این کتابخانه

در این کتابخانه











فهرست مافی منه لجموعه

عروضه الکتاب

۲	صدقه حضرت امیر المؤمنین علی بن طالب صلوات الله علیه من مکتوبه و ترکی عثمانی
۳۴	نسخه تاریخ فلیم بر پنج واسلو و تقویم سنی تقویم التواریخ از مکتوبه و مکتوبه
۲۰۱	ملکها تقویم التواریخ از سنه ۱۲۹۵ تا سنه ۱۲۹۸ هجری با تمام اجناس اجل الکرامه اعمام السلطنه
۲۳۱	طریقه شش بنی بر پنج بطور که جمع نشود نسخه از طولوزان برادر اعضا حزب حکیم الملک طریقه بر پنج بود بود بر پنج از نفسا جلد کلام بر پنج
۲۳۲	تاریخ ابوان مبارک حضرت شاهزاده عبدالعظیم چند شعر از بغا در بجا کنند تاریخ جلوه و فاسطه بجزایر جلوه سلطه احمد عثمانی
۲۳۳	تاریخ جلوه و سلطه و شهبان از افشا ذکر اسامی سالهای زندگانی در بناسالطین جلوه حکم الیست بر رسم
۲۳۴	موانع جلوه و سلطه و شهبان از افشا ذکر اسامی سالهای زندگانی در بناسالطین جلوه حکم الیست بر رسم
۲۳۵	در بناسالطین جلوه حکم الیست بر رسم
۲۳۶	تاریخ ولادت و وفات ابوالحسن علی بن ابی طالب و وفات علی بن ابی طالب و حقیقت بیان مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه

فهرست مافی منه لجموعه

عروضه الکتاب

۲۳۷	تاریخ مکتوبه از شاهزاده کافا جلوه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه تاریخ و فاسطه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه
۲۳۸	تاریخ و فاسطه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه
۲۳۹	تاریخ و فاسطه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه
۲۴۰	اسماء خلفای بنی امیه تاریخ ظهور و شرف و وفات و وفات و وفات و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه
۲۴۱	نقصان اسامی سالهای خلیفه در مکتوبه دکن هندوستان
۲۴۲	تاریخ افغانی از شیخ عبدالرحمن بهمه مکتوبه
۲۴۳	کفایت مرض و با و ظهور و بروز از هند با بران و از ایران بروسه و فرنگستان
۲۴۵	نسخه نامه شاعران از جانب دیگر فصلی حاشیه و مکتوبه جعفر خاوند و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه
۲۴۶	تاریخ وفات ملا جلال مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه و مکتوبه

ذکر از مکتوبه و مکتوبه

این کتاب از مکتوبه و مکتوبه







فهرست مافی هندو لجموعه

۳۲۹	سواد فراموش بر سنک مرز و منصوبه درجه هار سوی طهر <sup>۱۸۸</sup> است
۳۳۰	ترجمه سفرنامه لوشان کلنل لوان فونول از طهران باسنرا بادورک
۳۵۰	رساله در احوال شیخ شهاب الدین امری رحمه الله
۳۵۲	سواد عربیه اهل عراق و بلاد و لغت و فقه و حدیث انکسیر با ایران بهمانه مرآت
۳۵۴	موازن تاریخ جلوه و فاسلایین هند و افغانستان
۳۵۷	ماده تاریخ وفات حاج میرزا حسین خان سپهسالار
۳۵۸	نفوذ و آوازه سنکی راه جدید البتافراجه بالاکو
۳۵۹	مفیده اما زاده داور و غیره و صمیمی
۳۶۰	سورت اشکال مأخذ حرف در عهد عتیق

فهرست مافی هندو لجموعه

۳۶۲	اتحاد اسلامیت
۳۶۵	نقد اولاد و اولاد کا اعلم حضرت شاهنشاخ شرح العالمین فراه بصورت شمس و کواکب
۳۶۷	لایحه و زیارتیه جلالیه از ساج افکار جنتا اهل اکرم و انتم اقا اعظم اهل طهر و اهل لاله
۳۶۸	وجه شمیم و فطامه و زرد حق پرست و نظیران در این لیل و لیل
۳۶۹	فانوارین تبیین مجلس شورا و از فاعلیت ساجات اقا اعظم الکلمه
۳۷۰	کابجه ایما دارالتبیین و اصفی و ارباب افکار جنتا اهل طهر
۳۷۱	لایحه تبیین ساجات و اصفی و ارباب افکار جنتا اهل طهر و اصفی
۳۸۲	تحقیق در حرمان و طریقه غریب و غولان
۳۸۳	کابجه در فقه و کثر هیولان
۳۸۴	کابجه در فقه و ارباب اولاد
۳۸۵	لایحه و زیارتیه جنتا اهل طهر و اصفی
۳۹۰	کابجه و زیارتیه جنتا اهل طهر و اصفی
۳۹۸	کابجه و زیارتیه جنتا اهل طهر و اصفی
۴۰۳	کابجه و زیارتیه جنتا اهل طهر و اصفی
۴۰۹	کابجه و زیارتیه جنتا اهل طهر و اصفی



فهرست مانی هندی و کجوتی

عده صفحہ الکا

۳۱۰	صورت اسماء ایران در مژده کیک فطریاد کوبه و خاطر خا رفته
۳۱۱	تخصیص در لغت
۳۱۴	صورت جواهر صفت از علمای مشهور از مژده کیک فطریاد کوبه و خاطر خا رفته
۳۱۷	دستور صلا در میر یوسف و بنابر شیخ ۲۹ شعبان ۱۳۱۱
۳۱۹	سوافرمان مقام میرزا ابوالقافها و رشت
۳۲۲	سوافرمان صلا در میر یوسف و بنابر شیخ ۱۳۱۱
۳۲۳	عکس شیخ عبداللہ بن سید کریم رشت
۳۲۴	بیان حال بلاد معر و بنابر شیخ و کوبه کیک
۳۲۷	وضع فاعله خرد و وضع مزار شیخ احمد جام در تربت
۳۲۹	وضع مزار شیخ زین الدین علی الخوار در نایب اصراٹ
۳۳۰	وضع مزار قطب الدین حیدر در تربت
۳۳۲	تخصیص محمد ایران نقل از روزناورد و
۳۳۵	صورت بلوکا و قرا و لایب جام
۳۳۶	صورت اسماء و توابع ان
۳۳۷	صورت اسماء و توابع ان
۳۳۸	صورت بلوکا و کرمانشا
۳۳۹	کتاب مزار سید و وزیر ایران از شیخ المصطفی ناصر الدین قاجار و
۳۴۰	صورت مال الجعفر و کیک فطریاد کوبه و خاطر خا رفته

فهرست مانی هندی و کجوتی

عده صفحہ الکا

۵۲۳	اعلان بانک استقراضی روسی
۵۵۲	اعتراف تروتی و بخارتی
۵۵۶	سوافرمان شاطرا بمانغان بان ابل قاجار استرا با و رشت
۵۵۸	رشتا موسوی (در شش اسامیه و) معربا علما امین الدین
۵۶۰	کابجه در قانون وزارت عدلیه انرجا افغان
۵۶۴	کابجه اسناد مبرکه که مثل علی بن ابیطالب علیهم السلام
۵۶۵	دستور العمل مجلس تدقیق اسناد
۵۶۷	اعلان مهم در بار اداره و خاتبا
۵۸۶	صورت اسناد قاطع الصده و ادب دار الحلاله طهران
۵۹۵	اعلان استا و شرابط بانک دیکر که برقرار خواهد شد
۶۰۰	انکشاف سفر کربلا باار حجاج عسما الدوله مجبور در رشت
۶۰۱	سوافرمان در شایخ امیر زاهد خان وزیر در رشت
۶۱۰	صورت فرامان کبوتر بن بهستون مزار شیخ محمد الدین کابا و رشت
۶۱۱	توضیح لفظ اولاد و اولاد و بیگار و فحوریه
۶۱۳	فرار نامه و اسباب از بر من دیکر
۶۲۴	بید لغت نوران در لغت و غرافا بشر
۶۲۵	نسخه خنی هند و قابع سفر حاتم بن حنیف و سید ابی طاهر
۶۲۶	نسخه بر شریح و معجون و طبع و حکایت و حیات و حیات و حیات

در این کتاب (ص ۵۸۱) و (ص ۵۸۲) و (ص ۵۸۳) و (ص ۵۸۴) و (ص ۵۸۵) و (ص ۵۸۶) و (ص ۵۸۷) و (ص ۵۸۸) و (ص ۵۸۹) و (ص ۵۹۰) و (ص ۵۹۱) و (ص ۵۹۲) و (ص ۵۹۳) و (ص ۵۹۴) و (ص ۵۹۵) و (ص ۵۹۶) و (ص ۵۹۷) و (ص ۵۹۸) و (ص ۵۹۹) و (ص ۶۰۰) و (ص ۶۰۱) و (ص ۶۰۲) و (ص ۶۰۳) و (ص ۶۰۴) و (ص ۶۰۵) و (ص ۶۰۶) و (ص ۶۰۷) و (ص ۶۰۸) و (ص ۶۰۹) و (ص ۶۱۰) و (ص ۶۱۱) و (ص ۶۱۲) و (ص ۶۱۳) و (ص ۶۱۴) و (ص ۶۱۵) و (ص ۶۱۶) و (ص ۶۱۷) و (ص ۶۱۸) و (ص ۶۱۹) و (ص ۶۲۰) و (ص ۶۲۱) و (ص ۶۲۲) و (ص ۶۲۳) و (ص ۶۲۴) و (ص ۶۲۵) و (ص ۶۲۶) و (ص ۶۲۷) و (ص ۶۲۸) و (ص ۶۲۹) و (ص ۶۳۰) و (ص ۶۳۱) و (ص ۶۳۲) و (ص ۶۳۳) و (ص ۶۳۴) و (ص ۶۳۵) و (ص ۶۳۶) و (ص ۶۳۷) و (ص ۶۳۸) و (ص ۶۳۹) و (ص ۶۴۰) و (ص ۶۴۱) و (ص ۶۴۲) و (ص ۶۴۳) و (ص ۶۴۴) و (ص ۶۴۵) و (ص ۶۴۶) و (ص ۶۴۷) و (ص ۶۴۸) و (ص ۶۴۹) و (ص ۶۵۰) و (ص ۶۵۱) و (ص ۶۵۲) و (ص ۶۵۳) و (ص ۶۵۴) و (ص ۶۵۵) و (ص ۶۵۶) و (ص ۶۵۷) و (ص ۶۵۸) و (ص ۶۵۹) و (ص ۶۶۰) و (ص ۶۶۱) و (ص ۶۶۲) و (ص ۶۶۳) و (ص ۶۶۴) و (ص ۶۶۵) و (ص ۶۶۶) و (ص ۶۶۷) و (ص ۶۶۸) و (ص ۶۶۹) و (ص ۶۷۰) و (ص ۶۷۱) و (ص ۶۷۲) و (ص ۶۷۳) و (ص ۶۷۴) و (ص ۶۷۵) و (ص ۶۷۶) و (ص ۶۷۷) و (ص ۶۷۸) و (ص ۶۷۹) و (ص ۶۸۰) و (ص ۶۸۱) و (ص ۶۸۲) و (ص ۶۸۳) و (ص ۶۸۴) و (ص ۶۸۵) و (ص ۶۸۶) و (ص ۶۸۷) و (ص ۶۸۸) و (ص ۶۸۹) و (ص ۶۹۰) و (ص ۶۹۱) و (ص ۶۹۲) و (ص ۶۹۳) و (ص ۶۹۴) و (ص ۶۹۵) و (ص ۶۹۶) و (ص ۶۹۷) و (ص ۶۹۸) و (ص ۶۹۹) و (ص ۷۰۰) و (ص ۷۰۱) و (ص ۷۰۲) و (ص ۷۰۳) و (ص ۷۰۴) و (ص ۷۰۵) و (ص ۷۰۶) و (ص ۷۰۷) و (ص ۷۰۸) و (ص ۷۰۹) و (ص ۷۱۰) و (ص ۷۱۱) و (ص ۷۱۲) و (ص ۷۱۳) و (ص ۷۱۴) و (ص ۷۱۵) و (ص ۷۱۶) و (ص ۷۱۷) و (ص ۷۱۸) و (ص ۷۱۹) و (ص ۷۲۰) و (ص ۷۲۱) و (ص ۷۲۲) و (ص ۷۲۳) و (ص ۷۲۴) و (ص ۷۲۵) و (ص ۷۲۶) و (ص ۷۲۷) و (ص ۷۲۸) و (ص ۷۲۹) و (ص ۷۳۰) و (ص ۷۳۱) و (ص ۷۳۲) و (ص ۷۳۳) و (ص ۷۳۴) و (ص ۷۳۵) و (ص ۷۳۶) و (ص ۷۳۷) و (ص ۷۳۸) و (ص ۷۳۹) و (ص ۷۴۰) و (ص ۷۴۱) و (ص ۷۴۲) و (ص ۷۴۳) و (ص ۷۴۴) و (ص ۷۴۵) و (ص ۷۴۶) و (ص ۷۴۷) و (ص ۷۴۸) و (ص ۷۴۹) و (ص ۷۵۰) و (ص ۷۵۱) و (ص ۷۵۲) و (ص ۷۵۳) و (ص ۷۵۴) و (ص ۷۵۵) و (ص ۷۵۶) و (ص ۷۵۷) و (ص ۷۵۸) و (ص ۷۵۹) و (ص ۷۶۰) و (ص ۷۶۱) و (ص ۷۶۲) و (ص ۷۶۳) و (ص ۷۶۴) و (ص ۷۶۵) و (ص ۷۶۶) و (ص ۷۶۷) و (ص ۷۶۸) و (ص ۷۶۹) و (ص ۷۷۰) و (ص ۷۷۱) و (ص ۷۷۲) و (ص ۷۷۳) و (ص ۷۷۴) و (ص ۷۷۵) و (ص ۷۷۶) و (ص ۷۷۷) و (ص ۷۷۸) و (ص ۷۷۹) و (ص ۷۸۰) و (ص ۷۸۱) و (ص ۷۸۲) و (ص ۷۸۳) و (ص ۷۸۴) و (ص ۷۸۵) و (ص ۷۸۶) و (ص ۷۸۷) و (ص ۷۸۸) و (ص ۷۸۹) و (ص ۷۹۰) و (ص ۷۹۱) و (ص ۷۹۲) و (ص ۷۹۳) و (ص ۷۹۴) و (ص ۷۹۵) و (ص ۷۹۶) و (ص ۷۹۷) و (ص ۷۹۸) و (ص ۷۹۹) و (ص ۸۰۰) و (ص ۸۰۱) و (ص ۸۰۲) و (ص ۸۰۳) و (ص ۸۰۴) و (ص ۸۰۵) و (ص ۸۰۶) و (ص ۸۰۷) و (ص ۸۰۸) و (ص ۸۰۹) و (ص ۸۱۰) و (ص ۸۱۱) و (ص ۸۱۲) و (ص ۸۱۳) و (ص ۸۱۴) و (ص ۸۱۵) و (ص ۸۱۶) و (ص ۸۱۷) و (ص ۸۱۸) و (ص ۸۱۹) و (ص ۸۲۰) و (ص ۸۲۱) و (ص ۸۲۲) و (ص ۸۲۳) و (ص ۸۲۴) و (ص ۸۲۵) و (ص ۸۲۶) و (ص ۸۲۷) و (ص ۸۲۸) و (ص ۸۲۹) و (ص ۸۳۰) و (ص ۸۳۱) و (ص ۸۳۲) و (ص ۸۳۳) و (ص ۸۳۴) و (ص ۸۳۵) و (ص ۸۳۶) و (ص ۸۳۷) و (ص ۸۳۸) و (ص ۸۳۹) و (ص ۸۴۰) و (ص ۸۴۱) و (ص ۸۴۲) و (ص ۸۴۳) و (ص ۸۴۴) و (ص ۸۴۵) و (ص ۸۴۶) و (ص ۸۴۷) و (ص ۸۴۸) و (ص ۸۴۹) و (ص ۸۵۰) و (ص ۸۵۱) و (ص ۸۵۲) و (ص ۸۵۳) و (ص ۸۵۴) و (ص ۸۵۵) و (ص ۸۵۶) و (ص ۸۵۷) و (ص ۸۵۸) و (ص ۸۵۹) و (ص ۸۶۰) و (ص ۸۶۱) و (ص ۸۶۲) و (ص ۸۶۳) و (ص ۸۶۴) و (ص ۸۶۵) و (ص ۸۶۶) و (ص ۸۶۷) و (ص ۸۶۸) و (ص ۸۶۹) و (ص ۸۷۰) و (ص ۸۷۱) و (ص ۸۷۲) و (ص ۸۷۳) و (ص ۸۷۴) و (ص ۸۷۵) و (ص ۸۷۶) و (ص ۸۷۷) و (ص ۸۷۸) و (ص ۸۷۹) و (ص ۸۸۰) و (ص ۸۸۱) و (ص ۸۸۲) و (ص ۸۸۳) و (ص ۸۸۴) و (ص ۸۸۵) و (ص ۸۸۶) و (ص ۸۸۷) و (ص ۸۸۸) و (ص ۸۸۹) و (ص ۸۹۰) و (ص ۸۹۱) و (ص ۸۹۲) و (ص ۸۹۳) و (ص ۸۹۴) و (ص ۸۹۵) و (ص ۸۹۶) و (ص ۸۹۷) و (ص ۸۹۸) و (ص ۸۹۹) و (ص ۹۰۰) و (ص ۹۰۱) و (ص ۹۰۲) و (ص ۹۰۳) و (ص ۹۰۴) و (ص ۹۰۵) و (ص ۹۰۶) و (ص ۹۰۷) و (ص ۹۰۸) و (ص ۹۰۹) و (ص ۹۱۰) و (ص ۹۱۱) و (ص ۹۱۲) و (ص ۹۱۳) و (ص ۹۱۴) و (ص ۹۱۵) و (ص ۹۱۶) و (ص ۹۱۷) و (ص ۹۱۸) و (ص ۹۱۹) و (ص ۹۲۰) و (ص ۹۲۱) و (ص ۹۲۲) و (ص ۹۲۳) و (ص ۹۲۴) و (ص ۹۲۵) و (ص ۹۲۶) و (ص ۹۲۷) و (ص ۹۲۸) و (ص ۹۲۹) و (ص ۹۳۰) و (ص ۹۳۱) و (ص ۹۳۲) و (ص ۹۳۳) و (ص ۹۳۴) و (ص ۹۳۵) و (ص ۹۳۶) و (ص ۹۳۷) و (ص ۹۳۸) و (ص ۹۳۹) و (ص ۹۴۰) و (ص ۹۴۱) و (ص ۹۴۲) و (ص ۹۴۳) و (ص ۹۴۴) و (ص ۹۴۵) و (ص ۹۴۶) و (ص ۹۴۷) و (ص ۹۴۸) و (ص ۹۴۹) و (ص ۹۵۰) و (ص ۹۵۱) و (ص ۹۵۲) و (ص ۹۵۳) و (ص ۹۵۴) و (ص ۹۵۵) و (ص ۹۵۶) و (ص ۹۵۷) و (ص ۹۵۸) و (ص ۹۵۹) و (ص ۹۶۰) و (ص ۹۶۱) و (ص ۹۶۲) و (ص ۹۶۳) و (ص ۹۶۴) و (ص ۹۶۵) و (ص ۹۶۶) و (ص ۹۶۷) و (ص ۹۶۸) و (ص ۹۶۹) و (ص ۹۷۰) و (ص ۹۷۱) و (ص ۹۷۲) و (ص ۹۷۳) و (ص ۹۷۴) و (ص ۹۷۵) و (ص ۹۷۶) و (ص ۹۷۷) و (ص ۹۷۸) و (ص ۹۷۹) و (ص ۹۸۰) و (ص ۹۸۱) و (ص ۹۸۲) و (ص ۹۸۳) و (ص ۹۸۴) و (ص ۹۸۵) و (ص ۹۸۶) و (ص ۹۸۷) و (ص ۹۸۸) و (ص ۹۸۹) و (ص ۹۹۰) و (ص ۹۹۱) و (ص ۹۹۲) و (ص ۹۹۳) و (ص ۹۹۴) و (ص ۹۹۵) و (ص ۹۹۶) و (ص ۹۹۷) و (ص ۹۹۸) و (ص ۹۹۹) و (ص ۱۰۰۰)



عَدُ صِفَاتِ الْكَافِ

۴۲۷	لا یجده در بیان شان در سایر امضا زات ، از دقا بقدر من و قاجار
۴۵۱	کتابچه حجتا اجل اکبر و خراسان بعد از اصلاح خراسان بمقتضای
۴۶۲	رئیس اسدیه در انستیتا اعلویه ،
۴۹۵	تحقیق آردالی ،
۴۹۷	سوافر تاجها نشان با کابر و شرفا مکده در باغبین امیر حاج ،
۴۹۸	صوفی زکات اهل اول منقور بر سنک منصوبه بوا ابوالسید طوسی و
۵۰۰	باد داشنها از فارغ فرنگی ، در باغها و مکده و استادان ،
۵۰۱	از اناراد هاد در ترجمه المعصد ،
۵۰۲	ترجمه مکانیا منهد باعرا لکنه و عتقا ،
۵۰۴	لا یجده معرفت خدا صد اعظم در بیان زلمکم <sup>مرطبه</sup> ، از حجتا اجل اکبر اقا
۵۰۸	قانون سبکها بخاک آغا معتمد <sup>از حجتا اعلی المصنف</sup> و ابو عرض شد ، قانون عسکری ،
۵۱۰	کتابچه که امیر سلطان خوانده شده و بنظر هابوسد <sup>۱۳۰۲</sup> ،
۵۱۲	کتابچه دستور العمل حقوق فرنگیان در رعایا <sup>از حجتا اعلی المصنف</sup> ، از حجتا اعلی المصنف
۵۱۵	رئیس در با مقها و زان و مقادیر و غیره ، از حجتا اعلی المصنف
۵۱۹	لا یجده معرفت خدا حجتا وزیر دول خارجیه ، از حجتا اعلی المصنف
۵۲۰	مقاله و نظرات و قانون حکم بر فاسد ، از حجتا اعلی المصنف
۵۲۱	اشعار ابو المعالی معلم در راه شکران امار ،
۵۲۲	حسانا بنده و دیده و عتقا ،

[illegible]

بیت شفا بل وورد وید  
و بل بکارین و بل ولفا

۹۱۴  
 ۹۳۰  
 ۹۵۲  
 ۱۱۱۵  
 ۱۱۳۰  
 ۱۱۳۸  
 ۱۱۴۱  
 ۱۱۴۳



فهرست مافی هله لکچو عتد	عد صفا الکا
مقد لایحه کشته ابتدای	۱۱۴۶
لایحه کشته ابتدای بخت میرزا فرخ	۱۱۴۸
فصل اول فاسید ابوطا و ما و اذنا و نار و حججه	۱۱۵۹
نفسه طلعه امام	۱۱۶۲
صور خط کوفی در سه طرف نفره باسم و تکر و شمک	۱۱۶۴
اجمال از جغرافی کوسر و روی و کیم	۱۱۷۳
کلیجه مغیر پر غار مغیر بیه لای از فرام و دنیا	۱۱۷۸
از تیکل جلال الدین ساوجبلاغ ابراز و روزنامه اطلال	۱۱۸۶
کلیجه انحصار خانیه ارجنا اهل افار و خانانده	۱۱۹۸
صور فرار نامه راه از واجو بفرین ترجمه امین از نامه و قاتون نامه بانک عثمانی	۱۲۷۴
ترجمه امین از نامه راه امین بنو سطر وزیر دول خارجه امین از حبس اسپه	۱۲۹۲ ۱۲۹
کلیجه قانون در خانیه ایلیم و ارا اعلی حضرت و شریعت و دولت و قضا	۱۳۰۸
کلیجه در تحقیق فهم و من جبه المهنه و الخاصیه	۱۳۲۴
اعتراف شروقی	۱۳۳۴
اعتراف پلینکی	۱۳۳۵
فارخ بانک بروجه عموم	۱۳۴۰
مطلب در انواع بانک فرنگستان	۱۳۴۷
بانک عثمانی	۱۳۴۹

فهرست مافی هله لکچو عتد	عد صفا الکا
مطلب در اسبقراض دولت و سر از بانکها و فرنگستان	۱۳۵۱
تحقیق در لایز	۱۳۵۳
فصل ثانی مراث المنام ناصر	۱۳۵۵
فصل ثانی در بیان حالات نوم	۱۳۵۷
حرفه بتی بخت کوفی با فساد و واقع مضائق از خطا	۱۳۸۶
اعتراف بر فرار نامه بانک	۱۳۸۷
قانون باز ارجعه بقوه حربیه در ایران	۱۳۹۲
تجلی فی زکوه و توابع و تعداد نفوس ان	۱۴۰۰
قانون مجلس و کارای فقام و وزیرای عظام	۱۴۰۴
ترجمه امین از نامه و خانیه اتم مورخه ۲ صفر	۱۴۱۰
موازنه مالیات دولت بمقتد روس مخصوص دی ۱۸۸۸	۱۴۱۳
کلیجه در منافع راه آهن در ایران و عهد کنان در مسئله پلینکی	۱۴۲۰
ترجمه امین از نامه فرانسوی العباسیه و انا ل برای راه آهن	۱۴۵۷
مقد در بیان منافع و نتایج حسن اداره مذکوره	۱۴۶۲
قانون اداره مذکوره	۱۴۶
امین از نامه بانک شاهنشاهی ایران	۱۴۷۵
کلیجه دستور العمل مجلس مذقیق امین از نامه	۱۴۸۴
فرمان کلخانه از سلطان عثمانی	۱۴۹۰



فهرست مافی هذه المجموعه

مذصفحات الكما

۱۴۹۷	ترجمه و تکارش محمد غازی و منیر عثمانی
۱۵۰۴	لاجه در مسائل تجارتیه ایران بمالک خارجه
۱۵۱۴	کابجه قانون و رفه صحیح و منافع آن
۱۵۳۸	تشریفات دربار دولت عثمانی
۱۵۴۳	رساله در بایام مقبول و زمان و مفاد پر و غیرها از هم و کمال و نفوذ و
۱۵۷۸	کابجه در طریقه صرفه جوئی در دولت و ملت
۱۶۰۴	لاجه و شرطنامه و بولنامه مستدرا با سیر راه امر از انزلی بطهران
۱۶۱۳	ترجمه کابجه را به جمیع اقطار و جوی
۱۶۳۲	خلاصه ترجمه قانون شریعتیه در عثمانی
۱۶۴۵	اعترافنامه و تجارتی از جناب افانزید
۱۶۴۷	اعترافنامه و تجارتی از جناب افانزید
۱۶۵۲	صوره عهدنامه بین مصطفی باو صدر اعظم عثمانی و ساخا امیر محمد علی شاه قاجار
۱۶۵۶	لاجه در احوال الزبار
۱۶۶۲	کابجه انحصاریه و خانیه دولت و قواعده
۱۶۸۱	نظام نامه در خصوص معاینه و تطبیق و مقابله
۱۶۸۳	قانون نامه و اثریه متداوله و از جدید
۱۶۸۴	اسامی از که مختصر نامه از سبیل علی علیه السلام
۱۶۹۴	لاجه در ادب و ادب و اجتماع مجلس تحقیق و محک و تبیین
۱۶۹۵	کابجه قانون و در حال احسن

فهرست مافی هذه المجموعه

مذصفحات الكما

۱۷۰۵	نفره کمال و غایت
۱۷۰۷	روزنامه ایرانیه که امین از ناچایانک در آن ثبت
۱۷۰۹	زلزله قونیا و شرح آن نقل از روزنامه روس
۱۷۱۲	کابجه قانون مجلس خاص و کلا
۱۷۱۹	تفصیل غار کوه سمیت جنوب جلگه جرات و تفصیل نقشه سنگه و
۱۷۲۲	سوانح اساطیر و خرافات و افسانه
۱۷۲۳	احوال انصبه اسنان عراق و شهره سولاطه امیر علی اکبر خان
۱۷۲۵	اطلاعات از حاکمین محمد عراق در بایانیه اسنان
۱۷۲۷	تحقیقات تاریخی در بایانیه زندگانی کبیر و مدفن و
۱۷۳۰	نقل از فارغی از سنا بول و بایانیه کبیر و بایانیه
۱۷۳۱	رهتنامه در اداره ایالات
۱۷۳۴	نصیب منازل فیما بین دار الحکومه طهران و نجف
۱۷۳۵	معامله فیما بین روس و ایران در بایانیه و از اخر
۱۷۳۶	صوره و صلیت و نایب الطینیه امیر و در جمیع اسناد
۱۷۳۹	صوره و صلیت و نایب الطینیه امیر و در جمیع اسناد
۱۷۴۳	نصیب منازل فیما بین دار الحکومه طهران و نجف
۱۷۴۴	نصیب منازل فیما بین دار الحکومه طهران و نجف
۱۷۴۵	نصیب منازل فیما بین دار الحکومه طهران و نجف
۲۰۳۸	نصیب منازل فیما بین دار الحکومه طهران و نجف



فهرست مافی هذه البحیرة

عروض الکتاب

۲۰۸۸	قواعد ثنائیه پیش و پسند مرج
۲۱۶۲	در ثنائیه ان لریز و غیره
۲۲۰۶	در تحقیق مذکور بل و غیره و علی الیه و غیره
۲۲۳۴	صواب و قبح و اول و آخر
۲۲۵۵	تحقیق در امری و غیره
۲۳۷۲	مشاط و غیره و غیره و غیره و غیره
۲۳۷۲	در ثنائیه و غیره و غیره و غیره
۲۴۲۲	در ثنائیه و غیره و غیره و غیره
۲۴۲۲	در ثنائیه و غیره و غیره و غیره
۲۴۵۴	کتابچه و غیره و غیره و غیره
۲۴۵۵	کتابچه و غیره و غیره و غیره
۲۷۲۰	مجموعه و غیره و غیره و غیره
۲۷۲۵	کتابچه و غیره و غیره و غیره
۲۸۳۷	نایب و غیره و غیره و غیره
۲۹۳۸	ماه و غیره و غیره و غیره





# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَهَذِهِ مَائَةُ كَلِمَةٍ مَرْوِيَّةٌ

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَرَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ

الترکی

شاه مردان خدا شرف سازدافتی وارث علم نبی حق علی المرتضی  
چارم مستد نشینان خلافت نورحق بهتر اصحاب ذیشان رسول کبریا  
یوز کلام اتمش صدور اول منبع عرفاندن هر رسته وحی خدا والله اعلم بالهدی  
جام فارسله ایدوب ساقی جامی خلقه عرض نشوه و ذوق دیگر دورنده اولش روفا  
ایش بر ذات اسف ترکی لسانچه بیان معنی مشکور ایدوب رحمت قله آکا خدا  
ایده کتر جمالی اسف تصحیح الیه طبع بویله بر معجز اثر عالمده ثابت اوله نا  
یا الی قل مترجمه مصحح قولین نیل منشور شفاعات علی المرتضی

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ

ترجمه

گفت شرف خدا علی ولی هادی خلق و پیشوا و امام  
انکه دایم ز حضرت بیرون هست بر روح او درود و سلام

الترکی

شاه اورنگ معارف پیشوا و برکن حیدر کزار شیر حق امیر المؤمنین  
صدور و ذود و سلام اولسون لک اسرارینه دکله فرمانک کم السون سکا ز خیر منزلین

لَوْ كُنْتُ الْبَيْضَاءُ مَا أَزْدَدْتُ بَيْضًا

ترجمه

حال خلد و جیم دانستم یقین انجمنه که بی باید  
کر حجاب از میانه بردارند ان یقین ذره نیفزاید

الترکی

سکز او جانغ ویدی طامونک احوال یقین شویله کوکم کوزی الیه کورون بولدیم عیان  
کم اگر بوت حجابی کیده تا که اورته دن اول یقین اولمایه هرگز اریق آکاک بی کان

النَّاسُ بِنِصَامٍ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا

ترجمه

مردمان غافلند از عقیبه همه سکونی نبخشکان مانند  
ضرد غفلتی که بی ورزند چون بپیرند انکی دانند

الترکی

آخرتدن ادم اوغلری غافل جمله سے صافه سین یاقوب او بولر کده وزندن غیر  
چون اجل اویشه غفلت قالمیه معلوم اوله هر نه کم کسب المشدی ضیه ده اول خیر و شر

النَّاسُ زِمَانُهُمْ أَشْبَهَ مِثْلَهُمْ بِأَبَائِهِمْ

ترجمه

خلق رانیست سیرت پذیران همه بر صورت زمانه روند  
دوستند انکه را زمانه نوالخت دشمنند انکه را زمانه فکند

الترکی

عالمک خلقتده هر که اتمه خلقی قالمش سیر ایدر کم زمانه فیه درلو دور ایدر  
دوست طوترانی کم دور زمانه دوست طوتر جور ایدر کم دور زمانه جور ایدر



﴿ مَا هَكَذَا إِذْ مَرَرْتُ عَرْفَ قَدْزَهٗ ﴾

ترجمه

هر که مقدار خویش را بشناخت از همه حادثات این گشت  
وز مضیق غرور بیرون گشت در مقام سرور ساکن گشت

الترکی

هر کس که خلق را بچند کندی مقدار این بیله هر بلاد و حکم فکر کردن این اوله  
کم تکبر طار نشدن قورقولاظر شبهه سز ایکی عالمده مقام ذوقده ساکن اوله

﴿ قَدْزَهٗ كُلِّ اَمْرِیْ مَا یُخْشَیْهٗ ﴾

ترجمه

قیمت تو در آن قدر غلت که خود بدان بسیار  
خساق در قیمت یغزاید چون تو در علم خود بیغزایی

الترکی

قیمتک علمک قدر در علمک اتر ای عزیز که دلیلت خلق را بچند اتره قدر و قیمتک  
ادینک زینتی علم و هنر در طوغری بیل محترم اولق دلیلت علمه صرف ایت علمک

﴿ مِنْ عَرْفَ قَدْزَهٗ عَرْفَ رَبِّهٖ ﴾

ترجمه

بر وجود خدای عز و جل هست نفس تو حجت قاطع  
چون بدانی نفس را دانستی کورت مصنوع و این دشمن صانع

الترکی

چون وجود خالق بیگونه نفسک ای قبیله کم دلیل و حجت و برهان بی همتا در  
تشکی فهم ایلا ایتک لایحرم ظاهر اولود سن سین اول مصنوع و رتک صانع و بیکادر

﴿ اَلَمْ یَخْلُقْنَا نَحْنُ اِلٰهًا ﴾

ترجمه

مرد پنهان بود بر زبان چون بگوید سخن بداندش  
خوب گوید لیب گویندش زشت گوید سبیه گویندش

الترکی

ادلی الشده کولودر سکوت ایله کرم سوزده انکار ایله بلیدور مشه اری  
خوب سیرکدر اوکم هر سوزی معنی دار اوله جاهل و ناکدور خلط المین کشاری

﴿ مِنْ عَذَابِ اِلٰهٍ صَعْدَتْ اِخْوَانَهٗ ﴾

ترجمه

کز زبانت خوشست جمله خلق در مودت برادران تو آند  
ور زبانت بدست در خانه خصم جان تو چاکران تو آند

الترکی

هر کس که سوزی کوچک اوله هم طاقی دل خلق اکا کجی فرندان کجی باور اولود  
اکسی قوزلی قاتی سوزلی اوله ایچ قوزلی اول یوخسه خانه کده کی قولرک سکا اقیار اولود

﴿ بِالْبَیِّنٰتِ یُسْتَبَدُّ الْخَیْرُ ﴾

ترجمه

کز تو خواهی که پیش تو باشند سروران جهان سرافکنده  
مرد می کن که مرد می کردند مرد ازاد را کنند بنده

الترکی

کز جهان سرور لری بولکده ای یار عزیز باش اکوب سکا تواضع ایله یوسف دیرک همان  
ایک ایت هر کوریک یک بای و کدایه ملومده هیچ زوره ایک مرد ازاد است قول ایلمی کان



بَشِيرَ مَالٍ لِيُجِيلَ بِحَاوِثِ أَزْوَاجِهِ

ترجمه

هر که مال هست و خوردن نیست او از آن مال بهره کی دارد  
یا بتاراج حادثات دهد یا بتجرات خوار بکندارد

الترکی

بی‌نیوب بیدرمیوب هر کم که جمع مال ایده کورمه اول مالدن اول که اصلاحانده  
یا که دهرک حادثاتی ایلر اول مالی هیا یا اوله میراث خوارانه مکمل مانده

لَا تَنْظُرَ إِلَى مَنْ مَالٌ وَأَنْظُرْ إِلَى مَنْ مَالٌ

ترجمه

شرف قاضی و خاست او نکند در سکلام هیچ اثر  
توضیح را نکند که حال چیست در کداونده سخن منکر

الترکی

هر کم اول برسوزی سوبلر کرخسب و کرشرف یافته کدر سوبلین اول سوزلری معنی کوزت  
فانده مند اولنه جهد الیه درس ال که اول کم دیدی کم سوبلینی خوار کور دعوی کوزت

لَا تَبْتَغِ عِنْدَ الْبَلَاءِ ثَمَارَ الْحَقِّ

ترجمه

در بابت جزع ممکن که جزع بنمای دلت بکند رنجور  
هیچ رنجی قلمتر زان نیست که ثواب خدای مانی دور

الترکی

محنت و درد و بلایه صبر قبل اتمه جزع زیره کم زاری قلمتک عنتک بولور کمال  
اندن ارق محنت اولر کم صبور اولیه سن حق حضورندن سنی محروم ایده فکر و ملال

لَا تَنْظُرْ مَعَ الْبَنَى

ترجمه

هر که از راه بنی چیزی جست ظفر از راه او عیان بر تافت  
ور ظفر یافت منتعت نکرفت پس چنانست از ظفر که نیافت

الترکی

اولکه سالک اوله راه بنی وظله لاجرم بوله من اصلا ظفر مطلوبه برونق مراد  
نقعی اولر زور و ظلم الیه مظفر اولسده چون منابر در رضای خالق بنی و عناد

لَا تَأْتِئْ مَعَ الْكَبِيرِ

ترجمه

هر که اکبر پیشه شده خلق در محافل جنای او بکوند  
و انک بر منجج تواضع رفت همه عالم شناسه او بکوند

الترکی

هر کیمه عجب و تکبر پیشه اولسه جمله خلق شغل و مجلسده خیرین سوبلر لاجرم  
یکیکه منهاج تواضع اوزره رقت بولسه که اول اولور بی شبهه عالمده عزیز و محترم

لَا يَبْتَغِ شَيْءَ

ترجمه

هر که بخل پیشه شد دگران نیست ممکن که طاعتش دارند  
حق گذار نیست طاعت او را نبود حق چگونه بکندارند

الترکی

هر کیمک کم بخله اسساک اولسه پیشه سی امریه ممکن دکل کسه اطاعت الیه  
الطقت و احسانه مقابلدر اطاعت خالقند خلق لطفک بکوریوب نیجه رعایت الیه



لا تصنع الله

ترجمه

نشود هیچ جمع مردم را تن درستی و خوردن بسیار  
مذهب خویش باز که خوردن کثرت جان عزیز هست بکار

الترکی

صحت ایله چوق تئک بر رده ایتر امتزاج کوره مر محنت یوزن اول که بسیار خوار اوله  
کدی که از بیکی عادت قبل ای صاحب نظر منزل جمعه که جانک دایما بر نور اوله

لا تشرف مع سوء الآداب

ترجمه

بی ادب مرد کی شود مهتر کچه اورا جلالت نسبت  
با ادب باش تا بزرگ شوی صکه بزرگی نتیجه ادبست

الترکی

بوله من اصلا اولولقی بی ادب عالمده هیچ جد وایدن کدو منده واره ده اصل وذب  
استقامت دو جهانده بوله ک عز و شرف اهل عرفان ایله صحبت قبل ادب او کزن ادب

لا اجتناب من فخر مع جبرص

ترجمه

حرص سوی عزومات کند خاک انکس که حرص ایداشت  
که نخواهی که در حرام افتی دست از حرص یی باید داشت

الترکی

ادی حرص و طمع البت حرامه او غرر در افرین اول مرده کم بو ایکسن ترک الیدی  
که دیارست که حرامه دوشیم من حرصی غرر حرصی ترک الیدن صفا بنیادی ترک الیدی

لا راحة مع حسی

ترجمه

از حسد دور باش شاد بزی با حسد هیچ کس نباشد شاد  
که طرب و انکاح خواهی کرد مر حسد را طلاق باید داد

الترکی

دائما شاد اولقی استرسک حسدن دور اول غمخیز اول که کم هر دم حسدله یار اوله  
کج حسدن ضایع ایچمه عمر یکی قصه ایله سن صافه که اصلا حسدن که بر خور دار اوله

لا مرض النفس من قلة الغنى

ترجمه

ای که روز و شب از طریق علاج در فزونی جسم و جان جنودی  
یاده در خرد فزای صکه نیست هیچ بیماری چو کم خردی

الترکی

رواق جان و تنک ارتقم استرسک اگر غله سی ایله دما دمر عقلی ایله فزونی  
عقل و فهمی اولیندر دائما محنته در ادمه بودند زیاده اولیه درد درون

لا بسا لك يقضيك ما عوده

ترجمه

بر آنکه خوی کن زیادتیا کان رود بر زبانکه خوی کند  
خوی کر بر بدی کند روزی پس خلقت سیاه روی کند

الترکی

اغریسته الله صافین کونی سوزی ایله حذر خوی ایدرانی اسانک بد سوزی معتاد ایدر  
خوش زبان اولمقلقه سی ایله زیرا عاقبت بر کون اولور کیم سنی کتار بد بر باد ایدر



﴿الْمَرْءُ عَدُوٌّ مَا جِهَلَهُ﴾

ترجمه

مرد مان دشمنند علی را که نقصان خود ندانندش  
علم اگرچه خلاصه نیست چون ندانند هر خوانندش

الترکی

دشمن اولورلر او علم و دانش و عرفانه کیم بلیه نقصان فهمندن انی خلق جهان  
علم و دانش دین ایچون قینلو جوهر درولی بلینار کهره نسبت ایلر اول علی همان

﴿رَحِمَ اللَّهُ أَعْرَابًا عَرَفَ قَدْرَهُ وَلَمْ يَتَّعِدْ خَلْوَةً﴾

ترجمه

رحمت ایزد سے بر آنکس باد که عنان در کف جنون ننهد  
قدر خود را بداند و هر که قدم از حد خود برون ننهد

الترکی

رحمت حقندن او کسه اولار اصلا بی نصیب کیم عنان فهمنی دست جنونه ویرمه  
کیم که مقفانین یارب حدین تجاوز ایتمدی ایکی عالمده اکا اصلا کدورت ایرمه

﴿لَا تَحِبُّهُ مَعَ مَرَاو﴾

ترجمه

المهست آنکه فعل اوست لجاج البلی را کجا علاج نبود  
نقوانی لجاج پیشه مکن کافت دوستی لجاج نبود

الترکی

هر کک کیم عادی اوله لجاجنه نزاع جاهل و احمق اول کسه اکا اولار علاج  
عزت و حرمت دلیلک خلقتدن ایتمه جدال کیم محبتکه خبدال ایقولر اصلا امتزاج

﴿لَا تُؤَدُّ مَعَ اِتِّقَابِ﴾

ترجمه

صوت انتقام از مردم دولت مهتری کند باطل  
از ره انتقام بکسر شو تا ثانی ز مهتری عاقل

الترکی

انتقام و کینه بی خاطرده طوقه زیره کم کینه طویق اولولق اقبالی باطل ایدر  
ترك ایت بوخصالی تا سا که بختک اوله یار کینه سرورک اشینی عاقبت مشکل ایدر

﴿لَا زِيَاةَ مَعَ زِيَاةٍ﴾

ترجمه

چون زیادت کنی عزیزان را روی خوش دار و خوی از آن خوشتر  
که اسکر بد خوئی کی انجا آن زیادت شود هیا و هدر

الترکی

بر عزیز استرایسک کر زیادت ایدمساک باطنک خوش طوط کولر یوز کوستروب  
کی صاقین بد خوئی ایتمه کولر یوز کوستروب شربتک زهر ایه کیم مرض ایتمه التوندن قد

﴿لَا تَوَلَّ مَعَ تَرْكِ الْمُسْوَرَةِ﴾

ترجمه

مشورت زهر صواب امد در همه صکار مشورت باید  
کار آنکس که مشورت نکند باد ده باشد از صواب اید

الترکی

مشورت طوقری ایش زهر اولمجه ای فنی هر برایشه مشورت لازم ایدوکی آگاه پک  
مشورتن کورمه ایش عتیکه ایدوب اعتماد ملوغری اولسه بلیه سکا خیر ایتری درنک



لا مِرْوَةَ اِيْكَذُوْبٍ

ترجمه

هر که باشد دروغ زن بروی از مروت کجا فروغ بود  
که کند عهدان خدای بود ورد هد وعده از دروغ بود

الترکی

ککه یاندر سوزی اندن مروت استمه کیز اصلاکم یلانجیدن وجوده لطف وجود  
جلیله وارر سوکی اخرستی بر باد ایدر وعد وعده نه یلانجینک صاقین وریه وجود

لا وِفَاةَ لِلْأُولٰٓئِی

ترجمه

مطلب تو وفا ز مرد ملول نشود عتبع ملال و وفا  
که کند عهد چون ملالش خاست بشکند عهد را بدست جفا

الترکی

هر کماک طبعنده اوصاقل اولسه کی صاقین ایله اول کسه دن اصلا وفا امیدنی  
چون ملالت ویرنجاک طبعیه انک اتقباض دست جورله شکست ایله محبت بندنی

لا کُفْرَ اَعْمٰوْمِنَ الشُّقٰی

ترجمه

که کفری برای تقوی رو زانکه تقوی سر همه کرمست  
نا گرفتن درم زوجه حرام بهتر از بذل کردن درمست

الترکی

که کرم اعلی ایسه ک تقوا وزهدی پیشه قل ککه بهیزانندی تحقیق اول درم صاحب کرم  
که دردم المایه سن اول وجهدن کماوله حرام یکدر اندن کم تصدیق ایدم سن هر دم درم

لا شَرَفَ اَعْلٰی مِنَ الْاِسْلَامِ

ترجمه

ای که در ذل کمتر ماندستی عز اسلام داده از کف  
که شرف بایدن مسلمان شو که چو اسلام نیست هیچ شرف

الترکی

هیچ اولواق یوق جهانده یوجهرک اسلامدن بولاق استرک شرف اسلامی کل ایله قبول  
عزت اسلامی دلاک ایت اوله کفر ایتره ذلیل شرکدن قوتاد اوزین نابوله سین برککه بول

لا مُغْفِلَ اَحْسَنَ مِنَ الْوَرَعِ

ترجمه

ای که از دفع لشکر امان عاجزی و ترا سپاهی نیست  
دربناه و رع کر و از آنکه از ورع نیک تربیاهی نیست

الترکی

افت و غمدن صفیق ایچون استرک پناه هر هوسدن چک انک بهیزکار اوله ای عزت  
لشکر افاتدن حفظ اولق ایچون هر زمان زهد و بهیزی سلاح ایدندیلر اهل قیتر

لا تَضِیْعَ اَنْفَحَ مِنَ التَّوْبَةِ

ترجمه

ای که بید کاه کردستی بی نترسی از ان فعال ضایع  
توبه کن تا رضای حق یابی که به از توبه نیست هیچ عمل

الترکی

دیدم بید کاه ایدک لیشیان اولمک عتقی باشکال صوبه لاریکی اندیشه قل  
که شفا عی دلیسک صوبچی غنوا ایندیره توبه و طاعتی هر دم کندیکه سن پیشه قل



لا لایات اجل من الشیة

ترجمه

مرد را که عقل با بهره است هیچ کسوت به از سلامت نیست  
سلامت اگر نباشد شاد کسوت او بجز ندامت نیست

الترکی

ادمه سالقی کی هیچ اولیه اعلا ایاس چون سلامتین ایاس کی اولسه غم دکل  
هر کم ایترسه سلامت کسوه سله شادلق غصه و غم کسوه من کیسونه اول ادم دکل  
لا دآه آغیا من الجهل

ترجمه

علم در دست نیک با قیمت جهل در دست سخت بی دمان  
نیست از جهل جز شقاوت نفس نیست از علم جز سعادت جان

الترکی

علم بر قیمتلو انجودور انی تحصیل قل جاهل اوله کم جهالت درد بی درم اندر  
اهل عرفانک سعادتدر انشی هر حالده جاهلکاری شقاوت حاصلی حرماندرد  
ایجادة الاعتذار تذکیر للذنب

ترجمه

عذر بیکار خواه از کجی کز دو بارت تقص جاه ترا  
بسر عذر باز رفتن تو تازه کردن بود کج ترا

الترکی

من کنهاتک عذیبی بدن زیاده ایله کیر ایدر عتر و وفادی ایکی کره سوبلک  
ایله ارتق اعاده اعتذارست بر دخی تازه قلمقدور کاهی بعدد اید ایلت

التصحیح بین الملائق

ترجمه

کس نصیحت کنی بخلوت کن که جز این شیوه نصیحت نیست  
هر نصیحت که بهر بلا باشد از نصیحت بجز فضیلت نیست  
الترکی

نصح و نذایمک دیرلک اعلف ایدوب خلوتده ایت شیوه واداب نصح و بند خلقه بوبله دمر  
اول نصیحت کم اوله بین الملائق نصیحتدر بلکه باشد فائده دن افتخوردور هم اوله دور  
اذا تم العقل قصص الکلام

ترجمه

هر که اندکست مبلغ عقل بیهوده گفتش بود بسیار  
مرد را عقل چون بفرزاید در محافل بکا هدش گفتار

الترکی

هر کسک سرمایه عقلی از اولسه لاجبور بیهوده گفتاری عادت ایلر اول کسه همان  
عقل و فیهی نام اولان ذات ملائک خصلتک مختصر بر فائده اولور کلاسی بی کان  
التصحیح جناح الطالب

ترجمه

ای که هستی و طالب حاجات شیخ نو میدی از دلت بر کن  
تا بطلوب خود رسی و مملوک دست درد امن شفیعی زن

الترکی

بر مرادک واد ایله ای مرد دانا که اول ایله نو میدک رستن کسوکلمده اشکار  
چون ضاعتله اولور سرعتله مطلوبه غلیر من شفیعک دامنک الدن براقه زینهار



﴿عَلَى الْمَرْءِ دَلَّةٌ﴾

ترجمه

ای که داری نفاق اندر دل خار بادت خایده اندر خلق  
هر که سازد نفاق پیشه خود خوار گردد بنزد خالق و خالق

الترکی

ایکی یوزلو ادمینک دو جهاندی یوق بری کل نفاقک وارایسه قلیکده جانا قوبه قیل  
هر کم ایلرسه نفاق وقتیه عادت همان نزد خلق وحفده الحق کدوزین ایله ذلیل

﴿نِعْمَةُ الْبَاطِلِ كَرُوحَةٍ فِي مَرْيَلَةٍ﴾

ترجمه

ای که داری هنرنمایی مال ممکن از کرد کار خود کلاه  
نعمت و جهل باغخواه که هست روضه در میان مریله

الترکی

ای معارفله اولان پیراسته غم چکه سن نزد عارفنده متاع عالمک بازاری یوق  
جهل ایله سرمایه دنیا به اولمز اعتبار مریله ایچره اولان روضه کی مقداری یوق

﴿الْحَبِيعُ أَتَقَبُّ مِنَ الصَّبْرِ﴾

ترجمه

در حوادث بصبر کوش که صبر برضای خدای مقبولست  
قی مده در جزع که رشج جزع صدره از رنج صبر افزونست

الترکی

صبر قیل زحمتله زیرا که صبر اولدی جمیل هم رضای حق صابرل مقارن اولدیله  
ورمه جزعه کندیکی زیرا اولولر یکسان جزع رنجین صبر رنجینده افزون اولدیله

﴿السُّؤْلُ رُحْنٌ يَبْدُو﴾

ترجمه

مرد مسؤل چون دهد وغده خوشن در مقام شک فکند  
هست حر کرده را وفا سپرد نیست حرک در خلاف زند

الترکی

هر نه دمکم برکنی سندن دیلرسه بر دیک ایتمیجه وعده بی انک ایله آزاد سن  
وعده چون قلدک وفا قل بوغه وعده ایله کر خلاف وعده قلسک هر که کلدن یاد سن

﴿أَكْبَرُ الْأَعْدَاءِ أَخَافُهُ مَكِيدَةً﴾

ترجمه

بدترین دشمنی توانم ترا دان صکوت ظاهر ترا نماید بر  
هست ممکن حذر دشمن جهر نیست ممکن حذر دشمن سر

الترکی

دشمنک الک اشنی اولدر سکه ظاهری خیر اوله لیکن درونی پراوله عدوان و شر  
چون اوله ظاهر عدواندن حذر اساندر جازه بقدر کم ایلسون کرلی دشمندن حذر

﴿مَنْ طَلَبَ مَا يَنْهَى عَنْهُ مَالًا نَفْسُهُ﴾

ترجمه

انچه باید بکار مرد مرا که زنجش هیچ بکار آید  
غوت کرده ز دست او بی شک انچه او را هی بکار آید

الترکی

هر حکم ایلرسه لزومی اولین شیئی طلب ینده اوقاتی تسلیم ایله اسکله یاک  
عاقبت اول شیئی حکم شدتله لازمدر اکا حسرت ایله متاع ایله سوزنه قلم شک



﴿السَّامِعُ لِنَبِيٍّ أَخَذَ الْمَنَاقِبَ﴾

ترجمه

تا توانی مگوی غیبت کسی نه که بدونه کینه طبعیت  
هر که او غیبت کنی شود هست همچون کینه غیبت

الترکی

غیبت ایدن کس نه که هیچ لافچه طوقه قولاق دیکلوب سولینه غیبت زیاندار ای اخ  
ایکی مفسد بر کینک غیبتک سولرسه کر دیکله اصلا ازلدن اوله سنده بر دخی

﴿الذَّالُّ مَعَ الْقَطِيعِ﴾

ترجمه

هر که دارد طمع بحال کسان تنش در ریخ و پاش در جزعت  
تا توانی طمع مکن زیرا که هر چه خواریست جمله در طمعست

الترکی

ماله غیرک طمع ایدن کینک لاجرم کورمه راحت یوزن بر وجهه ای محترم  
من طمعدن فارغ اول حق ویرد کینه قانع اول عزک اترسون خدا کو ستر مسون ذل وندم

﴿الرَّاحَةُ مَعَ النَّاسِ﴾

ترجمه

تا تو در دل امید بنستی هر چه رنجست جمله در دل تست  
چون بریدی امید از کراں هر چه از راحت حاصل تست

الترکی

ای کوکل راحت دبلرسک کس امیدک جمله دن کر او مرینک هر کسیدن نسنه راحت استمه  
باغله شولک بونک احسنه هر کو امید حاجتک حقندن دیله خله دن مروون استمه

﴿الْحِرْمَانُ مَعَ الْحَرِصِ﴾

ترجمه

ای که در حرص مانند شب و روز با تن مستند و با دل ریش  
از ده حرص دور شو زیرا که هر کرا حرص بیش و حرمان بیش

الترکی

چون نصیبک ایریشود هر نسبه اوله حرص رزق مقسومندن ارتق استین محروم اولود  
حرصی ترک ایله قناعت اهلی اول چکه تب ادمه کلیمکده در اول نسبه کم مقسوم اولود

﴿مَنْ كَثُرَ مِرَاغُهُ لَا يَحُلْ مِنْ حَقْدٍ عَلَيْهِ أَوْ اخْتِلافٍ بِهِ﴾

ترجمه

هر که سازد مزاج پیشه خود کر امیدت پاسبان کردد  
در همه دید عیاسک باشد بر همه سینه کراں کردد

الترکی

من مزاج وکلکی عادت ایدغمه خلقله تاخفیف اولیه من میزان عز و نازده  
دخی اولیه سکه دولت اسه کینه لو نخبولک مرزاد اوله میدان عز و نازده

﴿عَبْدُ الشَّهْوَةِ أَذَلُّ مِنْ عَبْدِ الرَّزْقِ﴾

ترجمه

هر که او بنده کشت شهوات هست نفس خسیس و طمع لیم  
بنده شهوتست در خواری بدتر از بنده خیریده بسیم

الترکی

هر کم اولمشدو اسیر دست شهوت شبهه سز ایدن الحق کسه یوقدر ایکی مالیده همان  
خوار و رسوائی یوزندن بنده شهوت اولان اقیبه ایله حاکلان قولدلد بدتر در اینان



﴿ كُنْ بِالْفَقْرِ رَضِيًّا لِمَنْزِلِ ﴾

ترجمه

بر کمال کار چون شوی قادر غم کن ز آنکه بی که کن نیست  
و در مرا و را شفیع کن نبود ظفر تو شفیع او پس نیست

الترکی

چون کمال کار ظفر بولد قدمه احسان الیوب غم و قتل زیرا جهاننده ادم اولی بی قصور  
اگر هیچ که شفاعت الی ایستاده غم قدرتت بسدر شفاعتی بوزندن قل حضور  
﴿ اَلْحَمْدُ مُنْقَطِعٌ عَلٰی مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ ﴾

ترجمه

هست مرد حدود خشم الود بر کسی که نکرد هیچ گناه  
نعمت خلق دیدنستواید ز آنچه باشد ز استطاع اله

الترکی

خشد و قهر الیه بقر هر دم حدود بد کان اول کشینک یوزینه کم گفامش اندن گناه  
بی بصیرت در کوزی بوقدر کوره اول نعمی کم و پرو بدر کفد و قولرینه بی منت اله  
﴿ زَبَتْ سَاعٌ فِيمَا يُضَرُّهٗ ﴾

ترجمه

ای بسا که طالب کار نیست که از آن کار باشد خذلان  
ناصح او از آن شود ممکن حامد او از آن شود شادان

الترکی

چون کسی دارد که ایشه یا شوب پاک جبهه اید کور بود کم اول ایشک انجایی خذلان در همان  
نصح قلست دکلمن ناصحاری ممکن اولور حامد بدرانی الی او ایشده شادمان

﴿ لَا تَكُنْ عَلَى الْغِنَى قَاتِلًا بِضَاعِ الْفُكْرِ ﴾

ترجمه

نیکه بر از و ممکن گناه هریچه ارز و باشدت بپشت حق  
هر که بر از و کد نیکه بجز عاقلان بود احمق

الترکی

ارزو و حشوا هشته عاقلان ایترا اعتقاد معطی و مانع خدائی بلین حکم مایه در  
حقه قویض ایت امورک دایما راجنده اول ارزویه انصفا احمق و سیر مایه در  
﴿ اَيُّهَا السُّحَرَاءُ وَ الرِّجَالُ عِبُدُ ﴾

ترجمه

کر بریدی و مرد مان تو امید بن از ادسه و بدل شادی  
و بر دیشان امید دو بستی دادی از دست عز و ازادی

الترکی

ای سعادت اسی چون کسکدک امیدک خلقدن جالت اولدی غصه دن ازاد و قبلک اولدی شاد  
کر او موب بر نسته بی بر کسه دن طو سکت امید بفلور عز و وقارک بر دخی اولور کشاد  
﴿ ظَنُّ الْعَاقِلِ كِبَاهُ ﴾

ترجمه

هر اشارت که مرد عاقل کرد بر اشارات او مزید مجوس  
ظن عاقل بود بهر صکاری در اصابت چو حکم احتراکوی

الترکی

هر اشارتکم قلاز عاقل انک از نجه بکت کم انک کتر کاسه عاقبت اولور یقین  
عاقلک ظنی بر ایشده الی اکثر خطا قال اچیبی و مخیم سوزی کی ای امین



﴿مَنْ نَظَرَ إِنْغَبَرَ﴾

ترجمه

مرد در کارها چون که نظر بهره اعتبار از آن برداشت  
هر چه از سودمند نبود گرفت آنچه ناسودمند بود گذاشت

الترکی

هر که اول صبرت کوزله اشاره قلدی نظر فرق ایدوب سود و زیان طو تراندن اعتبار  
کار ناهمواردن ایدوب او که استناب طو غریبی ایله عمل ایتکاک ایلر اختیار

﴿الْعَدَاوَةُ شَقِيَّةٌ﴾

ترجمه

هر که پیشه کند عداوت خلق از همه چیزها جدا کرد  
که دلش خسته عدا باشد که تنش بسته بلا کرد

الترکی

هر که کم اولسه خلیله عداوت عادی عمری بی حاصل چو هر نشنیدن اولور بید  
جانی حسرت اودیه سوزان ایدوب و الحاصی دلمه عدوان ادمی جانتدن ایلر نا امید

﴿الْقَلْبُ إِذَا أَكْرَهَ نَحَى﴾

ترجمه

بستم دل بسوی ظلم مبر که بستم آتش دل افروزد  
خاطرت و وجه جند تیز بود بستم هیچ علم ناموزد

الترکی

ایله اکر اهله تحصیله سی بیوده اولمغه جان خواهش کو کل خرم صاقین  
زیر کم وور ایله سی و ورش ایتک عاقبت کور ایدر قلی اولور کارک سیک اه واین

﴿الْأَدَبُ صُورَةُ الْفَقْلِ﴾

ترجمه

با ادب باش در همه احوال که ادب نام نیک را سبقت  
عقل است که او ادب دارد نیست عاقل کسی که بی ادب است

الترکی

بر نفس اربله عاقلست ابدن ای فقی بوله سیک نام نیک اولوب شمایه مستحق  
عاقلک ادب و عرفاندن ایشی و الحاصی جاهل و احمق ایدر در بر سوزدن ال سبق

﴿لَا حِكْمَةَ لِحَرِيصٍ﴾

ترجمه

هر که باشد حرص بر چیزی ناید او را بحسن از شرم  
برود از نهاد او خجالت بشود از سرشت او آزرم

الترکی

بر کسی بر شنبه اینه طمع اولسه حرص حرص و ازندن او تافق کلز اصلا یارینه  
حرص و ازنی ترک ایدوب قانع اوتور و اخته اول کلسون حیانا دناست طمع مادر زادینه

﴿مَنْ لَانَتْ إِسْكَافُهُ ضَلَّتْ أَعْيَانُهُ﴾

ترجمه

هر که باشد ضعیف انباش در کتب اقویا شود مقهور  
نشود بی متاینان هر که هیچ کس بر منازعان منصور

الترکی

هر که اتباعی بی قدرت ضعیف و خوار اوله اقویا دستنده اول که اولور بی اعتبار  
البدن اتباعی تحقیر افتندی بش اول بولز اعدایه طفر حالی اولور زان و ترار



مَنْ أَوْفَى فِي عَمَلِهِ قَلَّ حَيَاؤُهُ وَبَدَّ لِسَانَهُ

ترجمه

هر کس که وقت کودکی بود دست پسته در زبیر مردمان خفتن  
شرم او رفته باشد و هر کس ناید از لفظ او نکو گفتن

الترکی

هر کس اولسه محتک ایشی لابد انک قالیوب شرم و حیاسی بی ادب اولور همان  
نامز اکتاد هر دم عادت اولشدر اکا کم لاسندن صدور اینز کوزل سوز بر زمان

الشید من وعظ بقیره

ترجمه

نیگمت آن کسی بود که دلش هر چه نیکی دروست بپذیرد  
دیگری را چوپند داده شوند او از آن پند بهره بر سکورد

الترکی

اکا لایقندر سعادتک ایشیده هر سوزی اجمیه یا یانه اندن درس الوب ایده عمل  
هم دخی وعظ ایشه لر غیره انی پک دیکلیوب حفظ ایده حسن قبوله و بر مبه اصلاح

المسکنة ماله المؤمن

ترجمه

هر که چیزی نفیس کم شودش بسته دارد بچستنش همت  
جان انکس که مؤمن پاکست هر بد انسان طلب کد حکمت

الترکی

هر کس بر نشه سی خایع اولور سه لاجرم کم تحر بنده انک سی ایدوب ایلر دیاک  
مؤمنک غیب ایندیکی حکمده ای یاز عزیز سده مؤمنک انی و اقلقه صرف ایت انک

الشیر جامع لیسکوی القلوب

ترجمه

تا توانی مکرد سکوردیدی کر ترا هست طاعت طاهر  
کریدی فصل تو شود پنهان وزیدی عیب تو شود ظاهر

الترکی

اچه کلک کسه به ایله حذر ای اصل پاک خلق اراسنده اولور سن عاقبت مذموم و زار  
بر کولک بیک قدر خبری ایدر مستور چون عیب مستورک دخی ایلر هماندر اشکار

کثرة الوفاق شقاق و کثرة الخلاف اتفاق

ترجمه

در وفاق کسان غلو میکنید که از آن تهمت ریا زاید  
وز خلاف مدام دور شوید که از آن دشمنی بیفزاید

الترکی

کل موافق اوله هر کارنده هر بر کسه به کم ریا ظاهر اولور اندن اتفاق اولور عیان  
هم دخی اولسک مخالف ایده دشمنک ظهور راست کوی اول طوغری ایش ایت دوستق

زب آملر خایب اولسون جاودان

ترجمه

ای که بستی امید در چیزی غم غفور کر نیا و ریش بدست  
بس امید سے که آن بگشت وفا بس شکوفه که بشکند و بگشت

الترکی

ای امیدن باغلیان بر نشه به اسکاه اول حاصل اولر سه اگر قلبه کورمه بیتاب  
میوه بخش اولر جهاند هر زمان نخل امل اینز ارسال مظهر ظاهر اولان هر بر سحاب



﴿ رَبِّ زِدْنِي زُجْرًا وَبِقُدْرَةٍ إِلَى الْإِيمَانِ ﴾

ترجمه

نه که هر کس امید چیزی هست کسب آن نیز باشدش آسان  
بس امیدی که هست عاقبتش محنت و یأس و افت و حرمان

الترکی

بانیلوب هر چه مراده کوکاک اصرار الیه صولک او چنده بلکه ظاهر اوله انک افق  
چوق رجاواردرکه مطلوب و زره حاصل و لسه ده محنت و یأس و افت و حرمان در انک غایتی

﴿ رَبِّ زِدْنِي زُجْرًا وَبِقُدْرَةٍ إِلَى الْإِيمَانِ ﴾

ترجمه

ای بسا مرزد سود جوینده که قدم در ره محنوف نهاد  
عاقبت چون بدستش افتد سود او از آن سود در زمان افتاد

الترکی

چوق کثیر فائده استر برایشه بایشوب کم ظفر بولدقده اکثر یونجیش انده مال  
قوشمه هر بر فائده اردنجه نمکین الیه سن چوق فوائد وار کم خسارندر اکا داس مال

﴿ رَبِّ زِدْنِي زُجْرًا وَبِقُدْرَةٍ إِلَى الْإِيمَانِ ﴾

ترجمه

در طمع دل نیست باید هیچ که طمع بیشتر دروغ بود  
الشی صکان طمع بر افروزد کم زخا کسترش فروغ بود

الترکی

ایاز عاقل اولان بر شسته اصلا طمع چوق طمع واردرکه انجای اولور کذب و دروغ  
اوله بر شمعک که ضوق عالی تویر ایدر مشتعل اولسه طمعدن اولیه انده فروغ

﴿ الْبَنَى سَائِقٍ إِلَى الْخَلْقِ ﴾

ترجمه

بنی شومست کرد بنی مکرد بنی بیج حیا ترا بهکند  
مرد را از صف بقا ببرد تا که اندر گشت فنا فکند

الترکی

ایک ظلم و ستم خلقه تقلبه همان آدمی درد و بلا به سوق ایدوب الیه هلاک  
جانب حقندن عدول انک دخی بر رسمه در ادم ایسک کل ایستنده الیه انکاک

﴿ فِي كُلِّ بَرَّةٍ شُرُفَةٌ وَمَعَ كُلِّ أَكَلَةٍ غَصَّةٌ ﴾

ترجمه

نیک و بدیش و کم صلاح و فساد هست آمیخته درین عالم  
هیچ راحت ندید کن بی ریج هیچ شادی ندید کن بی غم

الترکی

بر بریه مختلط بومشزل فائده چون بیش و کم نقصان و زائد نیک و بد صلح و فساد  
راحتک اردنده حاضر غصه و ریج و غنا غم همان اماده در کیم اولسه سرور القواد

﴿ مِنْ كُلِّ فِكْرَةٍ فِي الْعَوَاقِبِ لَمْ يَنْجَحْ ﴾

ترجمه

هر که در عاقبت پستی نکرد نیم دل باشد و تنگ زهره  
نه بیا بد ز غم تن حصه نه بیکردن کام دل بهره

الترکی

فکر انجام الیه هر ایشدن کیر و طور مق همان کید در طمعدن انسانک شجاعت جوهرین  
ادمی ایله حیانت عتر و رفتندن بعید همدخی ایله شجاعت خلق ایچنده بر کین



﴿إِذَا حَلَّتْ مُقَادِيرُ خَلْقِكَ الْقَدَائِرُ﴾

ترجمه

چون قضای خدای عز و جل بر سر بنده شود نازل  
همه تدبیر او شود همراه همه تقدیر او شود باطل

الترکی

هر نه دم باران تصور خدای مقتدر بنده بیواته نک فرقیه ایلر سه تزل  
جمله تدبیری ائک زائل اولور بی اشتباه سن قضای حقه راضی اول صاقین اوله مالول

﴿إِذَا حَلَّ الْقَدَرُ بَطَلَ الْخُذَرُ﴾

ترجمه

چون قضای خدای نازل گشت توز تسلیم صبر ساز پناه  
توان کرد دفع آن بخذر توان بست راه آن بسپاه

الترکی

چون قضایله قدر نازل اولججه چاره یوق ایده کور تسلیم و صبری کدیکه حر و پناه  
یادشله ایده من تغییر تقدیر خدا دوده من قارشو اکا شبعان و فرسان و سپاه

﴿الْإِحْسَانُ يَقْطَعُ الْقَبِيحَانَ﴾

ترجمه

هر که کردی بجای او احسان مال دادی و مردم بخیریدی  
هم ضعیفش بهر پیوندی هم زیانش زهجو پیریدی

الترکی

هر که لطف و کرم ایست بوسری باش اول اول منک حقه عکده هجو و هنر له قلیه هوس  
رکشی ایسه سنک آرد که هر نه کهنکو سن همان ائک لبانک لطف و احسان الله کس

﴿الشَّرَفُ بِالْفَضْلِ وَالْأَدَبُ لِلْإِصْلَاحِ وَالنَّسَبُ﴾

ترجمه

فضل جوی و ادب که نیست بحق شرف مرد جز بفضل و ادب  
مرد بی فضل و علم بی عز دست کچه دارد بزرگ اصل و نسب

الترکی

کر سعادت استر ایست کسب قیل فضل و ادب دینه یوقدر بن کی اسلاف و انسابه خلف  
فائده و یرمز نسب اولز ایسه فضل و ادب حاصل او کزن ادب استر ایست عز و شرف

﴿أَكْرَمُ الْأَدَبِ خَيْرُ الْخَلْقِ﴾

ترجمه

مرد بد خلق در همه عالم بی سبب سال و ماه در غضبست  
نیک خوی کرین که نزد خرد نیک خلقی شریفتر ادبست

الترکی

مرد بد اخلاق و بد کردار عالمه همان بی سبب ایلر غضب چک کده در دایم تب  
احسن اخلاقه اول متصف ای نیک مرد زیره بودند خویتر عالمه یوق فضل و ادب

﴿أَكْرَمُ النَّسَبِ حَسَنُ الْأَدَبِ﴾

ترجمه

ای که مغرور مانده شب و روز بیزدکی و اصل و عز و نسب  
روح حسن ادب کرای که نیست این نسب خوبتر حسن ادب

الترکی

ای مباهات ایمن اصل و نسب له روز و شب بو خیالی ترک ایدوب تحضیل قیل حسن ادب  
ادم اولدر کم اوله حسن ادب له متصف حاصلی حسن ادبدر اکرم اصل و نسب



﴿ أَفْقَرُ أَفْقَرُ الْخَمَقِ ﴾

ترجمه

کوفتیری و نیستی الحق تا از آن فقیر هیچ پندیشی  
شکر کن اندین مقام که نیست بدتر از حق هیچ درویشی

الترکی

اولیه حق و بلاهتدن بر افلاس و فقر همدخی عقل و درایت کیی اول از رأس مال  
ادمه عقل و درایت نعمت یزداندو شکر و حمد الیه دما دم اوله سن آسوده حال

﴿ أَوْحَشَى الْوَحْشَةِ الْغُيُوبِ ﴾

ترجمه

کزایشه خویشتن بیتی است مردمان از شوهر بردارند  
مر ترا در مضایق و حشت بی انیس و جلیس بکندارند

الترکی

هر کک خود بینک رسی اولورمه عادی دوستلندن خلق انک بیزارور و کردن اولور  
از فساد و شهه مفیق و شهه اول کسه چون یارسن قالور حسرانده در دله کریان اولور

﴿ أَغْنَى الْغِنَاءُ الْعَقْلَ ﴾

ترجمه

ای که خواهی توانگری بیوست تا از آن ده رسته بهتری  
از سر دجوی متری ذیراک نیست همچون خرد توانگری

الترکی

ای ایدن خواهش غنایه سعی و ورزش الیوب عقل و عرفانک دما دم ایده کورمه ز وارسن  
عقل و عرفاندر همان سرمایه عثر و وصله لاله جهل و بلاهتله غنایه پادسن

﴿ أَطْعَمُ فِي وَثَاقِ الذِّلِّ ﴾

ترجمه

تا توانی مکرد مکرد طمع اگر از عقل بهره داری  
زانکه بیوسته مردم طامع بسته باشد هرشته خواری

الترکی

ناقل عثر فر او اندر فغاغت الیمین بسته سر رشته ذلندر اصحاب طمع  
کی صاقین عاقل اینک قله طمع بر شنه مظهر خسراندر دار بسته ارباب طمع

﴿ أَخَذُوا بِأَنفُسِهِمْ فِي كُلِّ شَأْنٍ يُرِيدُونَ ﴾

ترجمه

ای که با نعمتی بسیرت بد نعمت خویش را از خود مرمان  
کهنه عریچه رسیده شد کسکی باز آوردنش بود آسان

الترکی

ای اولان صاحب تم اخلاق بددن یک صاقین الله تنبیر کند کردن خداتک نعمتک  
هر نه کم نفرت ایدوب سندن حجر کلز کورو الله ایکن حفظ ایدوب فهم الیه قدر و قیمتک

﴿ أَكْرَمَ صَارِعَ الْمُشَوَّلِ تَحْتَ بَرُوقِ الْأَطْمَاعِ ﴾

ترجمه

آفت عقل مردم از طمعست تا توانی سوی طمع مکرای  
چون طمع دست برد بنماید عقل مردم در او افتد از پای

الترکی

عقل و فکرک آفتی انجق طمعدر بلش اول قادر اولد بجه طمعدن کی صاقین ای یک وای  
طمع انسانده طمع قوت بولجه شهمسز عقل و فکر و فهم ادراکی ایدر انکسته پای



﴿مَنْ أَبْدَى شُحَّتَهُ لِحَقِّ مَالِكَ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنِ الْحَقِّ هَلَكَ﴾

ترجمه

هر که بر حق بود بهر دو جهان حاصل آرد بجهلکی اغراض  
باز در ورطه هلاک افتد آنکه از راه حق کند اغراض

التزی

کمکه یزد و ندردی حقن باطله اوزاندی ال جسمی قلدی هلاک و جانسه ابدی فنا  
حق یلینی قویسه الدن باطله ال صوغه کم تا اوله دارینده هر بر سر مرادک روفا  
﴿إِذَا أَمْلَقْتُمْ فَنَاجُوا اللَّهَ بِالْصَّدَقَةِ﴾

ترجمه

هیچ چیزی مدان قویون صدقه هست از مال و جاه را پیشی  
اور ساند بتاز و استغنا اوزه ساند ز رفیع درویشی

التزی

فقرو فاقه از قضا حاکم پریشان المیه سن لوجه الله تصدق ایتمکه سعی ایت همان  
اغنیای شاکرینک صدقه در سرمایه سے صاحب احسانه حق احسان ایلری کان  
﴿مَنْ لَانَ عَوْدَةً كَيْفَ أَغْنَاهُ﴾

ترجمه

هر که با کفر از کد تروی ماند اندر بیست ایشان  
تنبهش برستی کردن سببش بواجبی فرمان

التزی

وریه یوز اولاد و اتباعه صافین ظاهر دمن خیر و شری اترک بالجمله عائد در مکا  
لطف اگر چه خویش و لکن سیاست اولیه مقتضای امر و نیکیده اولمز اعتنا

﴿قَالَ الْإِمَامُ فِي قَبْرِ﴾

ترجمه

هر که او هست با حماقت جفت جایگاه دلش دهان بیست  
هر چه دارد ز نیک و بد در دل جمله آن بر سر زبان بیست

التزی

هر کک حق و بلاهت اولسه طبعنده انک هر نه کم قلبنده در ایلر لسانندن کزار  
بی تفکر الیه اظهار ای عاقل صافین خوب و زشت و غیر و شردن دله پنهان نه که وار  
﴿إِنَّمَا الْإِنْسَانُ أَلْفَاظٌ وَزَايَ قَلْبِهِ﴾

ترجمه

هر که او هست با کمال خرد هست پنهان زبان او در دل  
نشود هیچ سزا او پیدا نبود هیچ کت او باطل

التزی

هر کک کم عقلی وار دلی انک قلبنده در صافقور اندیشه سز خرج ایلر کتاری  
بی تأمل نایجا الفاضل آماز قباله هیچ کسه بلز سزخی فاش ایلر اسراوی  
﴿مَنْ تَرَى فِي عَنَانٍ أَمَلَهُ عَرَّ بِأَمَلِهِ﴾

ترجمه

در عه کارها بکت هوا هر که نهد عنان بدست امل  
بیم باشد که آن امل ناکاه اندران داردش بیجاه اجل

التزی

هر امید و آرزو آرد بجهت کمال خوش دکل دوشیمه دست هوا به حکم عنان اختیار  
ذریه بونفس و هوا بر کون اولور کم عاقبت او غرادر ناکه اجل بندینه ایلر تار و مار



إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكَ أَطْرَافُ الْبَعْرِ فَلَا تُشْرِكْ وَأَقْصِهَا بِقِلَّةِ الْفَصْرِ

ترجمه

چون بیای قوسمی هر چند خرد باشد چو نقطه و هووم  
شکران یافته فرو مگذار که زنا یافته شوی محروم

الترکی

شکر قل دائم خدایک نعمت واحسانه از کوروب تحقیر و استغفالیه قلبه نظر  
الده کی هر نعمتک شکرک ادایت قلبه رد ایلمه تغیر احسان خدای الحذر  
إِذَا أَقْدَرْتُ عَلَى نَذْوِكَ فَاجْعَلِ الْغَفْوَةَ شُكْرًا لِقُدْرَةِ عَلَيْهِ

ترجمه

چون شوی برعدوی خود قادر عفو را شکر قدرت خود ساز  
رحم کن رحم کن هر چه کنی در جهان جز همان نیای باز

الترکی

اخذ ساره قادر اوله قدغه عدویه لطف ایدوب عفو قل کم عفو در عالمده شکر اقتدار  
رحم و شفقت ایتمدن هر حالده ایرله کم هر نه ایرلسک جهان ایجره بولورسک اشکار  
مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَاتِ لِسَانِهِ وَصَفَاتٍ وَجْهِهِ

ترجمه

هر که چیزی نهفت اندر دل تابدانی که چیت می جوش  
سکاه اندر میان کفش سکاه اندر کراه رویش

الترکی

بی کم و بی کاست بسکاک دایرسک ای فقی هر کمک قلبنده کی مخفی اولان اسرار بی  
صحنه و جهنده کی الوان کاهی ایت نظر قل تفکر که لساندن چیتان کنار بی

الْبَحِيلُ يَسْتَحِيلُ فِي الدُّنْيَا عَيْنَ الْفَقْرِ وَنَحْسَابِ فِي الْآخِرَةِ حَسَابُ الْأَخْبِيلِ

ترجمه

هست مرد بخیل ره داده فقر را سوی خویش بشتاب  
این جهان همچو فلسافش معاش وان جهان چون تو لکراش حساب

الترکی

فقری استعجال ایدوب مرد بخیل بی حیا دو جهانده راحت و اسایشن ایلر هبا  
دنیوده ایل خراش جانله عمری صکدر اخترده اغیا کی حساب ایلر ادا  
إِذَا كَانَ الْعَاقِلُ فِي قَلْبِهِ

ترجمه

مرد عاقل که سخن گفتن دل خود هادی زبان دارد  
تا سخن را بدل نیندیشد ان سخن را بگفت کی ارد

الترکی

مرد عاقل ایدینک قصد نکلم ای فقی قلبی هادی گفتار المیوب سویلر همان  
ایتمه فکیر و تأمل قاله المزیر سوزی کم تفکرله اولان سوزده خطا اولمز عیان  
إِذَا قَلْبُ الْكَافِرِ وَزَاوُ لِسَانِهِ

ترجمه

مرد احمق که سخن گفتن دل خود تابع زبان دارد  
هر چه باشد بگوید و آنکه دل زبان قول گفته بکار د

الترکی

مرد احمق قصد گفتار الیجعه لاجرم قلبی اخریه تابع الیوب سویلر همان  
خیر و شری فرق ایچون اصلا تأمل ایلر نیک و بد خلط کلام ایتمده در اول بد کلام



اللَّهُ أَفْخَرُ زِمَاتِ الْأَلْفَاظِ وَنَقَطَاتِ الْأَلْفَاظِ وَشَهَوَاتِ الْجَنَانِ وَهَمَوَاتِ الْإِنْسَانِ

ترجمه

این گاهان که یاد خواهم کرد یارب از ما بفضل در گذران  
زدن چشم و زشتی صفتار راندن شهوت و خطای لسان

الترکی

اشبه تعداد اولئان جسم و کماهاک یا اله عفویدر احسان و لشککن هان مسؤل اولئان  
هر نه کم کوش الیهک هر نه کم کوردک انی هر نه کم قصد الیهک هر شی که ذکر الیهی لسان

حضرت شاه ولایت مشاب (علی المرتضی) کرم الله وجهه و رضی الله تعالی عنه افندمز  
حضرت نرنک لسان درر بارلیندن صدور ایدن (صدکله) مشهوره لرخی و کلمات مذکوره اوزرنه  
مولانا عبد الرحمن جامی قدس سره السامی حضرت نرنک لسان فارسیه اوزره معلوم شیخ لرخی  
حاری و ترکی لسان اوزره کذلک معلوم ترجمه فی عنوی اشبو رساله نفیسه شهنشاه معدلت  
عنوان شوکلو مهابتو عظمتلو قدرلو السلطان ابن السلطان السلطان (عبد العزیز خان) ادام الله  
تعالی امام عمر دولته الی اخر الدوران افندمزک سایه معالی وایه لریده صدور کرام ذوی الاحترامیدن  
رئیس اعلیاء مساحتلو الشید مصطفی عزمت افندی حضرت نرنک اترخامه معین غالی بولسان  
مروغات جدیده ایله مهندس اوغلی قورلری مطبعه سنده طبع و قلیل قلمشدر فی سنه ۱۳۳۶

جدول صواب و خطا

صحیفه	خطا	صواب	خطا
۱	کم اولسون	کم السون	۱
۲	یقین اشچانکه می باید	یقین اشچانکه می باید	۲
۳	کیده ناکه	کیده ناکه	۳
۴	لکھی	لکھی	۴
۵	قدح	قد	۵
۶	کمکاره	کمکار	۶
۷	آینه	آینه	۷
۸	نبست	نبست	۸
۹	تبت	تبت	۹
۱۰	آوخش	آوخشی	۱۰
۱۱	کر ترایشه خویشن	کر تراشه خویشن	۱۱
۱۲	روکردن	روکردن	۱۲
۱۳	مضیق و حشت	مضیق و حشتمه	۱۳
۱۴	جهانده	جهانده	۱۴
۱۵	تا ازان ره رسی بهترشی	تا ازان ره رده رسی بهتری	۱۵
۱۶	مزداد سن	مزداد سن	۱۶
۱۷	بسته باشد	بسته باشد	۱۷
۱۸	دارینده	دار بنده	۱۸



٢١

٢١

٣







الحمد لله رب العالمين  
 في ملكوتهم  
 استغفر الله  
 عفو  
 ع  
 ع







و تفاوت نسبت تاریخ ماهین هر دو افت و اضح منتهی زمان محبت نبوی و بعد از آن تاریخ از آن فاضل  
 هر یک از کبار مورخین از آثار آن علم اقتباس نموده و نسبت بخود داده و همچنین درین تقویم آن را  
 را اکثر فقیر دستور العمل حکم الملوک ملک الکرام بر هر حادثه و واقعه و اول  
 که عدد سنین و نسبت ماهین از منتهی و قانع کرده شود آنست اندک در محل خود و بعد از آن عمل صادق صدق  
 آن بعد از جمع تواریخ مشهوره مفضل طاهر خواهد شد و غرض ناگاه که برکت ف اسرار اعراض اعیان آنکه  
 از اعظم کتفیفات کفایت اهمیت زمانست و هر یک از علما مقتضای فهم خود و تعریف خاصی نموده و انشوی  
 بسبب بگذرد آنست که میگوید حادث و متجدد احربت مهم و قابل توفیق و نکته جزئیست و حکم میگوید  
 که زمان با لذات ملک اعظم است یا حرکت آن ملک با مقدار حرکت و با برین منقسم میگردد و باعتبار  
 انقباض اعتبار آنکه لا بگوشت شش ذنبه از دخول شش برین محل آخر بخرج حوت و تمام میگردد و بر  
 دوره که در دست نمید تمام میشود و سنه نیز بر وجه شش و اعتبار دور در هر ماهی یکدور  
 و دوازده ماهت و هر ماه باعتبار دور ملک اعظم بعضی سی روز و بعضی بیست و نه روز و باعتبار حرکت  
 نصف بروج ملک در اعتدال هزار دوازده ساعت و ساعت باعتبار مواضع با کمره که در حساب  
 شفت دقیقه و منقسم میشود بنایه و با این نسبت تا عاشره و دوازده افلاک باعتبار درجات بروج منقسم  
 میگردد و با برین دور قمر مقتضای اختلاف ایام در دوازده ماه قریب از دور شمسی است  
 میشود و بجهت آنکه قمر دوازده ماه در اغلب اوقات در سید و پنج چهار روز است و دور شمسی سید  
 شفت و پنج روز و با برین تفاوت دورین باز دوسه و زو و جزوی از نسبت یکدور از روز دیگر  
 و باعتبار سنین قمر از تاریخ بچوت نبوی بموجب نقصان شهر قمریه از منتهی منقل میگردد و از فضل  
 بعضی و موسمی چه و صیام که در بهار که در تابستان و همچنین بعضی اوقات در پاییز و بعضی در زمستان  
 میشود و با برین بنده این معتمد مخفی نامه که نوع شمردنی الطیف و مضطرب با جتماع و ضبط اوقات و از منته  
 برایش لازمست بجهت عبادات و معاملات و چون از بهبوط آدم علیه السلام تا طوفان عود ایام و اوقات  
 و حساب اوقات و سنویم امور نقل بوده نزد ما مهمل و متروکت کرده و سنین و بعد از آن طوفان قوح

تاریخ

درک

تاریخ نبویه و زمان ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام و بعد از آن ولادت خلیل و نوح و تاریخ گذشته  
 و که کتب اربعه العین و صفت حضرت یوسف علیه السلام و صفت حضرت موسی الکلیم علیه السلام و که کتب  
 عرق ذرغون اللعین و ملک حضرت سلمان الایمن و ملک حضرت عیسی علیه السلام و بعد از آن تاریخ بچوت نبوت  
 کعب بن لوی و عام حاتم عام الفیل بوده و تاریخ فطیقه تعجب بخت الشرف و تاریخ اهل بن ظهور حبشه و تاریخ  
 و تاریخ زوم و یونان علیه سکندر و تاریخ افیج میلاد حضرت عیسی علیه السلام تاریخ فرس سلسله حبشیه از ملکوت  
 فرس تا نزد و زادت اهل عظیم که حبس فرس و حبس آن تاریخ بوده و نادر است بزرگ و بعد از آن تاریخ  
 بزرگ و دی متروک شده و بعد از آن تاریخ بچوت نبوت و تاریخ جلاله و چون بعضی از تواریخ متروک و مهجور  
 و بعضی مستعمل مشهور است با برین نقل تواریخ بطریق اجمال منباید که تاریخ **در کتاب تاریخ** تاریخ که از کما جان شریف  
 از زمانه جین و حقا و حق و قوم مغول و حقایق و این تاریخ باعتبار ابتدا عالم اقدم تواریخ است و از علم ایشان  
 از ابتدا عالم سجد و شفت و آنست و هر دینی ده هزار سال و هر دوازده سال و دانی است و هر سه  
 از دور و منسوب بچو اذ و حیوانات برین ترتیب است **موشن** که در **پلنگ** و **خوکش** **لنگ**  
**مار** **اسب** **کوسفند** **میرین** **مخ** **کک** **خوک** و نام ماههای ایشان **ارام** **ای**  
**اهو** **مندی** **ای** **اوچی** **ای** **نورنجی** **ای** **نادر** **جین** **که** **آنجی** **آی** **پشته** **و** **بر** **کچی** **ای** **خفت** **باطی** **ای** **و** **کسانین**  
**سجیان** **مل** **اودیل** **بایرسل** **نوشقان** **مل** **لوسل** **هلان** **مل** **بوت** **مل** **قوتل** **سجی** **مل**  
**نخا** **قوتل** **امین** **مل** **مکوزیل** و ابتدا امرهای ایشان **قوت** **ایمن** **ع** **شش** **قمر** **در** **اوسط** **دو** **وان** **روز**  
**عید** **ایشان** **و** **بعد** **از** **آن** **با** **بر** **اینها** **شهر** **تا** **اوسط** **حالت** **و** **به** **نیمه** **اول** **شهر** **باقیه** **و** **انتهای** **آن**  
**قریب** **دست** **ایشان** **نیمه** **یکه** **که** **اول** **سنه** **ایمن** **ع** **در** **نصف** **برج** **دو** **و** **آخر** **سنه** **نصف** **برج** **دو** **و** **یک** **رست**  
**و** **فاضل** **در** **هر** **سنه** **باز** **ده** **روز** **است** **و** **با** **بر** **در** **سال** **بعضی** **اوقات** **دو** **سال** **یکبار** **تفاوت** **میشود**  
**و** **آن** **ماه** **را** **ایشان** **آی** **میگویند** **و** **این** **تاریخ** **بچو** **این** **تفاوت** **متروک** **و** **مهجور** **است** **و** **سین** **باعتبار** **حیوانات**  
**که** **در** **ایران** **موسسات** **و** **اضح** **بنده** **در** **تاریخ** **نایب** **قمر** **بر** **اینها** **و** **آن** **در** **روم** **از** **آفرید** **و** **انسان** **و** **قطی** **و** **شیر**  
**سلطان** **ان** **زمان** **در** **سفر** **و** **بر** **سرا** **مل** **مهر** **و** **سکندر** **یه** **ابتدا** **تاریخ** **فرار** **داده** **و** **کسانی** **شهر** **آن** **نزد** **آن**  
**طائف** **نوت** **باب** **نادر** **گنگ** **طوب** **شمیر** **بر** **هات** **بر** **موده** **نیش** **بوی** **اجب** **مرا**

مستور

و



وچ روز دیگر در سید کبیر و کاهی شش روز که این ایام مستغرق میمانند زیاده میماند و تا پنج  
 مذکور منتهی است نزد اهل حجاز و مصر اما از تاریخ مسعودی منقولست که شهر قطیف و سرایند فلفله  
 الکسانی و مراد از فوت ابول و از باب تشرین الاول و از باب تشرین الثانی و از کنگ  
 کافون الاول و از طوبی کافون الثانی و از تشرین سباط و از برمهات اذر و از برمهات  
 و از تشرین ایار و از طوبی خویان و از اجب نموز و از سری آب و قطیف تشرین راعصین  
 و بنا برین تقدیر در ایام سید و شفت وچ روزت و اول سید قطیف است و نهم آبت  
 و شهر اثنی عشری و تمام بی تفاوت و در آفرینش روز ستره را زیاده میماند تا عدد که تمام  
 شود **روز تشرین سید** و از آنرا در تقویم میماند بواسطه آنکه وقتی که مردم را از سید از فلفله کسب نموده  
 از مقوله روز و شنبه بوده و آنروز را ابتدا تاریخ قرار داده و بعد از تشرین دوم عام روم نصای  
 شده سید و حضرت عیسی علیه السلام را ابتدا تاریخ تعیین نموده و قوم یونان تاریخ را روز فوت سید در  
 شهر و قرار داده نموده اند و میانه تاریخین یعنی سید و حضرت عیسی فوت سید را زیاده سال  
 شمسی سید و بیت خیز است و این کلام در کتب معتبره ثبت شده و اسما انحراف تاریخ تشرین  
 الاول تشرین الثانی کافون الاول و کافون الثانی سباط اذر بینان ایار خویان  
 نموز آب ابول و ابتدا تشرین الاول در هجدهم در بهمن است و این شهر چهار روز  
 اثنی عشری الاول و بینان و خویان و ابول سی و زشت و باقی شهر غیر از سباط  
 سی و یک روز است و سباط در سید سبط که آن رسالت شریعت است روزت و در  
 سید کبیر است و روز و این روز را کبیر محاسب میمانند بنا برین معنی ایام سید سید  
 شفت وچ روزت و در روم این شهر را به زبان خود جنبی میمانند فلفله اریس  
 فلور اریس ماریس ابریس مایس ابوالیس ابوجکس اغسوس ابریس اغسوس  
 ابودیکس ابوجکس و عدد ایام این شهر و سید و شهر موافق شهر باقانا اول

مقدور است

این شهر سید و حضرت عیسی علیه السلام بوده و این تاریخ در استیلا راجع و خاص جهت معرفت  
 فضول لازمست لهذا از نوشتن معمولست **که تاریخ فارسی** این تاریخ را برزجو دی شهر با  
 نیز میماند و ابتدا و وضع سابق آن از حشید بوده و هر پادشاهی عظیم است که تخت نشسته  
 بخبر آن بان میخواند و برزجو زمان دولت و بیکس اذر و سید دوم رابع الاول سید با و دهیم  
 از بهجت نبوی بوده و آنروز جهت تاریخ وضع نموده و بعد از انقراض این وقت نزد اهل فرس منحل  
 است و اسما مسنوده فروردین اردیبهشت خرداد خنر مرداد شهر یور مهر  
 آبان آذر دی بهمن اسفند و هر یک از این شهر سی روز میباشند بی تفاوت و در  
 آخر آبان با سید اربع روز ستره را زیاده میماند و کنگ تاریخ و شهر و دی نیز یعنی شهر  
 و بجز فرق آن تاریخ قدیم میماند و نه الواقع برزجو دی است و اما اول فروردین نوروز و شکر  
 است و موافق اول حل است و نزد اهل ایران شایع است در زیست و نیم شهر یور و هر جان میماند  
 و میانه روز هر جان و نوروز صد و هفتاد و چهار روز است و چون این شهر شهر فاعله از کسور و عدد نام  
 سید و شفت وچ روز میباشند و از اهل نجوم استنباط یافته و کنگ اهل تاریخ دستور اهل اثنی عشری  
 نیز گردیده **که تاریخ یهودی** مخفی نامه که اهل حجاز خصوص قریش در زمان جاهلیه در هر عالی که واقع عظیم  
 سید ادا با هر غریب رخ میخواند و شهرت بهم میرساند آن تاریخ بنیست و ابتدا و تاریخ اثنی عشری  
 در بعضی اوقات موت و بدین المعنی بوده و کنگ و بعضی موت شام بن المعنی و آن سال بوده  
 و بعد از آن سنی کبیر و کنگ واقع ابرمه و عام القیل هر یک تاریخ نشده و شهر حرم را یعنی ماه حجب  
 و ذی القعدة ایام و ذی القعدة حرم بجهت عظیم اثنی عشری ادرین شهر حرم میباشند و این معنی آن  
 زنی حضرت ابراهیم علیه السلام تنهوار نه بوده و بعد از سید شده چون سه ماه آن متوالی بود و خطا  
 افتاده است به فال بر اثنی عشری بود و سبب دیگر چون شهر فریه است و حصول مختلف الاحوال  
 میکرد و بهشت اختلاف در موسم چه میبود و بعضی اوقات که هواد و موسم معتدل بود و بهشت

بیم



تنت ترو دوک دمسند بکند این دو مجله دبا عتقاد ایشان در روز ده سال قمری هفت سده  
 که آن دوم و هفتم و دهم و سیزدهم و شانزدهم و بیستم باشد در هر سده این سینه  
 سید کجاء زیاد مسکروند تا آنکه سینه بشود هفتی که توالت در میان شهر حرم مذکور نباشد  
 و نوعیکه موسی در وقت اعتدال واقع شود تا در تجارت حرامی و آن شود از کثرت اجتماع  
 و بسبب اینکه انبغی محض غلبه بود از انسانی میمانند و بجای که برافا انسانی زیاده فی الکفر منکس میگردند  
 جاهله باطل مضحک گردیده و در قدیم نیز از بعضی قبایل عرب شهر عبید اسم دیگر داشته عرم را مومن  
 و صفیاء و ریح الاول جوان و ریح انان و لیسان و جهادی الاول جنین و جهادی الاخر  
 و رجب را صم و شنبان را عادل و رمضان را نانو و شوال را دعل و ولیده رانه و کج  
 را یوک مینامند و ایام سید نزد ایشان اعدرا اول و انین را مبون و ثلثا جهاد و اربعاء  
 و دبار و خمس را مونس و جمعه را عوبه و سبت را شبار نام داشته تا واضح باشد و بعد از  
 زمان جاهلیت از ابتداء زمان فرا لایا علیه الصلوة و السلام در بعضی اوقات ولادت حضرت  
 تاریخ بوده و در بعضی اوقات معیت حضرت شایسته و بعد از هجرت حضرت رسول  
 صلوات الله علیه بعد از شرف بخت و بخت هجرت در تاریخ نموده بکند از بعضی روایات امر  
 باستعمال معلوم میشد و این عسکر نقل نموده که حضرت امیر المومنین علی علیه السلام در واقعه فارسی  
 بخوان رسول صلی الله علیه و اله عدهی فرمودند که بنویسند تاریخ آنرا حاضر سینه هجرت  
 قید نموده و که کت مهربان شهاب الزهری و ابوطاهر نقل این حدیث مع ششی را نموده و بنا بر  
 انب و اصوب است که این تاریخ با حضرت رسول صلی الله علیه و اله بوده باشد اما چون در کتب  
 مشهوره قید نشده شهرت نیافته و قول مشهور است که واضح تاریخ هجری خلیفه نامه سبت  
 لیکن نقل اول است که وضع در زمان حیات حضرت بعثت بوده و استعمال آن در زمان خلیفه  
 نامه تاریخ شده بکند آنکه مراد است که خلیفه نامه حکمی در شهر شنبان فرموده بود و تاریخ سینه است

اسم ماهها در روزها  
 در ماهها و در وقت  
 غنچه

خلیفه فرمود و تاریخ قید نشده و روایتی که از امام بخاری و حاکم ثبت بودی و میمون هران و این  
 عسکر سنی نقل نموده اند که در زمان خلیفه نامه ابو موسی اشجری حکم نموده و خلیفه عرض نمود که بعضی احکام فراموش  
 میرسد و تاریخ قید شده و امر مهربانانه و شنباه در امور میشود و از علل متعارف میشود چون خلیفه نامه انبغی  
 عرض شده و استخفاف و در ریح الاول سینه سادس عشر هجرت بود و کتاب راجع نمود و مشورت نمود  
 جهت تعیین ابتدا تاریخ و در بعضی روایات مذکور است که در آن جماعت حکم اهلان که در قیام قیام سینه  
 مسلمان شده هر زمان نام در آن مجلس حاضر بود و گفت که در میان درس قیامی معیت است که آنرا ماه روز  
 میگویند و بجهت نظم امور و ضبط اموال استعمال مینمایند اگر حضرت بنظر عرض کنم و تعلیم غایم این سخن  
 را از شنیدن و نظر در تاریخ نموده تا آنکه بعضی ولادت حضرت را نام برده و بعضی غیبت  
 و بعضی وفات خلیفه نامه فرمود که وقت ولادت و غیبت خلیفه نامه وفات گذران باشد  
 فون و حالات استبان است که سینه هجرت حضرت رسول امیر مقرر شود چون زمان سینه شوکت  
 اسلام بود و سینه صیاحی بصدیق و خیرین نموده فرمودند که فم الکلام هذا و تاریخ از هجرت مقرر شد  
 و بعد از آن در همان مجلس در بعضی اول شهر اقبال نظر نمودند بعضی شهر حجب را اختیار نموده و بعضی شهر  
 شنبان و ثانی شهر رمضان المبارک خلیفه نامه فرمود که السب و الیق شهر حرم احوست بکند  
 آنکه حاج بیت الله حرم در آنماه از که مظهر بر آن فرآیند و متفق میشوند و شهر حرم کل در سینه داده  
 واقع میشوند و هجرت رسول صلی الله علیه و اله وقت خروج از که مظهر در ایام حرم بوده و از ابتدا  
 خروج از که مظهر تا سید بن عبد بنی مشرف در ظرف دو ماه و دشت روز بوده و تاریخ سبت دوم  
 تیر ریح الاول افضل مدینه مشرف گردید و بنا بر بی در آن مجلس ابتدا تاریخ اهل اسلام سینه هجرت  
 مقرر گردید و که ابتدا شهر اول فرمود و امر نمود که احکام دس سینه و عسبار مر حجت  
 موزن کرد و این زمان که بعد مصلحان سینه است و سنوات آن قریب و اسماء مشهوران مستثنی از  
 بیان و تخریر است **و تاریخ سینه** تاریخ مذکور را یک نیز میگویند بکند ابتدا این تاریخ در زمان خلیفه



از سلطان عبداللہ بن ملک بن ابی اسلمہ بود و سبب وضع آن چون در آن عصر از اوقات  
 اهل زمان غریب و عبد الرحمن خازن و امثال ایشان شد که در کتب رسم  
 نویسی و اثبات کتب روم نمایند چون الفی بود و جهت اصلی و توفیر جهت احوال بنا برین قانون سلطان  
 عرض ایضی نموده مستحسن اند و از فرموده بهستعالی و اجراء آن و تاریخ اولی روز ششم رمضان المبارک  
 سنه از بهمان دستون بعد از جهت اتفاق افتاد و در کتب رسم نویسی وضع نمودند و در کتب رسم  
 در اول برج حمل شد اول فروردین ماه و در نصف آن روز و در روز اول و از فروردین نور و سلطان  
 بهشت و هر چهار سال پنج سال یکبار و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب  
 رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت

در احوال این تقویم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب  
 رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت  
 و تاریخ سنه و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت

المعین و بهستعالی

۱۱۱۱

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب  
 رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت  
 و تاریخ سنه و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت و در کتب رسم نویسی بهشت



[illegible]

صبر دل فوق منور است کجایه استفهام نسبت باین تو را می کند کوره تا نارنج جدا مانند مابین نارنج به جوت نبوی  
تا نارنج روی عدد مطلق صبر و این هر که تا کی طایفه میگرد و دود است باین دو نارنج و از روی رتبه سلطه و تقدم  
طایفه میگرد و دوزیر تقدم زمانه بخیزد کند و سلطه اول در خانه نارنج به جوت و در سلطه آخر نارنج روی هر که می خازد است  
بهر سه در آن خانه هفتده و سی می خازند و پس از این هفتده تقدم روی بر جوی می هفتده و سی می خازند  
پس از این هفتده تقدم روی بر جوی می هفتده و سی می خازند و پس از این هفتده تقدم روی بر جوی می خازند و پس از این  
بافیه و مطلق سلطه اول و افیر بر تو و افیر میگرد و دود به از این شرع و در شرع و قاعده در الواح می خازند و پس از این











قدس سرمد از حضرت زاده علی از حضرت علی  
به وفات مبارک می هزار و نهصد  
و ده سال از هجرت و در روز  
الکعبه بن قندهار  
۱۱۴۸ هـ

[illegible]

دستورالعمل

[illegible]



جدول قایم کنی انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات  
استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

استبداد برکت انظر الى هذه السجلات

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت

فقر در دست داشتن توانی بپوشید و ظهور نامی صحت







وفاات فلیبا نوس و سلسله مسلمانان از ملوک صفاری و در رومیه و ابتداء تاریخ قبلی

و کتب و جرائد آن بنده را بخیر  
میرزا علی محمد

فخلفه و عام و هم و ابتدا ملک شاپور و ذوالکائنات و بنابر احوال در جانب مشرق دیده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سکافه بوم غنظین از این جهت استقامت غریب ندارد و از این غریب در ملک دوم

سید

حقوق و تجارب نقد و سید در زمان و آئینه مقبره

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

شیخ و بزرگان در مطبوعات مختلف شهرت یافته اند و اینها را می توان به عنوان نمونه های دیگر از آثار ایشان دانست.

۱۰. سافه و صواب کف و صلب سافه تا بنا به قدرت خط سافه

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خلائفهم في الأرض بعد الأنبياء والمرسلين

ملک اٹلی کی سرحد پر آیا، آپ کو قید کیا گیا۔

پیشہ: مدرسہ اسلامیہ

در این کتاب مستطیع از سوره و آیه که در این کتاب مذکور است

ظہورِ مذہب کے خلیفہ جبریل

و استغفار از خطی  
مانند و در سبک  
چهارم

عبد المصطفى بن عبد المطلب والحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

[illegible]

عقبه از پیرو آید که کشف فی الیقین با حاکم انوشیروان

برای

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت ابوالفضل علی بن ابی طالب

فان ملک غرض از کجاست و خفته قمارت از زمان بقدر طبع و کس

رسالة الى الامير المؤمنين  
ابن الحسين عليه السلام  
في يوم الاثنين من شهر ربيع الثاني سنة ١٠٠٠

تبدار ملک هرقل قیصر و اسد م عثمان بن عفان و طایفه از میر عبد الله

عالم انجمن و انجمن  
در استغفار کما السلام  
فردی علی السلام

تأولاً فيزيرى أن نفس صحابه كجيشه انت بعد عمره على العلم

[illegible]







عبدالکریم بن عبدالمطلب

[illegible]

چون کای مندر از میان غنچس تواریج از جهبوط حضرت آدم علیه السلام اجرت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم  
و اقبال و قایل مشهوره و که کتب این نسخه ای در قایل بطریق اجماع در لوح سنی شریف منو و در میان و قایل از  
اینجا اجرت تا زمان تألیف که آن عشرت شریف عبد الاله هرمانه از بی سنوات اخیر و در واقع  
شماره و شمار سنوات مقدر و هر کس در این شماره

## حداول المائدة الأولى

۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰







و قصبه شیراز و...

و قصبه شیراز و...

و قصبه شیراز و...

۴۵۱	۲۱	انقره و...
۴۵۲	۲۲	ایستاد...
۴۵۳	۲۳	نقل...
۴۵۴	۲۴	نقل...
۴۵۵	۲۵	نقل...
۴۵۶	۲۶	نقل...
۴۵۷	۲۷	نقل...
۴۵۸	۲۸	نقل...
۴۵۹	۲۹	نقل...

۴۶۰	۳۰	نام...
۴۶۱	۳۱	نقل...
۴۶۲	۳۲	نقل...
۴۶۳	۳۳	نقل...
۴۶۴	۳۴	نقل...
۴۶۵	۳۵	نقل...
۴۶۶	۳۶	نقل...
۴۶۷	۳۷	نقل...
۴۶۸	۳۸	نقل...
۴۶۹	۳۹	نقل...







۵۹۰	۱۰۱	و افروغ و بر آید فیض این عبد الملک و معبود غرق فی فضل معبود مستند او و عراق و نبات شرف
۵۹۱	۱۰۲	فتح غیب بسیار شرف عبد الملک و درون تبار غالب و عید و شرف و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۵۹۲	۱۰۳	بنا بر کوی شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۵۹۳	۱۰۴	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۵۹۴	۱۰۵	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۵۹۵	۱۰۶	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۵۹۶	۱۰۷	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۵۹۸	۱۰۸	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۵۹۹	۱۰۹	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار

۶۰۰	۱۰۱	و افروغ و بر آید فیض این عبد الملک و معبود غرق فی فضل معبود مستند او و عراق و نبات شرف
۶۰۱	۱۰۲	فتح غیب بسیار شرف عبد الملک و درون تبار غالب و عید و شرف و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۶۰۲	۱۰۳	بنا بر کوی شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۶۰۳	۱۰۴	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۶۰۴	۱۰۵	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۶۰۵	۱۰۶	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۶۰۶	۱۰۷	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۶۰۸	۱۰۸	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار
۶۰۹	۱۰۹	و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار و شرف و درون تبار















۱۵۱	بنای رصافه در جانب شرقی آب جوی و از قدم اندازی و ایستادن و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۶۸
۱۵۲	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۶۹
۱۵۳	استیلا و زلزله آب و جوی و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۷۰
۱۵۴	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۷۱
۱۵۵	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۷۲
۱۵۶	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۷۳
۱۵۷	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۷۴
۱۵۸	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۷۵
۱۵۹	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۷۶
۱۶۰	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۷۷

این کتاب در کتابخانه  
مجلس شورای ملی  
تهران موجود است

۱۶۱	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۷۸
۱۶۲	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۷۹
۱۶۳	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۸۰
۱۶۴	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۸۱
۱۶۵	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۸۲
۱۶۶	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۸۳
۱۶۷	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۸۴
۱۶۸	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۸۵
۱۶۹	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۸۶
۱۷۰	نقش و نگار و در آن محکمت و در ویداد و بنوعی شایع	۸۸۷

این کتاب در کتابخانه  
مجلس شورای ملی  
تهران موجود است



۸۷۷	۱۷۱	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۷۸	۱۷۲	موت در وقت جنگ و در وقت غارت و غلبه
۸۷۹	۱۷۳	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۸۰	۱۷۴	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۸۱	۱۷۵	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۸۲	۱۷۶	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۸۳	۱۷۷	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۸۴	۱۷۸	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۸۵	۱۷۹	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۸۶	۱۸۰	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر

فصل

موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر

۸۸۷	۱۸۱	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۸۸	۱۸۲	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۸۹	۱۸۳	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۹۰	۱۸۴	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۹۱	۱۸۵	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۹۲	۱۸۶	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۹۳	۱۸۷	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۹۴	۱۸۸	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۹۵	۱۸۹	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر
۸۹۶	۱۹۰	موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر

موت بزرگوار بنام از جهان مشهور و بود و داشت مهر



۶۰۰	۱۹۰	فصلی که در جنگ بر جان
۶۰۱	۱۹۱	فصلی که در جنگ بر جان
۶۰۲	۱۹۲	فصلی که در جنگ بر جان
۶۰۳	۱۹۳	فصلی که در جنگ بر جان
۶۰۴	۱۹۴	فصلی که در جنگ بر جان
۶۰۵	۱۹۵	فصلی که در جنگ بر جان
۶۰۶	۱۹۶	فصلی که در جنگ بر جان
۶۰۷	۱۹۷	فصلی که در جنگ بر جان
۶۰۸	۱۹۸	فصلی که در جنگ بر جان
۶۰۹	۱۹۹	فصلی که در جنگ بر جان
۶۱۰	۲۰۰	فصلی که در جنگ بر جان
۶۱۱	۲۰۱	فصلی که در جنگ بر جان
۶۱۲	۲۰۲	فصلی که در جنگ بر جان
۶۱۳	۲۰۳	فصلی که در جنگ بر جان
۶۱۴	۲۰۴	فصلی که در جنگ بر جان
۶۱۵	۲۰۵	فصلی که در جنگ بر جان

۶۱۶	۲۰۶	فصلی که در جنگ بر جان
۶۱۷	۲۰۷	فصلی که در جنگ بر جان
۶۱۸	۲۰۸	فصلی که در جنگ بر جان
۶۱۹	۲۰۹	فصلی که در جنگ بر جان
۶۲۰	۲۱۰	فصلی که در جنگ بر جان
۶۲۱	۲۱۱	فصلی که در جنگ بر جان
۶۲۲	۲۱۲	فصلی که در جنگ بر جان
۶۲۳	۲۱۳	فصلی که در جنگ بر جان
۶۲۴	۲۱۴	فصلی که در جنگ بر جان
۶۲۵	۲۱۵	فصلی که در جنگ بر جان
۶۲۶	۲۱۶	فصلی که در جنگ بر جان
۶۲۷	۲۱۷	فصلی که در جنگ بر جان
۶۲۸	۲۱۸	فصلی که در جنگ بر جان
۶۲۹	۲۱۹	فصلی که در جنگ بر جان
۶۳۰	۲۲۰	فصلی که در جنگ بر جان















[illegible][illegible]















۹۶۳	۲۵۱	فصل فی معرفة اشیاء من غیر بصریة الیه و از هر یک بصری و غیر بصری و تفکیک آن و صف و ادب و سجد و نیت و
۹۶۴	۲۵۱	در ذکر اشیاء من غیر بصریة الیه و از هر یک بصری و غیر بصری و تفکیک آن و صف و ادب و سجد و نیت و
۹۶۵	۲۵۱	در ذکر اشیاء من غیر بصریة الیه و از هر یک بصری و غیر بصری و تفکیک آن و صف و ادب و سجد و نیت و
۹۶۶	۲۵۱	در ذکر اشیاء من غیر بصریة الیه و از هر یک بصری و غیر بصری و تفکیک آن و صف و ادب و سجد و نیت و
۹۶۷	۲۵۱	در ذکر اشیاء من غیر بصریة الیه و از هر یک بصری و غیر بصری و تفکیک آن و صف و ادب و سجد و نیت و
۹۶۸	۲۵۱	در ذکر اشیاء من غیر بصریة الیه و از هر یک بصری و غیر بصری و تفکیک آن و صف و ادب و سجد و نیت و
۹۶۹	۲۵۱	در ذکر اشیاء من غیر بصریة الیه و از هر یک بصری و غیر بصری و تفکیک آن و صف و ادب و سجد و نیت و
۹۷۰	۲۵۱	در ذکر اشیاء من غیر بصریة الیه و از هر یک بصری و غیر بصری و تفکیک آن و صف و ادب و سجد و نیت و

اصطلاح

۹۷۱	۲۵۱	اصطلاح و عرف از لغات عربی و فارسی و کلمات و معانی و اصطلاحات و ادب و سجد و نیت و
۹۷۲	۲۵۱	اصطلاح و عرف از لغات عربی و فارسی و کلمات و معانی و اصطلاحات و ادب و سجد و نیت و
۹۷۳	۲۵۱	اصطلاح و عرف از لغات عربی و فارسی و کلمات و معانی و اصطلاحات و ادب و سجد و نیت و
۹۷۴	۲۵۱	اصطلاح و عرف از لغات عربی و فارسی و کلمات و معانی و اصطلاحات و ادب و سجد و نیت و
۹۷۵	۲۵۱	اصطلاح و عرف از لغات عربی و فارسی و کلمات و معانی و اصطلاحات و ادب و سجد و نیت و
۹۷۶	۲۵۱	اصطلاح و عرف از لغات عربی و فارسی و کلمات و معانی و اصطلاحات و ادب و سجد و نیت و
۹۷۷	۲۵۱	اصطلاح و عرف از لغات عربی و فارسی و کلمات و معانی و اصطلاحات و ادب و سجد و نیت و
۹۷۸	۲۵۱	اصطلاح و عرف از لغات عربی و فارسی و کلمات و معانی و اصطلاحات و ادب و سجد و نیت و
۹۷۹	۲۵۱	اصطلاح و عرف از لغات عربی و فارسی و کلمات و معانی و اصطلاحات و ادب و سجد و نیت و
۹۸۰	۲۵۱	اصطلاح و عرف از لغات عربی و فارسی و کلمات و معانی و اصطلاحات و ادب و سجد و نیت و







۱۰۰۰	۲۹۱۱	مستبان حج ازت بهر شوا
۱۰۰۱	۲۹۱۲	مستبان حج ازت بهر شوا
۱۰۰۲	۲۹۱۳	مستبان حج ازت بهر شوا
۱۰۰۳	۲۹۱۴	مستبان حج ازت بهر شوا
۱۰۰۴	۲۹۱۵	مستبان حج ازت بهر شوا
۱۰۰۵	۲۹۱۶	مستبان حج ازت بهر شوا
۱۰۰۶	۲۹۱۷	مستبان حج ازت بهر شوا
۱۰۰۷	۲۹۱۸	مستبان حج ازت بهر شوا
۱۰۰۸	۲۹۱۹	مستبان حج ازت بهر شوا
۱۰۰۹	۲۹۲۰	مستبان حج ازت بهر شوا

۱۰۰۰	۲۹۲۱	جدول ماهه خاصه از منات بعد از هجرت نبوی
۱۰۰۱	۲۹۲۲	جدول ماهه خاصه از منات بعد از هجرت نبوی
۱۰۰۲	۲۹۲۳	جدول ماهه خاصه از منات بعد از هجرت نبوی
۱۰۰۳	۲۹۲۴	جدول ماهه خاصه از منات بعد از هجرت نبوی
۱۰۰۴	۲۹۲۵	جدول ماهه خاصه از منات بعد از هجرت نبوی
۱۰۰۵	۲۹۲۶	جدول ماهه خاصه از منات بعد از هجرت نبوی
۱۰۰۶	۲۹۲۷	جدول ماهه خاصه از منات بعد از هجرت نبوی
۱۰۰۷	۲۹۲۸	جدول ماهه خاصه از منات بعد از هجرت نبوی
۱۰۰۸	۲۹۲۹	جدول ماهه خاصه از منات بعد از هجرت نبوی
۱۰۰۹	۲۹۳۰	جدول ماهه خاصه از منات بعد از هجرت نبوی







۱۰۳۹	۴۴۱	وقامت ابوالفتح حسن بن احمد غفران دست بر خوار نمودن
۱۰۴۰	۴۴۲	از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۴۱	۴۴۳	انجام نمودن از نو سنجاب در و به امان و سلامت و غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۴۲	۴۴۴	از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۴۳	۴۴۵	استیلا بر غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۴۴	۴۴۶	موت ابو سعید و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۴۵	۴۴۷	وفات کی بنیاد ایستادن و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۴۶	۴۴۸	استیلا بر غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۴۷	۴۴۹	کرمان غلبه در عراق و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۴۸	۴۵۰	تمام غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب

۱۰۴۹	۴۴۱	قتال فریقین بنیاد و سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۵۰	۴۴۲	کشتن غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۵۱	۴۴۳	قتال فریقین بنیاد و سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۵۲	۴۴۴	از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۵۳	۴۴۵	از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۵۴	۴۴۶	موت ابو سعید و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۵۵	۴۴۷	استیلا بر غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۵۶	۴۴۸	موت ابو سعید و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۵۷	۴۴۹	استیلا بر غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب
۱۰۵۸	۴۵۰	تمام غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب و از غلبه در سنجاب







استبدادش بر نفس و جسم و نام و اعتبار دولت آن بچون در آن دنیا برود و از امام علی علیه السلام هر چه بگوید  
الاعظم فیها

نقد و تحریف است  
و در این صفت بسیار  
سکون است و چون که  
در آنجا که می باشد  
مست از هر چیزی است

بگویند و گویند  
از دین بدست نهند  
و در دستش در جیب  
در نزد او در آید  
از حق که از دست  
عزت برسد بهر سعادتمند

[illegible]

سید زین العابدین علیه السلام در جواب فرمود که ای پسر من! این را بخوان و از یاد تو دور نگذار

موردی که در این کتاب مذکور است

وفاات شیخ الاسلام عبد الله الصاوی در شنبه هرات و یکم جمادی الثانی ۱۱۹۰ هجری قمری و در سن ۸۰ سالگی

[illegible]

استاد و ادراج از کتب  
و کتابخانه ایست که در این  
مکتب به دست آمده است  
از جمله کتب که در این  
مکتب به دست آمده است

انهم انفسهم سردار و سرکس از ملک فرستادند که او را استبداد بر کبریا بر نموده و در خطبه خواندن

[illegible][illegible]



























استبداد و سرکشی از ربه بر کرمان و مکران و حج ملک معظم عیسی بنای بزرگ مشهور عقیق و طرفی

استغفار از کرب  
و خوار است در غرض و نیت  
و استغفار از کرب  
و خوار است در غرض و نیت  
و استغفار از کرب  
و خوار است در غرض و نیت

نظام دوم از آنکه دس لشکر جیای از سدان نشاء و مردان ابو النعمان زیاده کند

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
سورة الفاتحة

سندبرگ برجل آید بایمان بعد از اقل عام مرفوع دکان او در فروشان و در کج و نامرغی و

سید ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام را که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است

پیشانی

در این کتاب از بعضی کتب دیگر نقل شده است که در این کتاب  
در این کتاب از بعضی کتب دیگر نقل شده است که در این کتاب

[illegible]

هو کبریا و سلطانه  
و اسرار و امان  
که در هر دو عالم

و انما هم  
مستودعون  
مستودعون

[illegible][illegible]

استبداد بکفایت در آید و انرا نام سواد تلقی استبداد علی الله بهر چه از دست برافشاند و در آن رسد و در آن رسد و در آن رسد

مستوفى انوار صفوان  
صلى الله عليه وسلم  
مستوفى انوار صفوان  
صلى الله عليه وسلم  
مستوفى انوار صفوان  
صلى الله عليه وسلم

مصلحتی که از این جهت در سراسر انوار صید او انوار مبدل الذی از صید

مجلس - من مجلس

رسیدگی از دسترس  
دست بر سر دشت و خور  
دست بر سر دشت و خور  
دست بر سر دشت و خور

استیضاح حال و سبب مرگ و طبع و سبب عادت در سبب بدو هم اگر کتب از سبب شرف و کتب و در جواب و با

[illegible]

و من قلم عالم کمالی و در مقام انوار و نورانی  
عبدالمستغنی محمد بن علی

خطی است

[illegible]

مورد و اول  
در مورد و اول  
در مورد و اول

۱۳۱۹ ۱۳۲۴  
 ۱۳۲۵ ۱۳۳۰  
 ۱۳۳۱ ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷ ۱۳۴۲  
 ۱۳۴۳ ۱۳۴۸  
 ۱۳۴۹ ۱۳۵۴  
 ۱۳۵۵ ۱۳۶۰  
 ۱۳۶۱ ۱۳۶۶  
 ۱۳۶۷ ۱۳۷۲  
 ۱۳۷۳ ۱۳۷۸  
 ۱۳۷۹ ۱۳۸۴  
 ۱۳۸۵ ۱۳۹۰  
 ۱۳۹۱ ۱۳۹۶  
 ۱۳۹۷ ۱۴۰۲  
 ۱۴۰۳ ۱۴۰۸  
 ۱۴۰۹ ۱۴۱۴  
 ۱۴۱۵ ۱۴۲۰  
 ۱۴۲۱ ۱۴۲۶  
 ۱۴۲۷ ۱۴۳۲  
 ۱۴۳۳ ۱۴۳۸  
 ۱۴۳۹ ۱۴۴۴  
 ۱۴۴۵ ۱۴۵۰  
 ۱۴۵۱ ۱۴۵۶  
 ۱۴۵۷ ۱۴۶۲  
 ۱۴۶۳ ۱۴۶۸  
 ۱۴۶۹ ۱۴۷۴  
 ۱۴۷۵ ۱۴۸۰  
 ۱۴۸۱ ۱۴۸۶  
 ۱۴۸۷ ۱۴۹۲  
 ۱۴۹۳ ۱۴۹۸  
 ۱۴۹۹ ۱۵۰۴  
 ۱۵۰۵ ۱۵۱۰  
 ۱۵۱۱ ۱۵۱۶  
 ۱۵۱۷ ۱۵۲۲  
 ۱۵۲۳ ۱۵۲۸  
 ۱۵۲۹ ۱۵۳۴  
 ۱۵۳۵ ۱۵۴۰  
 ۱۵۴۱ ۱۵۴۶  
 ۱۵۴۷ ۱۵۵۲  
 ۱۵۵۳ ۱۵۵۸  
 ۱۵۵۹ ۱۵۶۴  
 ۱۵۶۵ ۱۵۷۰  
 ۱۵۷۱ ۱۵۷۶  
 ۱۵۷۷ ۱۵۸۲  
 ۱۵۸۳ ۱۵۸۸  
 ۱۵۸۹ ۱۵۹۴  
 ۱۵۹۵ ۱۶۰۰  
 ۱۶۰۱ ۱۶۰۶  
 ۱۶۰۷ ۱۶۱۲  
 ۱۶۱۳ ۱۶۱۸  
 ۱۶۱۹ ۱۶۲۴  
 ۱۶۲۵ ۱۶۳۰  
 ۱۶۳۱ ۱۶۳۶  
 ۱۶۳۷ ۱۶۴۲  
 ۱۶۴۳ ۱۶۴۸  
 ۱۶۴۹ ۱۶۵۴  
 ۱۶۵۵ ۱۶۶۰  
 ۱۶۶۱ ۱۶۶۶  
 ۱۶۶۷ ۱۶۷۲  
 ۱۶۷۳ ۱۶۷۸  
 ۱۶۷۹ ۱۶۸۴  
 ۱۶۸۵ ۱۶۹۰  
 ۱۶۹۱ ۱۶۹۶  
 ۱۶۹۷ ۱۷۰۲  
 ۱۷۰۳ ۱۷۰۸  
 ۱۷۰۹ ۱۷۱۴  
 ۱۷۱۵ ۱۷۲۰  
 ۱۷۲۱ ۱۷۲۶  
 ۱۷۲۷ ۱۷۳۲  
 ۱۷۳۳ ۱۷۳۸  
 ۱۷۳۹ ۱۷۴۴  
 ۱۷۴۵ ۱۷۵۰  
 ۱۷۵۱ ۱۷۵۶  
 ۱۷۵۷ ۱۷۶۲  
 ۱۷۶۳ ۱۷۶۸  
 ۱۷۶۹ ۱۷۷۴  
 ۱۷۷۵ ۱۷۸۰  
 ۱۷۸۱ ۱۷۸۶  
 ۱۷۸۷ ۱۷۹۲  
 ۱۷۹۳ ۱۷۹۸  
 ۱۷۹۹ ۱۸۰۴  
 ۱۸۰۵ ۱۸۱۰  
 ۱۸۱۱ ۱۸۱۶  
 ۱۸۱۷ ۱۸۲۲  
 ۱۸۲۳ ۱۸۲۸  
 ۱۸۲۹ ۱۸۳۴  
 ۱۸۳۵ ۱۸۴۰  
 ۱۸۴۱ ۱۸۴۶  
 ۱۸۴۷ ۱۸۵۲  
 ۱۸۵۳ ۱۸۵۸  
 ۱۸۵۹ ۱۸۶۴  
 ۱۸۶۵ ۱۸۷۰  
 ۱۸۷۱ ۱۸۷۶  
 ۱۸۷۷ ۱۸۸۲  
 ۱۸۸۳ ۱۸۸۸  
 ۱۸۸۹ ۱۸۹۴  
 ۱۸۹۵ ۱۹۰۰  
 ۱۹۰۱ ۱۹۰۶  
 ۱۹۰۷ ۱۹۱۲  
 ۱۹۱۳ ۱۹۱۸  
 ۱۹۱۹ ۱۹۲۴  
 ۱۹۲۵ ۱۹۳۰  
 ۱۹۳۱ ۱۹۳۶  
 ۱۹۳۷ ۱۹۴۲  
 ۱۹۴۳ ۱۹۴۸  
 ۱۹۴۹ ۱۹۵۴  
 ۱۹۵۵ ۱۹۶۰  
 ۱۹۶۱ ۱۹۶۶  
 ۱۹۶۷ ۱۹۷۲  
 ۱۹۷۳ ۱۹۷۸  
 ۱۹۷۹ ۱۹۸۴  
 ۱۹۸۵ ۱۹۹۰  
 ۱۹۹۱ ۱۹۹۶  
 ۱۹۹۷ ۲۰۰۲  
 ۲۰۰۳ ۲۰۰۸  
 ۲۰۰۹ ۲۰۱۴  
 ۲۰۱۵ ۲۰۲۰  
 ۲۰۲۱ ۲۰۲۶  
 ۲۰۲۷ ۲۰۳۲  
 ۲۰۳۳ ۲۰۳۸  
 ۲۰۳۹ ۲۰۴۴  
 ۲۰۴۵ ۲۰۵۰  
 ۲۰۵۱ ۲۰۵۶  
 ۲۰۵۷ ۲۰۶۲  
 ۲۰۶۳ ۲۰۶۸  
 ۲۰۶۹ ۲۰۷۴  
 ۲۰۷۵ ۲۰۸۰  
 ۲۰۸۱ ۲۰۸۶  
 ۲۰۸۷ ۲۰۹۲  
 ۲۰۹۳ ۲۰۹۸  
 ۲۰۹۹ ۲۱۰۴  
 ۲۱۰۵ ۲۱۱۰  
 ۲۱۱۱ ۲۱۱۶  
 ۲۱۱۷ ۲۱۲۲  
 ۲۱۲۳ ۲۱۲۸  
 ۲۱۲۹ ۲۱۳۴  
 ۲۱۳۵ ۲۱۴۰  
 ۲۱۴۱ ۲۱۴۶  
 ۲۱۴۷ ۲۱۵۲  
 ۲۱۵۳ ۲۱۵۸  
 ۲۱۵۹ ۲۱۶۴  
 ۲۱۶۵ ۲۱۷۰  
 ۲۱۷۱ ۲۱۷۶  
 ۲۱۷۷ ۲۱۸۲  
 ۲۱۸۳ ۲۱۸۸  
 ۲۱۸۹ ۲۱۹۴  
 ۲۱۹۵ ۲۲۰۰  
 ۲۲۰۱ ۲۲۰۶  
 ۲۲۰۷ ۲۲۱۲  
 ۲۲۱۳ ۲۲۱۸  
 ۲۲۱۹ ۲۲۲۴  
 ۲۲۲۵ ۲۲۳۰  
 ۲۲۳۱ ۲۲۳۶  
 ۲۲۳۷ ۲۲۴۲  
 ۲۲۴۳ ۲۲۴۸  
 ۲۲۴۹ ۲۲۵۴  
 ۲۲۵۵ ۲۲۶۰  
 ۲۲۶۱ ۲۲۶۶  
 ۲۲۶۷ ۲۲۷۲  
 ۲۲۷۳ ۲۲۷۸  
 ۲۲۷۹ ۲۲۸۴  
 ۲۲۸۵ ۲۲۹۰  
 ۲۲۹۱ ۲۲۹۶  
 ۲۲۹۷ ۲۳۰۲  
 ۲۳۰۳ ۲۳۰۸  
 ۲۳۰۹ ۲۳۱۴  
 ۲۳۱۵ ۲۳۲۰  
 ۲۳۲۱ ۲۳۲۶  
 ۲۳۲۷ ۲۳۳۲  
 ۲۳۳۳ ۲۳۳۸  
 ۲۳۳۹ ۲۳۴۴  
 ۲۳۴۵ ۲۳۵۰  
 ۲۳۵۱ ۲۳۵۶  
 ۲۳۵۷ ۲۳۶۲  
 ۲۳۶۳ ۲۳۶۸  
 ۲۳۶۹ ۲۳۷۴  
 ۲۳۷۵ ۲۳۸۰  
 ۲۳۸۱ ۲۳۸۶  
 ۲۳۸۷ ۲۳۹۲  
 ۲۳۹۳ ۲۳۹۸  
 ۲۳۹۹ ۲۴۰۴  
 ۲۴۰۵ ۲۴۱۰  
 ۲۴۱۱ ۲۴۱۶  
 ۲۴۱۷ ۲۴۲۲  
 ۲۴۲۳ ۲۴۲۸  
 ۲۴۲۹ ۲۴۳۴







۱۲۵۳  
 ۱۲۵۴  
 ۱۲۵۵  
 ۱۲۵۶  
 ۱۲۵۷  
 ۱۲۵۸  
 ۱۲۵۹  
 ۱۲۶۰  
 ۱۲۶۱  
 ۱۲۶۲  
 ۱۲۶۳  
 ۱۲۶۴  
 ۱۲۶۵  
 ۱۲۶۶  
 ۱۲۶۷  
 ۱۲۶۸  
 ۱۲۶۹  
 ۱۲۷۰  
 ۱۲۷۱  
 ۱۲۷۲  
 ۱۲۷۳  
 ۱۲۷۴  
 ۱۲۷۵  
 ۱۲۷۶  
 ۱۲۷۷  
 ۱۲۷۸  
 ۱۲۷۹  
 ۱۲۸۰  
 ۱۲۸۱  
 ۱۲۸۲  
 ۱۲۸۳  
 ۱۲۸۴  
 ۱۲۸۵  
 ۱۲۸۶  
 ۱۲۸۷  
 ۱۲۸۸  
 ۱۲۸۹  
 ۱۲۹۰  
 ۱۲۹۱  
 ۱۲۹۲  
 ۱۲۹۳  
 ۱۲۹۴  
 ۱۲۹۵  
 ۱۲۹۶  
 ۱۲۹۷  
 ۱۲۹۸  
 ۱۲۹۹  
 ۱۳۰۰  
 ۱۳۰۱  
 ۱۳۰۲  
 ۱۳۰۳  
 ۱۳۰۴  
 ۱۳۰۵  
 ۱۳۰۶  
 ۱۳۰۷  
 ۱۳۰۸  
 ۱۳۰۹  
 ۱۳۱۰  
 ۱۳۱۱  
 ۱۳۱۲  
 ۱۳۱۳  
 ۱۳۱۴  
 ۱۳۱۵  
 ۱۳۱۶  
 ۱۳۱۷  
 ۱۳۱۸  
 ۱۳۱۹  
 ۱۳۲۰  
 ۱۳۲۱  
 ۱۳۲۲  
 ۱۳۲۳  
 ۱۳۲۴  
 ۱۳۲۵  
 ۱۳۲۶  
 ۱۳۲۷  
 ۱۳۲۸  
 ۱۳۲۹  
 ۱۳۳۰  
 ۱۳۳۱  
 ۱۳۳۲  
 ۱۳۳۳  
 ۱۳۳۴  
 ۱۳۳۵  
 ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷  
 ۱۳۳۸  
 ۱۳۳۹  
 ۱۳۴۰  
 ۱۳۴۱  
 ۱۳۴۲  
 ۱۳۴۳  
 ۱۳۴۴  
 ۱۳۴۵  
 ۱۳۴۶  
 ۱۳۴۷  
 ۱۳۴۸  
 ۱۳۴۹  
 ۱۳۵۰  
 ۱۳۵۱  
 ۱۳۵۲  
 ۱۳۵۳  
 ۱۳۵۴  
 ۱۳۵۵  
 ۱۳۵۶  
 ۱۳۵۷  
 ۱۳۵۸  
 ۱۳۵۹  
 ۱۳۶۰  
 ۱۳۶۱  
 ۱۳۶۲  
 ۱۳۶۳  
 ۱۳۶۴  
 ۱۳۶۵  
 ۱۳۶۶  
 ۱۳۶۷  
 ۱۳۶۸  
 ۱۳۶۹  
 ۱۳۷۰  
 ۱۳۷۱  
 ۱۳۷۲  
 ۱۳۷۳  
 ۱۳۷۴  
 ۱۳۷۵  
 ۱۳۷۶  
 ۱۳۷۷  
 ۱۳۷۸  
 ۱۳۷۹  
 ۱۳۸۰  
 ۱۳۸۱  
 ۱۳۸۲  
 ۱۳۸۳  
 ۱۳۸۴  
 ۱۳۸۵  
 ۱۳۸۶  
 ۱۳۸۷  
 ۱۳۸۸  
 ۱۳۸۹  
 ۱۳۹۰  
 ۱۳۹۱  
 ۱۳۹۲  
 ۱۳۹۳  
 ۱۳۹۴  
 ۱۳۹۵  
 ۱۳۹۶  
 ۱۳۹۷  
 ۱۳۹۸  
 ۱۳۹۹  
 ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۱  
 ۱۴۰۲  
 ۱۴۰۳  
 ۱۴۰۴  
 ۱۴۰۵  
 ۱۴۰۶  
 ۱۴۰۷  
 ۱۴۰۸  
 ۱۴۰۹  
 ۱۴۱۰  
 ۱۴۱۱  
 ۱۴۱۲  
 ۱۴۱۳  
 ۱۴۱۴  
 ۱۴۱۵  
 ۱۴۱۶  
 ۱۴۱۷  
 ۱۴۱۸  
 ۱۴۱۹  
 ۱۴۲۰  
 ۱۴۲۱  
 ۱۴۲۲  
 ۱۴۲۳  
 ۱۴۲۴  
 ۱۴۲۵  
 ۱۴۲۶  
 ۱۴۲۷  
 ۱۴۲۸  
 ۱۴۲۹  
 ۱۴۳۰  
 ۱۴۳۱  
 ۱۴۳۲  
 ۱۴۳۳  
 ۱۴۳۴  
 ۱۴۳۵  
 ۱۴۳۶  
 ۱۴۳۷  
 ۱۴۳۸  
 ۱۴۳۹  
 ۱۴۴۰  
 ۱۴۴۱  
 ۱۴۴۲  
 ۱۴۴۳  
 ۱۴۴۴  
 ۱۴۴۵  
 ۱۴۴۶  
 ۱۴۴۷  
 ۱۴۴۸  
 ۱۴۴۹  
 ۱۴۵۰  
 ۱۴۵۱  
 ۱۴۵۲  
 ۱۴۵۳  
 ۱۴۵۴  
 ۱۴۵۵  
 ۱۴۵۶  
 ۱۴۵۷  
 ۱۴۵۸  
 ۱۴۵۹  
 ۱۴۶۰  
 ۱۴۶۱  
 ۱۴۶۲  
 ۱۴۶۳  
 ۱۴۶۴  
 ۱۴۶۵  
 ۱۴۶۶  
 ۱۴۶۷  
 ۱۴۶۸  
 ۱۴۶۹  
 ۱۴۷۰  
 ۱۴۷۱  
 ۱۴۷۲  
 ۱۴۷۳  
 ۱۴۷۴  
 ۱۴۷۵  
 ۱۴۷۶  
 ۱۴۷۷  
 ۱۴۷۸  
 ۱۴۷۹  
 ۱۴۸۰  
 ۱۴۸۱  
 ۱۴۸۲  
 ۱۴۸۳  
 ۱۴۸۴  
 ۱۴۸۵  
 ۱۴۸۶  
 ۱۴۸۷  
 ۱۴۸۸  
 ۱۴۸۹  
 ۱۴۹۰  
 ۱۴۹۱  
 ۱۴۹۲  
 ۱۴۹۳  
 ۱۴۹۴  
 ۱۴۹۵  
 ۱۴۹۶  
 ۱۴۹۷  
 ۱۴۹۸  
 ۱۴۹۹  
 ۱۵۰۰  
 ۱۵۰۱  
 ۱۵۰۲  
 ۱۵۰۳  
 ۱۵۰۴  
 ۱۵۰۵  
 ۱۵۰۶  
 ۱۵۰۷  
 ۱۵۰۸  
 ۱۵۰۹  
 ۱۵۱۰  
 ۱۵۱۱  
 ۱۵۱۲  
 ۱۵۱۳  
 ۱۵۱۴  
 ۱۵۱۵  
 ۱۵۱۶  
 ۱۵۱۷  
 ۱۵۱۸  
 ۱۵۱۹  
 ۱۵۲۰  
 ۱۵۲۱  
 ۱۵۲۲  
 ۱۵۲۳  
 ۱۵۲۴  
 ۱۵۲۵  
 ۱۵۲۶  
 ۱۵۲۷  
 ۱۵۲۸  
 ۱۵۲۹  
 ۱۵۳۰  
 ۱۵۳۱  
 ۱۵۳۲  
 ۱۵۳۳  
 ۱۵۳۴  
 ۱۵۳۵  
 ۱۵۳۶  
 ۱۵۳۷  
 ۱۵۳۸  
 ۱۵۳۹  
 ۱۵۴۰  
 ۱۵۴۱  
 ۱۵۴۲  
 ۱۵۴۳  
 ۱۵۴۴  
 ۱۵۴۵  
 ۱۵۴۶  
 ۱۵۴۷  
 ۱۵۴۸  
 ۱۵۴۹  
 ۱۵۵۰  
 ۱۵۵۱  
 ۱۵۵۲  
 ۱۵۵۳  
 ۱۵۵۴  
 ۱۵۵۵  
 ۱۵۵۶  
 ۱۵۵۷  
 ۱۵۵۸  
 ۱۵۵۹  
 ۱۵۶۰  
 ۱۵۶۱  
 ۱۵۶۲  
 ۱۵۶۳  
 ۱۵۶۴  
 ۱۵۶۵  
 ۱۵۶۶  
 ۱۵۶۷

۲  
خبر فیروز خاں و دوست  
شب پران خان

[illegible]















179

و حضور نرسد جو در کتب فنیج ازین بخت دست سلطان اورشان و طغیان اتباع غرضی قتل ابرار و باغی  
کثیر از طایف

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الطهور و دست آل مطهر در آن رسد موت ابراهیم امام هجده الله عز وجل است از حضرت امام الله الثور مروی

عقلمندانه  
انجمن اهل حق  
حفاظت و تبلیغ

[illegible]

جامع درویش و مولانا  
سید محمد قاسم سلطان  
مفتی اعظم پاکستان  
اربابان دارالعلوم

تجدید آیین صلح و طمأنینه دولت برادران و سرسبز و دولت افغانی در عراق و سیستان و...

پایادانات امیر محمود شاه  
نیز چو بان و سلطان شیرین  
نخج شمس اردن احمدیه  
بران تاجیه رفیعیه

ازاد علیکم وارضی عنہ وادع الیہ فی خطبہ وبقیۃ من خطبہ کلمۃ الہامیہ

در سوختن این موقوفه  
افراد و ارباب بدو  
و در آن علم و ادب

TPO

موت امیر الکلام خواجہ کریم الدین از شہر اوٹکنا و ملک غفر و سلطنت اولاد او منصور و در شرف الضیاع و ناظر القاد

تقرضی دولت  
الرب در حد و اندازه  
حسب بزرگ علی خاوار  
چشم بویاد در سبب  
در ایران البوی خاوار  
از کتاب

موت سید برهان الدین عبد الله عز و فرخ الدین عثمان صاحب کفر و ستمت صلاح اسمعیل بعد از رفع ظاهره

موصوفت و مزینت  
موصوفت و مزینت  
موصوفت و مزینت

فصل در جبهه الدین مسعود در برابر دروازہ مستقیم از در موت امام فقیر البیوم ابو جحان محمد بن محمد بن طوفانی ط  
شماره قیاسی

[illegible]

سلفه شطرنج و مایه و مین کمال خندان و بنابر مین کور برست مینال الدین کسندر از ملوک کجک

سلطنت مصر  
از من قاجار و دوران  
الکلیه جعفری و قاجاری  
در مصر

[illegible][illegible]

المجلد ١٠





توت سنس الدینبرہ فیہم جوزیہ

170.



174

一



11

17.2

73



20

5

三

2

سلف علی الدین  
تو در سلف تو  
فان تو را تو  
نموده که تو

بنام رفیع و ذابا و در قرب دایم

اندرم انجمن حج و عمره  
از ویسول علی مبارک الدین  
و خضراء و اشرفه  
و انوار علی مبارک الدین  
و انوار علی مبارک الدین  
و انوار علی مبارک الدین

رسالة في بيان  
الحسين عليه السلام

فقدار این پیشینج در شیراز و غایت از کسب نوا و هر دو اصل است که در استیلا می سازد و غیر منظور است و معلوم است که  
بقادرشانی را که در این کارها به کار می رود و در این کارها به کار می رود

در این کتاب است  
و در آن کتاب است  
و در آن کتاب است

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة وعلما  
والله اعلم بالصواب

مجموعه دست نوشته‌ها  
دست نوشته امیر دین محمد  
دفعه بیست و نهم از مجموعه دست نوشته‌ها  
کتابخانه و موزه اسناد ملی  
تهران

124

[illegible]

170

4

1

100

7

7

7

一、二、三

—  
—  
—

一

176

737

[illegible]

فقد اورد بعد دو رسا و بعد طوقه بست اور نو فوس شيراز جان سلطه مراد و سلطه شريف اكر فوس  
المنكره كذا

نفع کما یطعمه و اوردان  
درست غار اور اس و سلطنت  
ازین شخصان بعد از غلط  
و مردن کما الدین و غیره  
و صلاح الدین و غیره

فتح قلعه و زخمه بر دست چپ و ابتدا اردو است بزرگ و در آن یک کوه و الحاق امیر محمود را بر سر حصه اوله  
علاء الله

تعمد بنجامین  
کتابت در سال ۱۲۰۵  
عبدالله بن محمد بن علی  
سلام علیهما  
و در این مقام  
شیراز

نفع جزو دایمی و کجیچه برست بخور تا شش بابت و بنارس اسرار و نه حیدر بادش و دوا گفت امیر خسرو بادش  
صالح بنده ارشد  
مستطاب

تاریخ و سلسله قاضی خانان  
در سلسله قاضی خانان  
در سلسله قاضی خانان

سخن خوش گویا و بیگانه خوار و وزیر دولت سلطان عزادار و لغیان خرم و صفتی عارف و مستند است

مقامت  
از این جهت که در این کتاب  
در این باب آمده است

خطه از امیر حسین از  
غفور از خان افغان و برادر  
ششوی از پادشاه افغان  
خجسته







۱۳۸۸	۷۹۱	بکس بودیم باین برادران نهاده است و در جواب کوس آلوده نه برست کف مدینه خود بنویسند و در کتب
۱۳۸۹	۷۹۲	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۳۹۰	۷۹۳	انوار الکرمان از جدم خان در بکس ایام استبداد آن بر کوهی که در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۳۹۱	۷۹۴	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۳۹۲	۷۹۵	از آنکه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۳۹۳	۷۹۶	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۳۹۴	۷۹۷	انوار الکرمان از جدم خان در بکس ایام استبداد آن بر کوهی که در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۳۹۵	۷۹۸	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۳۹۶	۷۹۹	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۳۹۷	۸۰۰	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است

۱۳۹۸	۸۰۱	انوار الکرمان از جدم خان در بکس ایام استبداد آن بر کوهی که در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۳۹۹	۸۰۲	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۴۰۰	۸۰۳	انوار الکرمان از جدم خان در بکس ایام استبداد آن بر کوهی که در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۴۰۱	۸۰۴	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۴۰۲	۸۰۵	انوار الکرمان از جدم خان در بکس ایام استبداد آن بر کوهی که در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۴۰۳	۸۰۶	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۴۰۴	۸۰۷	انوار الکرمان از جدم خان در بکس ایام استبداد آن بر کوهی که در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۴۰۵	۸۰۸	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۴۰۶	۸۰۹	انوار الکرمان از جدم خان در بکس ایام استبداد آن بر کوهی که در آن کوهی است و در آن کوهی است
۱۴۰۷	۸۱۰	نقشه پاره ای از قلع خاکی که در آن کوهی است و در آن کوهی است و در آن کوهی است

جدایل و قلع مانه فاسله و مسکات بعد از جوت حضرت پیر محمد

این کتاب در کتابخانه  
کتابخانه ملی ایران







فتح الله اكر چيكه و نبار خراب كنه و مردن منسل الدين قار شيعه كاري

مجلس علمیه عالی  
سلطان آباد مولوی محمد  
نور الدین صاحب مدظلہ العالی

ولادت سلطان محمد خان و وفات امام متسل الدین محمد فرزند شاه بهرام فرزند ابراهیم

مکتوبہ کل وفتہ عظیم  
کتابخانه کتب خطی و کتب نفیس  
کتابخانه کتب خطی و کتب نفیس

استبداد سلطان پاشا بر عباد دار خود و غارت و غلبه بر اهل حلقه ابو الوفا رخا از مر...

طبع از دودا  
کارکنان به یک دودا و دودا  
در یک دودا و دودا  
سقف - دودا و دودا

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

استوار و است بکینگیه در خواندم و گریختن قزاقیک از بسکه ریزه فروید من رو به ارض دوم در کشیدن  
قزاقیک شمانی مانند

نورالهدى كسندى كسندى كسندى  
نورالهدى كسندى كسندى كسندى  
نورالهدى كسندى كسندى كسندى  
نورالهدى كسندى كسندى كسندى

انواع و اقسام طایفه از طبرستان و کشیدگی طایفه او در کوهسور و بر عباد و آفرینش و سببی غارت و گزندگی که کند  
الحمد لله رب العالمین

طالع جامع  
وادی در اندوه و غم و اندوه  
پیش از از و غم و اندوه و اندوه  
در میان و غم و اندوه و اندوه  
و اندوه و اندوه و اندوه  
بابت

انجام معاهده از اشرف اسمعیل ملک مغرب و محمد الفریب زنبیدی توجیه سلطان اردکانی است

تمام جامع الصغیر و صغیر  
اور نہ کر تین و صغیر  
لاکھت ابن ازوب اندلی  
استبداد استبداد  
حیات

انوار شریف برکت از شریف از خوب حق و قوس سحر یک شرف در یک مردی معتقد از یک شریف

توضیح از آنکه این کتاب در دسترس  
است و از آنجا که این کتاب در دسترس  
است و از آنجا که این کتاب در دسترس

مجلس سید محمد باقر علیه السلام در روز شنبه کفایت در معرفت حق تعالی و صفات او

مجلس طه و زکریا  
نصف از غفران در این مجلس است  
و در آن روز که در آن مجلس است  
و در آن روز که در آن مجلس است

و انچه فرموده میان امیر و پادشاه در عین و انعام و جایش

مجلس علمیه  
از انجمن و مدرسه  
در تمام مدارس  
در تمام مدارس  
در تمام مدارس







انقرض دولت ایران بجهت نزاع سلطان محمد شاه با روسان از دست یار احمد و قویله شمر خان پسر کرم بجای افتاد  
مجلسی را در آذربایجان اسقف ایزدوان  
چهار نفر از علمای

اندرم اودم  
استاد و استاد  
استاد و استاد  
استاد و استاد

کوهشکل که در قش غریب شهر علی اودون حسن با امیر علی مجتهد و سلطان معمر و انزام شکر اودون حسن امیر قلعه

الحق المودع في بيت الله وملكه ورازده ورضي الله عنه من جملة من آمن بالله ورسوله

و در آن چست کرد  
 که در آنجا داد از او هم آفرید  
 هم از او بیک یک  
 از او بیک یک

نوحه سلطان فتح محمد نیر فرزندان و برکنان بعد از عرب عظیم اعانت ملک ابوبکر در برکستان

مستوفای بی نبه کند به دیگرش حق بعد از استیلا و او را بت و سلطنت پاشا بر چهار دسته بر کند به او را  
کمان

[illegible]

سید قطب الدین  
سلطان عبدالعزیز  
خان دوسرمان

درآمد این بیاد و در  
و توفیق و دارست  
باجای عینیه و در  
استغفار و توفیق

در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام  
تألیف ابی جعفر محمد بن علی بن حماد  
مطبع مطبعه دارالکتاب



استاد مفتی حاجی محمد علی عثمانی در مطهر اربع و عقیقه سید محمد علی در کربلا

۱۳۸۵	۹۹۱	وایضا در...
۱۳۸۶	۹۹۲	وایضا در...
۱۳۸۷	۹۹۳	وایضا در...
۱۳۸۸	۹۹۴	وایضا در...
۱۳۸۹	۹۹۵	وایضا در...
۱۳۹۰	۹۹۶	وایضا در...
۱۳۹۱	۹۹۷	وایضا در...
۱۳۹۲	۹۹۸	وایضا در...
۱۳۹۳	۹۹۹	وایضا در...
۱۳۹۴	۱۰۰۰	وایضا در...
۱۳۹۵	۱۰۰۱	وایضا در...
۱۳۹۶	۱۰۰۲	وایضا در...
۱۳۹۷	۱۰۰۳	وایضا در...
۱۳۹۸	۱۰۰۴	وایضا در...
۱۳۹۹	۱۰۰۵	وایضا در...
۱۴۰۰	۱۰۰۶	وایضا در...
۱۴۰۱	۱۰۰۷	وایضا در...
۱۴۰۲	۱۰۰۸	وایضا در...
۱۴۰۳	۱۰۰۹	وایضا در...
۱۴۰۴	۱۰۱۰	وایضا در...

محمد علی عثمانی

۱۶۱  
محمد علی عثمانی در مطهر اربع و عقیقه سید محمد علی در کربلا

۱۳۸۵	۹۰۱	وایضا در...
۱۳۸۶	۹۰۲	وایضا در...
۱۳۸۷	۹۰۳	وایضا در...
۱۳۸۸	۹۰۴	وایضا در...
۱۳۸۹	۹۰۵	وایضا در...
۱۳۹۰	۹۰۶	وایضا در...
۱۳۹۱	۹۰۷	وایضا در...
۱۳۹۲	۹۰۸	وایضا در...
۱۳۹۳	۹۰۹	وایضا در...
۱۳۹۴	۹۱۰	وایضا در...
۱۳۹۵	۹۱۱	وایضا در...
۱۳۹۶	۹۱۲	وایضا در...
۱۳۹۷	۹۱۳	وایضا در...
۱۳۹۸	۹۱۴	وایضا در...
۱۳۹۹	۹۱۵	وایضا در...
۱۴۰۰	۹۱۶	وایضا در...
۱۴۰۱	۹۱۷	وایضا در...
۱۴۰۲	۹۱۸	وایضا در...
۱۴۰۳	۹۱۹	وایضا در...
۱۴۰۴	۹۲۰	وایضا در...

محمد علی عثمانی



۱۵۰۵  
۱۵۰۶  
۱۵۰۷  
۱۵۰۸  
۱۵۰۹  
۱۵۱۰  
۱۵۱۱  
۱۵۱۲  
۱۵۱۳  
۱۵۱۴

۹۱۱  
۹۱۲  
۹۱۳  
۹۱۴  
۹۱۵  
۹۱۶  
۹۱۷  
۹۱۸  
۹۱۹  
۹۲۰

مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...

و در این روز...

۱۵۱۵  
۱۵۱۶  
۱۵۱۷  
۱۵۱۸  
۱۵۱۹  
۱۵۲۰  
۱۵۲۱  
۱۵۲۲  
۱۵۲۳  
۱۵۲۴

۹۲۱  
۹۲۲  
۹۲۳  
۹۲۴  
۹۲۵  
۹۲۶  
۹۲۷  
۹۲۸  
۹۲۹  
۹۳۰

مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...  
مجلس با بر سر میرزا بایگ...

تاریخ فرشته...  
طایفه...  
تاریخ جوهر...



[illegible][illegible]















۱۰۰۰  
 ۱۰۰۱  
 ۱۰۰۲  
 ۱۰۰۳  
 ۱۰۰۴  
 ۱۰۰۵  
 ۱۰۰۶  
 ۱۰۰۷  
 ۱۰۰۸  
 ۱۰۰۹  
 ۱۰۱۰  
 ۱۰۱۱  
 ۱۰۱۲  
 ۱۰۱۳  
 ۱۰۱۴  
 ۱۰۱۵  
 ۱۰۱۶  
 ۱۰۱۷  
 ۱۰۱۸  
 ۱۰۱۹  
 ۱۰۲۰

۱۰۱۳  
 ۱۰۱۲  
 ۱۰۱۱  
 ۱۰۱۰  
 ۱۰۰۹  
 ۱۰۰۸  
 ۱۰۰۷  
 ۱۰۰۶  
 ۱۰۰۵  
 ۱۰۰۴  
 ۱۰۰۳  
 ۱۰۰۲  
 ۱۰۰۱  
 ۱۰۰۰  
 ۹۹۹  
 ۹۹۸  
 ۹۹۷  
 ۹۹۶  
 ۹۹۵  
 ۹۹۴  
 ۹۹۳  
 ۹۹۲  
 ۹۹۱  
 ۹۹۰



146

۱۰۳۱  
 ۱۰۳۲  
 ۱۰۳۳  
 ۱۰۳۴  
 ۱۰۳۵  
 ۱۰۳۶  
 ۱۰۳۷  
 ۱۰۳۸  
 ۱۰۳۹  
 ۱۰۴۰  
 ۱۰۴۱  
 ۱۰۴۲  
 ۱۰۴۳  
 ۱۰۴۴  
 ۱۰۴۵  
 ۱۰۴۶  
 ۱۰۴۷  
 ۱۰۴۸  
 ۱۰۴۹  
 ۱۰۵۰  
 ۱۰۵۱  
 ۱۰۵۲  
 ۱۰۵۳  
 ۱۰۵۴  
 ۱۰۵۵  
 ۱۰۵۶  
 ۱۰۵۷  
 ۱۰۵۸  
 ۱۰۵۹  
 ۱۰۶۰  
 ۱۰۶۱  
 ۱۰۶۲  
 ۱۰۶۳  
 ۱۰۶۴  
 ۱۰۶۵  
 ۱۰۶۶  
 ۱۰۶۷  
 ۱۰۶۸  
 ۱۰۶۹  
 ۱۰۷۰  
 ۱۰۷۱  
 ۱۰۷۲  
 ۱۰۷۳  
 ۱۰۷۴  
 ۱۰۷۵  
 ۱۰۷۶  
 ۱۰۷۷  
 ۱۰۷۸  
 ۱۰۷۹  
 ۱۰۸۰  
 ۱۰۸۱  
 ۱۰۸۲  
 ۱۰۸۳  
 ۱۰۸۴  
 ۱۰۸۵  
 ۱۰۸۶  
 ۱۰۸۷  
 ۱۰۸۸  
 ۱۰۸۹  
 ۱۰۹۰  
 ۱۰۹۱  
 ۱۰۹۲  
 ۱۰۹۳  
 ۱۰۹۴  
 ۱۰۹۵  
 ۱۰۹۶  
 ۱۰۹۷  
 ۱۰۹۸  
 ۱۰۹۹  
 ۱۱۰۰  
 ۱۱۰۱  
 ۱۱۰۲  
 ۱۱۰۳  
 ۱۱۰۴  
 ۱۱۰۵  
 ۱۱۰۶  
 ۱۱۰۷  
 ۱۱۰۸  
 ۱۱۰۹  
 ۱۱۱۰  
 ۱۱۱۱  
 ۱۱۱۲  
 ۱۱۱۳  
 ۱۱۱۴  
 ۱۱۱۵  
 ۱۱۱۶  
 ۱۱۱۷  
 ۱۱۱۸  
 ۱۱۱۹  
 ۱۱۲۰  
 ۱۱۲۱  
 ۱۱۲۲  
 ۱۱۲۳  
 ۱۱۲۴  
 ۱۱۲۵  
 ۱۱۲۶  
 ۱۱۲۷  
 ۱۱۲۸  
 ۱۱۲۹  
 ۱۱۳۰  
 ۱۱۳۱  
 ۱۱۳۲  
 ۱۱۳۳  
 ۱۱۳۴  
 ۱۱۳۵  
 ۱۱۳۶  
 ۱۱۳۷  
 ۱۱۳۸  
 ۱۱۳۹  
 ۱۱۴۰  
 ۱۱۴۱  
 ۱۱۴۲  
 ۱۱۴۳  
 ۱۱۴۴  
 ۱۱۴۵  
 ۱۱۴۶  
 ۱۱۴۷  
 ۱۱۴۸  
 ۱۱۴۹  
 ۱۱۵۰  
 ۱۱۵۱  
 ۱۱۵۲  
 ۱۱۵۳  
 ۱۱۵۴  
 ۱۱۵۵  
 ۱۱۵۶  
 ۱۱۵۷  
 ۱۱۵۸  
 ۱۱۵۹  
 ۱۱۶۰  
 ۱۱۶۱  
 ۱۱۶۲  
 ۱۱۶۳  
 ۱۱۶۴  
 ۱۱۶۵  
 ۱۱۶۶  
 ۱۱۶۷  
 ۱۱۶۸  
 ۱۱۶۹  
 ۱۱۷۰  
 ۱۱۷۱  
 ۱۱۷۲  
 ۱۱۷۳  
 ۱۱۷۴  
 ۱۱۷۵  
 ۱۱۷۶  
 ۱۱۷۷  
 ۱۱۷۸  
 ۱۱۷۹  
 ۱۱۸۰  
 ۱۱۸۱  
 ۱۱۸۲  
 ۱۱۸۳  
 ۱۱۸۴  
 ۱۱۸۵  
 ۱۱۸۶  
 ۱۱۸۷  
 ۱۱۸۸  
 ۱۱۸۹  
 ۱۱۹۰  
 ۱۱۹۱  
 ۱۱۹۲  
 ۱۱۹۳  
 ۱۱۹۴  
 ۱۱۹۵  
 ۱۱۹۶  
 ۱۱۹۷  
 ۱۱۹۸  
 ۱۱۹۹  
 ۱۲۰۰  
 ۱۲۰۱  
 ۱۲۰۲  
 ۱۲۰۳  
 ۱۲۰۴  
 ۱۲۰۵  
 ۱۲۰۶  
 ۱۲۰۷  
 ۱۲۰۸  
 ۱۲۰۹  
 ۱۲۱۰  
 ۱۲۱۱  
 ۱۲۱۲  
 ۱۲۱۳  
 ۱۲۱۴  
 ۱۲۱۵  
 ۱۲۱۶  
 ۱۲۱۷  
 ۱۲۱۸  
 ۱۲۱۹  
 ۱۲۲۰  
 ۱۲۲۱  
 ۱۲۲۲  
 ۱۲۲۳  
 ۱۲۲۴  
 ۱۲۲۵  
 ۱۲۲۶  
 ۱۲۲۷  
 ۱۲۲۸  
 ۱۲۲۹  
 ۱۲۳۰  
 ۱۲۳۱  
 ۱۲۳۲  
 ۱۲۳۳  
 ۱۲۳۴  
 ۱۲۳۵  
 ۱۲۳۶  
 ۱۲۳۷  
 ۱۲۳۸  
 ۱۲۳۹  
 ۱۲۴۰  
 ۱۲۴۱  
 ۱۲۴۲  
 ۱۲۴۳  
 ۱۲۴۴  
 ۱۲۴۵  
 ۱۲۴۶  
 ۱۲۴۷  
 ۱۲۴۸  
 ۱۲۴۹  
 ۱۲۵۰  
 ۱۲۵۱  
 ۱۲۵۲  
 ۱۲۵۳  
 ۱۲۵۴  
 ۱۲۵۵  
 ۱۲۵۶  
 ۱۲۵۷  
 ۱۲۵۸  
 ۱۲۵۹  
 ۱۲۶۰  
 ۱۲۶۱  
 ۱۲۶۲  
 ۱۲۶۳  
 ۱۲۶۴  
 ۱۲۶۵  
 ۱۲۶۶  
 ۱۲۶۷  
 ۱۲۶۸  
 ۱۲۶۹  
 ۱۲۷۰  
 ۱۲۷۱  
 ۱۲۷۲  
 ۱۲۷۳  
 ۱۲۷۴  
 ۱۲۷۵  
 ۱۲۷۶  
 ۱۲۷۷  
 ۱۲۷۸  
 ۱۲۷۹  
 ۱۲۸۰  
 ۱۲۸۱  
 ۱۲۸۲  
 ۱۲۸۳  
 ۱۲۸۴  
 ۱۲۸۵  
 ۱۲۸۶  
 ۱۲۸۷  
 ۱۲۸۸  
 ۱۲۸۹  
 ۱۲۹۰  
 ۱۲۹۱  
 ۱۲۹۲  
 ۱۲۹۳  
 ۱۲۹۴  
 ۱۲۹۵  
 ۱۲۹۶  
 ۱۲۹۷  
 ۱۲۹۸  
 ۱۲۹۹  
 ۱۳۰۰  
 ۱۳۰۱  
 ۱۳۰۲  
 ۱۳۰۳  
 ۱۳۰۴  
 ۱۳۰۵  
 ۱۳۰۶  
 ۱۳۰۷  
 ۱۳۰۸  
 ۱۳۰۹  
 ۱۳۱۰  
 ۱۳۱۱  
 ۱۳۱۲  
 ۱۳۱۳  
 ۱۳۱۴  
 ۱۳۱۵  
 ۱۳۱۶  
 ۱۳۱۷  
 ۱۳۱۸  
 ۱۳۱۹  
 ۱۳۲۰  
 ۱۳۲۱  
 ۱۳۲۲  
 ۱۳۲۳  
 ۱۳۲۴  
 ۱۳۲۵  
 ۱۳۲۶  
 ۱۳۲۷  
 ۱۳۲۸  
 ۱۳۲۹  
 ۱۳۳۰  
 ۱۳۳۱  
 ۱۳۳۲  
 ۱۳۳۳  
 ۱۳۳۴  
 ۱۳۳۵  
 ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷  
 ۱۳۳۸  
 ۱۳۳۹  
 ۱۳۴۰  
 ۱۳۴۱  
 ۱۳۴۲  
 ۱۳۴۳  
 ۱۳۴۴  
 ۱۳۴۵

تاریخ حبسوں کی طرف

ivp

[illegible]



۱۰۰  
مکتبہ اودھ پریس  
کولکٹا اور پوری

—  
—  
—  
—

[illegible]



[illegible][illegible]







جدول ملوک امم سابقه قبل از بعثت حضرت رسول علیه السلام و ظهور اسلام

اسماء و ادب	عدد ملوک	دار الملک	تاریخ ظهور	تاریخ انقراض	مدت ملک
ملوک یمن	۶۱	فارسی و یمن	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک حبشه	۶۲	عراق	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک مصر	۶۳	مصر و افریقا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک روم	۶۴	مصر و افریقا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک هند	۶۵	هند و افریقا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک چین	۶۶	چین	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک ایران	۶۷	ایران	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک قزاق	۶۸	قزاق	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک مغول	۶۹	مغول	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک روس	۷۰	روسیه	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک آلمان	۷۱	آلمان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک فرانسه	۷۲	فرانسه	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک انگلیس	۷۳	انگلیس	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک اسپانیا	۷۴	اسپانیا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک پرتغال	۷۵	پرتغال	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک ایتالیا	۷۶	ایتالیا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک سوئیس	۷۷	سوئیس	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک دانمارک	۷۸	دانمارک	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک نروژ	۷۹	نروژ	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک سوئد	۸۰	سوئد	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک فنلاند	۸۱	فنلاند	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک لهستان	۸۲	لهستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک مجارستان	۸۳	مجارستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک یونان	۸۴	یونان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک روم باستان	۸۵	روم باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک ایران باستان	۸۶	ایران باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک هند باستان	۸۷	هند باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک چین باستان	۸۸	چین باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک یمن باستان	۸۹	یمن باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک حبشه باستان	۹۰	حبشه باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک مصر باستان	۹۱	مصر باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک روم باستان	۹۲	روم باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک ایران باستان	۹۳	ایران باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک هند باستان	۹۴	هند باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک چین باستان	۹۵	چین باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک یمن باستان	۹۶	یمن باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک حبشه باستان	۹۷	حبشه باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک مصر باستان	۹۸	مصر باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک روم باستان	۹۹	روم باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک ایران باستان	۱۰۰	ایران باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰

تجدید ملوک قبل از ظهور اسلام

اسماء و ادب	عدد ملوک	دار الملک	تاریخ ظهور	تاریخ انقراض	مدت ملک
ملوک یمن	۶۱	فارسی و یمن	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک حبشه	۶۲	عراق	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک مصر	۶۳	مصر و افریقا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک روم	۶۴	مصر و افریقا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک هند	۶۵	هند و افریقا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک چین	۶۶	چین	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک ایران	۶۷	ایران	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک قزاق	۶۸	قزاق	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک مغول	۶۹	مغول	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک روس	۷۰	روسیه	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک آلمان	۷۱	آلمان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک فرانسه	۷۲	فرانسه	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک انگلیس	۷۳	انگلیس	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک اسپانیا	۷۴	اسپانیا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک پرتغال	۷۵	پرتغال	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک ایتالیا	۷۶	ایتالیا	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک سوئیس	۷۷	سوئیس	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک دانمارک	۷۸	دانمارک	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک نروژ	۷۹	نروژ	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک سوئد	۸۰	سوئد	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک فنلاند	۸۱	فنلاند	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک لهستان	۸۲	لهستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک مجارستان	۸۳	مجارستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک یونان	۸۴	یونان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک روم باستان	۸۵	روم باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک ایران باستان	۸۶	ایران باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک هند باستان	۸۷	هند باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک چین باستان	۸۸	چین باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک یمن باستان	۸۹	یمن باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک حبشه باستان	۹۰	حبشه باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک مصر باستان	۹۱	مصر باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک روم باستان	۹۲	روم باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک ایران باستان	۹۳	ایران باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک هند باستان	۹۴	هند باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک چین باستان	۹۵	چین باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک یمن باستان	۹۶	یمن باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک حبشه باستان	۹۷	حبشه باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک مصر باستان	۹۸	مصر باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک روم باستان	۹۹	روم باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰
ملوک ایران باستان	۱۰۰	ایران باستان	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰



جدول مؤلفات مختلفه سا بقية

اسماء و...	عدد ملوک	دار الملک	تاریخ ظهور	تاریخ انقراض	مذکر ملک
...	...	دشمن و نام	...	...	...
...	...	طبرستان	...	...	...
...	...	بغداد	...	...	...
...	...	خرقید و اندلس	...	...	...
...	...	سجستان	...	...	...
...	...	فارس از مغرب	...	...	...
...	...	خراسان از مغرب	...	...	...
...	...	ایران و خراسان	...	...	...
...	...	کوفه و عراق	...	...	...
...	...	ربیع و یمن	...	...	...
...	...	خراسان	...	...	...
...	...	خراسان	...	...	...
...	...	جرجان	...	...	...

بقیہ بدول ملوک اسلام

[illegible]



بقیه جدول ملوک ساسانی

اسماء و اول	عدد ملوک	دارالملکت	تاریخ ظهور	تاریخ انقراض	مدت حکم
النجاشی	۱	زبید و بنی	۳۳۲	۵۲۸	۹۶
بنی اردشیر	۱	صب	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
بنی ساسانی	۱	بنی	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
الاسبقی	۱	فارس	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
ملوک طلائف	۱	افلس	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
ملوک ششاد	۱	فارس	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
سکونی	۱	افلس	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
دانشمند	۱	سیواس	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
السلوی	۱	مطرب	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
السلوی	۱	فونی و بنی	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
بنی اردشیر	۱	دیار بکر	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
بنی اسفندی	۱	صیقل	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
ملوک ساسانی	۱	فارس	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
خوار و میان	۱	خوار و میان	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
بنی طغیانی	۱	شیراز	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
موندی	۱	بنی طغیانی	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
فرات و میان	۱	سرخس	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
بنی بکران	۱	آذربایجان	۳۳۶	۵۲۸	۹۲

البرق  
۱۱  
۵۸۳  
۵۸۳  
۵۸۳

بقیه جدول ملوک ساسانی

اسماء و اول	عدد ملوک	دارالملکت	تاریخ ظهور	تاریخ انقراض	مدت حکم
سکونی	۱	هرس کرمان	۳۳۲	۵۲۸	۹۶
انجاشی و بنی	۱	ارستان	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
غوریان	۱	خرن و فارس	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
بنی صفی	۱	نوشی از بنیه	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
آلی احمدی	۱	بنی	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
بنی سلیمی	۱	اردشیر دوم	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
اکرامی و بنی	۱	مس	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
شعبه بنی ابوب	۱	شام	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
شعبه بنی ابوب	۱	حصن	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
شعبه بنی ابوب	۱	مس	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
شعبه بنی ابوب	۱	بنی	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
شعبه بنی ابوب	۱	صب	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
شعبه بنی ابوب	۱	حصن	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
بنی ثور	۱	هرات	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
الغوریان	۱	لارک	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
ملوک هند	۱	هند	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
بنی داسم	۱	دین و هند	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
بنی قناده	۱	کرم	۳۳۶	۵۲۸	۹۲
الحنکی	۱	فرات و میان	۳۳۶	۵۲۸	۹۲



جدول بقدر موقوف اسلام

اسماء و دول	مردم و ملک	دار الملک	نایب ظهور	نایب انوار	مردم و ملک
آل براتی	۱۰۰	کرمان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آل بیک	۱۰۰	ارسران	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	باور و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	فغان و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	قوم و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بی رسول	۱۰۰	بی رسول	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بی فری	۱۰۰	منوب	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
ملک و شریف	۱۰۰	نزد ظهور	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
اراک	۱۰۰	مهر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	مهر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بی فری	۱۰۰	بکر و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آل زمان	۱۰۰	لارنه	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
ملک و الیچ	۱۰۰	نایب و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بی لار	۱۰۰	فرمان و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بی چوچان	۱۰۰	آذربایجان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
الیچ	۱۰۰	فارس و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بیچ و الیچ	۱۰۰	شیراز	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بیچ و الیچ	۱۰۰	سبزوار	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بیچ و الیچ	۱۰۰	عراق و آذربایجان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جلاد و الیچ	۱۰۰	مازندران	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول بقدر موقوف اسلام

اسماء و دول	مردم و ملک	دار الملک	نایب ظهور	نایب انوار	مردم و ملک
آل بیک	۱۰۰	سمرقند و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	فتن	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	کرات	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	نزدان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	ویار و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
زده الیچ	۱۰۰	رخش	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بی رمضان	۱۰۰	آدم	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	مهر و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آل بیرونی	۱۰۰	آذربایجان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	سمرقند	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آل و الیچ	۱۰۰	بیک	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بی و الیچ	۱۰۰	فارس	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
ملک و الیچ	۱۰۰	کبدان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بی و الیچ	۱۰۰	ایران	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعبه الیچ	۱۰۰	فارس	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بی و الیچ	۱۰۰	بیک	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
الیچ	۱۰۰	مطهر و الیچ	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰







جبرائیل معرفت سے اللہ میں ثناء و ولادت و عہد و حبس و استغفار و بدت ملک

معدن	القبائل اسما	سال لاوت	سال جوس	سال انفال	مدت جنگ
۷۰	سلطان عثمان غازي بن طغرل خان	۶۹۹	۶۹۹	۶۹۹	۳۷
۸۱	سلطان اورخان بن عثمان خان	۷۲۷	۷۲۷	۷۲۷	۳۵
۹۰	سلطان مراد خان بن اوغلي مشهور بغازی خوانکار	۷۳۷	۷۳۷	۷۳۷	۳۵
۱۰۰	سلطان بایزید بن خان بن مراد خان	۷۹۱	۷۹۱	۷۹۱	۱۳
۱۱۰	سلطان محمد خان بن بایزید خان	۸۹۱	۸۹۱	۸۹۱	۱
۱۲۰	سلطان مراد خان بن محمد خان	۹۲۴	۹۲۴	۹۲۴	۴
۱۳۰	سلطان محمد خان بن مراد خان قاج	۹۴۹	۹۴۹	۹۴۹	۵
۱۴۰	سلطان مراد خان بن محمد خان قاج	۹۵۹	۹۵۹	۹۵۹	۶
۱۵۰	سلطان محمد خان بن مراد خان قاج	۹۸۵	۹۸۵	۹۸۵	۳۲
۱۶۰	سلطان بایزید خان بن محمد خان	۹۸۵	۹۸۵	۹۸۵	۴
۱۷۰	سلطان سید خان بن بایزید خان	۹۸۵	۹۸۵	۹۸۵	۴
۱۸۰	سلطان سید خان بن سید خان	۹۸۵	۹۸۵	۹۸۵	۴

110  
 111  
 112  
 113  
 114  
 115  
 116  
 117  
 118  
 119  
 120  
 121  
 122  
 123  
 124  
 125  
 126  
 127  
 128  
 129  
 130  
 131  
 132  
 133  
 134  
 135  
 136  
 137  
 138  
 139  
 140  
 141  
 142  
 143  
 144  
 145  
 146  
 147  
 148  
 149  
 150  
 151  
 152  
 153  
 154  
 155  
 156  
 157  
 158  
 159  
 160  
 161  
 162  
 163  
 164  
 165  
 166  
 167  
 168  
 169  
 170  
 171  
 172  
 173  
 174  
 175  
 176  
 177  
 178  
 179  
 180  
 181  
 182  
 183  
 184  
 185  
 186  
 187  
 188  
 189  
 190  
 191  
 192  
 193  
 194  
 195  
 196  
 197  
 198  
 199  
 200  
 201  
 202  
 203  
 204  
 205  
 206  
 207  
 208  
 209  
 210  
 211  
 212  
 213  
 214  
 215  
 216  
 217  
 218  
 219  
 220  
 221  
 222  
 223  
 224  
 225  
 226  
 227  
 228  
 229  
 230  
 231  
 232  
 233  
 234  
 235  
 236  
 237  
 238  
 239  
 240  
 241  
 242  
 243  
 244  
 245  
 246  
 247  
 248  
 249  
 250  
 251  
 252  
 253  
 254  
 255  
 256  
 257  
 258  
 259  
 260  
 261  
 262  
 263  
 264  
 265  
 266  
 267  
 268  
 269  
 270  
 271  
 272  
 273  
 274  
 275  
 276  
 277  
 278  
 279  
 280  
 281  
 282  
 283  
 284  
 285  
 286  
 287  
 288  
 289  
 290  
 291  
 292  
 293  
 294  
 295  
 296  
 297  
 298  
 299  
 300  
 301  
 302  
 303  
 304  
 305  
 306  
 307  
 308  
 309  
 310  
 311  
 312  
 313  
 314  
 315  
 316  
 317  
 318  
 319  
 320  
 321  
 322  
 323  
 324  
 325  
 326  
 327  
 328  
 329  
 330  
 331  
 332  
 333  
 334  
 335  
 336  
 337  
 338  
 339  
 340  
 341  
 342  
 343  
 344  
 345  
 346  
 347  
 348  
 349  
 350  
 351  
 352  
 353  
 354  
 355  
 356  
 357  
 358  
 359  
 360  
 361  
 362  
 363  
 364  
 365  
 366  
 367  
 368  
 369  
 370  
 371  
 372  
 373  
 374  
 375  
 376  
 377  
 378  
 379  
 380  
 381  
 382  
 383  
 384  
 385  
 386  
 387  
 388  
 389  
 390  
 391  
 392  
 393  
 394  
 395  
 396  
 397  
 398  
 399  
 400  
 401  
 402  
 403  
 404  
 405  
 406  
 407  
 408  
 409  
 410  
 411  
 412  
 413  
 414  
 415  
 416  
 417  
 418  
 419  
 420  
 421  
 422  
 423  
 424  
 425  
 426  
 427  
 428  
 429  
 430  
 431  
 432  
 433  
 434  
 435  
 436  
 437  
 438  
 439  
 440  
 441  
 442  
 443  
 444  
 445  
 446  
 447  
 448  
 449  
 450  
 451  
 452  
 453  
 454  
 455  
 456  
 457  
 458  
 459  
 460  
 461  
 462  
 463  
 464  
 465  
 466  
 467  
 468  
 469  
 470  
 471  
 472  
 473  
 474  
 475  
 476  
 477  
 478  
 479  
 480  
 481  
 482  
 483  
 484  
 485  
 486  
 487  
 488  
 489  
 490  
 491  
 492  
 493  
 494  
 495  
 496  
 497  
 498  
 499  
 500  
 501  
 502  
 503  
 504  
 505  
 506  
 507  
 508  
 509  
 510  
 511  
 512  
 513  
 514  
 515  
 516  
 517  
 518  
 519  
 520  
 521  
 522  
 523  
 524  
 525  
 526  
 527  
 528  
 529  
 530  
 531  
 532  
 533  
 534  
 535  
 536  
 537  
 538  
 539  
 540  
 541  
 542  
 543  
 544  
 545  
 546  
 547  
 548  
 549  
 550  
 551  
 552  
 553  
 554  
 555  
 556  
 557  
 558  
 559  
 560  
 561  
 562  
 563  
 564  
 565  
 566  
 567  
 568  
 569  
 570  
 571  
 572  
 573  
 574  
 575  
 576  
 577  
 578  
 579  
 580  
 581  
 582  
 583  
 584  
 585  
 586  
 587  
 588  
 589  
 590  
 591  
 592  
 593  
 594  
 595  
 596  
 597  
 598  
 599  
 600  
 601  
 602  
 603  
 604  
 605  
 606  
 607  
 608  
 609  
 610  
 611  
 612  
 613  
 614  
 615  
 616  
 617  
 618  
 619  
 620  
 621

















ادب و حسن خلق  
 ۷۸ ساله این امر مسلم و معلوم  
 معاصر و در دست  
 دایره

۱۰۸۵	تذکره شریف
۱۰۸۶	تذکره شریف
۱۰۸۷	تذکره شریف
۱۰۸۸	تذکره شریف
۱۰۸۹	تذکره شریف
۱۰۹۰	تذکره شریف
۱۰۹۱	تذکره شریف
۱۰۹۲	تذکره شریف
۱۰۹۳	تذکره شریف
۱۰۹۴	تذکره شریف

ازین صفحه اولت یک صفحه است  
 بیت و تمام خط فارسی  
 سینه نه نفر سینه هزار و شصت و پنج  
 و اکثر طباطبائی از این است  
 و تاریخ نو نه از تحقیقات غرضه رقم  
 فروخته علی بن احمد ملک





۱۴۸۳	۱۰۹۵	سحابین
۱۴۸۴	۱۰۹۶	
۱۴۸۵	۱۰۹۷	سحابین
۱۴۸۶	۱۰۹۸	
۱۴۸۷	۱۰۹۹	سحابین
۱۴۸۸	۱۱۰۰	سحابین
۱۴۸۹	۱۱۰۱	سحابین
۱۴۹۰	۱۱۰۲	سحابین
۱۴۹۱	۱۱۰۳	سحابین
۱۴۹۲	۱۱۰۴	سحابین

۲۰۲

۱۴۹۳	۱۱۰۵	سحابین
۱۴۹۴	۱۱۰۶	سحابین
۱۴۹۵	۱۱۰۷	سحابین
۱۴۹۶	۱۱۰۸	سحابین
۱۴۹۷	۱۱۰۹	سحابین
۱۴۹۸	۱۱۱۰	سحابین
۱۴۹۹	۱۱۱۱	سحابین
۱۵۰۰	۱۱۱۲	سحابین
۱۵۰۱	۱۱۱۳	سحابین
۱۵۰۲	۱۱۱۴	سحابین

۲۰۳



۱۸۰۳	۱۱۱۵	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۰۳	۱۱۱۶	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۰۵	۱۱۱۷	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۰۶	۱۱۱۸	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۰۸	۱۱۱۹	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۰۸	۱۱۲۰	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۰۹	۱۱۲۱	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۱۰	۱۱۲۲	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۱۱	۱۱۲۳	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۱۲	۱۱۲۴	مورخان و مؤلفان و مؤلفات

۱۸۱۳	۱۱۲۵	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۱۳	۱۱۲۶	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۱۵	۱۱۲۷	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۱۵	۱۱۲۸	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۱۶	۱۱۲۹	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۱۸	۱۱۳۰	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۱۸	۱۱۳۱	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۱۹	۱۱۳۲	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۲۰	۱۱۳۳	مورخان و مؤلفان و مؤلفات
۱۸۲۱	۱۱۳۴	مورخان و مؤلفان و مؤلفات



۱۸۲۲	۱۱۳۵	تاریخ و...
۱۸۲۳	۱۱۳۶	تاریخ و...
۱۸۲۴	۱۱۳۷	تاریخ و...
۱۸۲۵	۱۱۳۸	تاریخ و...
۱۸۲۶	۱۱۳۹	تاریخ و...
۱۸۲۷	۱۱۴۰	تاریخ و...
۱۸۲۸	۱۱۴۱	تاریخ و...
۱۸۲۹	۱۱۴۲	تاریخ و...
۱۸۳۰	۱۱۴۳	تاریخ و...
۱۸۳۱	۱۱۴۴	تاریخ و...

۱۸۳۲	۱۱۴۵	تاریخ و...
۱۸۳۳	۱۱۴۶	تاریخ و...
۱۸۳۴	۱۱۴۷	تاریخ و...
۱۸۳۵	۱۱۴۸	تاریخ و...
۱۸۳۶	۱۱۴۹	تاریخ و...
۱۸۳۷	۱۱۵۰	تاریخ و...
۱۸۳۸	۱۱۵۱	تاریخ و...
۱۸۳۹	۱۱۵۲	تاریخ و...
۱۸۴۰	۱۱۵۳	تاریخ و...
۱۸۴۱	۱۱۵۴	تاریخ و...

تاریخ و...



در باب اول از تقویم  
 و در باب دوم از تقویم  
 و در باب سوم از تقویم

۱۸۲۲	۱۱۵۵	در باب اول از تقویم
۱۸۲۳	۱۱۵۶	در باب دوم از تقویم
۱۸۲۴	۱۱۵۷	در باب سوم از تقویم
۱۸۲۵	۱۱۵۸	در باب چهارم از تقویم
۱۸۲۶	۱۱۵۹	در باب پنجم از تقویم
۱۸۲۷	۱۱۶۰	در باب ششم از تقویم
۱۸۲۸	۱۱۶۱	در باب هفتم از تقویم
۱۸۲۹	۱۱۶۲	در باب هشتم از تقویم
۱۸۳۰	۱۱۶۳	در باب نهم از تقویم
۱۸۳۱	۱۱۶۴	در باب دهم از تقویم

۲۰۸

۱۸۳۲	۱۱۶۵	در باب یازدهم از تقویم
۱۸۳۳	۱۱۶۶	در باب بیستم از تقویم
۱۸۳۴	۱۱۶۷	در باب بیست و یکم از تقویم
۱۸۳۵	۱۱۶۸	در باب بیست و دوم از تقویم
۱۸۳۶	۱۱۶۹	در باب بیست و سوم از تقویم
۱۸۳۷	۱۱۷۰	در باب بیست و چهارم از تقویم
۱۸۳۸	۱۱۷۱	در باب بیست و پنجم از تقویم
۱۸۳۹	۱۱۷۲	در باب بیست و ششم از تقویم
۱۸۴۰	۱۱۷۳	در باب بیست و هفتم از تقویم
۱۸۴۱	۱۱۷۴	در باب بیست و هشتم از تقویم

۲۰۹







۱۱۹۰	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۱۹۱	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۱۹۲	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۱۹۳	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۱۹۴	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۱۹۵	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۱۹۶	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۱۹۷	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۱۹۸	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۱۹۹	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۲۰۰	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۲۰۱	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۲۰۲	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۲۰۳	سنة الف و تسعين و اربع مائة
۱۲۰۴	سنة الف و تسعين و اربع مائة

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
موسمًا من موسمي القرآن الكريم

الحمد لله الذي جعلنا من عباده المخلصين

توت حشر و غالی عالم لوتان و حشر  
ان انقان و غلراء توت حشر  
ش و حشر و غلراء توت حشر

۱۲۰۵	۱۲۰۶	۱۲۰۷	۱۲۰۸	۱۲۰۹	۱۲۱۰	۱۲۱۱	۱۲۱۲	۱۲۱۳	۱۲۱۴
۱۲۰۵	۱۲۰۶	۱۲۰۷	۱۲۰۸	۱۲۰۹	۱۲۱۰	۱۲۱۱	۱۲۱۲	۱۲۱۳	۱۲۱۴

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or note, located at the bottom of the page.

۱- این کتاب در کتابخانه  
 ۲- این کتاب در کتابخانه  
 ۳- این کتاب در کتابخانه  
 ۴- این کتاب در کتابخانه  
 ۵- این کتاب در کتابخانه  
 ۶- این کتاب در کتابخانه  
 ۷- این کتاب در کتابخانه  
 ۸- این کتاب در کتابخانه  
 ۹- این کتاب در کتابخانه  
 ۱۰- این کتاب در کتابخانه

بقدره الله تعالى وحسن تدبيره  
في كل شأن من شأني  
وإني ألتزم به في كل شأن من شأني  
وإني ألتزم به في كل شأن من شأني

[illegible]

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.



۲۱۵

	۱۲۲۵	۱۲۱۰
	۱۲۲۴	۱۲۱۱
	۱۲۲۳	۱۲۱۲
	۱۲۲۲	۱۲۱۳
	۱۲۲۱	۱۲۱۴
	۱۲۲۰	۱۲۱۵
	۱۲۱۹	۱۲۱۶
	۱۲۱۸	۱۲۱۷
	۱۲۱۷	۱۲۱۸
	۱۲۱۶	۱۲۱۹
	۱۲۱۵	۱۲۲۰
	۱۲۱۴	۱۲۲۱
	۱۲۱۳	۱۲۲۲
	۱۲۱۲	۱۲۲۳
	۱۲۱۱	۱۲۲۴
	۱۲۱۰	۱۲۲۵

۲۱۶

	۱۲۱۵	۱۲۰۰
	۱۲۱۴	۱۲۰۱
	۱۲۱۳	۱۲۰۲
	۱۲۱۲	۱۲۰۳
	۱۲۱۱	۱۲۰۴
	۱۲۱۰	۱۲۰۵
	۱۲۰۹	۱۲۰۶
	۱۲۰۸	۱۲۰۷
	۱۲۰۷	۱۲۰۸
	۱۲۰۶	۱۲۰۹
	۱۲۰۵	۱۲۱۰
	۱۲۰۴	۱۲۱۱
	۱۲۰۳	۱۲۱۲
	۱۲۰۲	۱۲۱۳
	۱۲۰۱	۱۲۱۴
	۱۲۰۰	۱۲۱۵



۱۳۲۰	۱۳۱۹
۱۳۲۱	۱۳۲۰
۱۳۲۲	۱۳۲۱
۱۳۲۳	۱۳۲۲
۱۳۲۴	۱۳۲۳
۱۳۲۵	۱۳۲۴
۱۳۲۶	۱۳۲۵
۱۳۲۷	۱۳۲۶
۱۳۲۸	۱۳۲۷
۱۳۲۹	۱۳۲۸
۱۳۳۰	۱۳۲۹
۱۳۳۱	۱۳۳۰
۱۳۳۲	۱۳۳۱
۱۳۳۳	۱۳۳۲
۱۳۳۴	۱۳۳۳
۱۳۳۵	۱۳۳۴
۱۳۳۶	۱۳۳۵
۱۳۳۷	۱۳۳۶
۱۳۳۸	۱۳۳۷
۱۳۳۹	۱۳۳۸
۱۳۴۰	۱۳۳۹

۱۳۲۰	۱۳۱۹
۱۳۲۱	۱۳۲۰
۱۳۲۲	۱۳۲۱
۱۳۲۳	۱۳۲۲
۱۳۲۴	۱۳۲۳
۱۳۲۵	۱۳۲۴
۱۳۲۶	۱۳۲۵
۱۳۲۷	۱۳۲۶
۱۳۲۸	۱۳۲۷
۱۳۲۹	۱۳۲۸
۱۳۳۰	۱۳۲۹
۱۳۳۱	۱۳۳۰
۱۳۳۲	۱۳۳۱
۱۳۳۳	۱۳۳۲
۱۳۳۴	۱۳۳۳
۱۳۳۵	۱۳۳۴
۱۳۳۶	۱۳۳۵
۱۳۳۷	۱۳۳۶
۱۳۳۸	۱۳۳۷
۱۳۳۹	۱۳۳۸
۱۳۴۰	۱۳۳۹



ردیف	تاریخ	شرح
۱۴۹۰	۱۳۹۰	تاریخ ثبت
۱۴۹۱	۱۳۹۱	تاریخ ثبت
۱۴۹۲	۱۳۹۲	تاریخ ثبت
۱۴۹۳	۱۳۹۳	تاریخ ثبت
۱۴۹۴	۱۳۹۴	تاریخ ثبت
۱۴۹۵	۱۳۹۵	تاریخ ثبت
۱۴۹۶	۱۳۹۶	تاریخ ثبت
۱۴۹۷	۱۳۹۷	تاریخ ثبت
۱۴۹۸	۱۳۹۸	تاریخ ثبت
۱۴۹۹	۱۳۹۹	تاریخ ثبت
۱۵۰۰	۱۴۰۰	تاریخ ثبت

۱۳۸۸	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	۱۴۰۶	۱۴۰۷	۱۴۰۸	۱۴۰۹	۱۴۱۰	۱۴۱۱	۱۴۱۲	۱۴۱۳	۱۴۱۴	۱۴۱۵	۱۴۱۶	۱۴۱۷	۱۴۱۸	۱۴۱۹	۱۴۲۰	۱۴۲۱	۱۴۲۲	۱۴۲۳	۱۴۲۴	۱۴۲۵	۱۴۲۶	۱۴۲۷	۱۴۲۸	۱۴۲۹	۱۴۳۰	۱۴۳۱	۱۴۳۲	۱۴۳۳	۱۴۳۴	۱۴۳۵	۱۴۳۶	۱۴۳۷	۱۴۳۸	۱۴۳۹	۱۴۴۰	۱۴۴۱	۱۴۴۲	۱۴۴۳	۱۴۴۴	۱۴۴۵	۱۴۴۶	۱۴۴۷	۱۴۴۸	۱۴۴۹	۱۴۵۰	۱۴۵۱	۱۴۵۲	۱۴۵۳	۱۴۵۴	۱۴۵۵	۱۴۵۶	۱۴۵۷	۱۴۵۸	۱۴۵۹	۱۴۶۰	۱۴۶۱	۱۴۶۲	۱۴۶۳	۱۴۶۴	۱۴۶۵	۱۴۶۶	۱۴۶۷	۱۴۶۸	۱۴۶۹	۱۴۷۰	۱۴۷۱	۱۴۷۲	۱۴۷۳	۱۴۷۴	۱۴۷۵	۱۴۷۶	۱۴۷۷	۱۴۷۸	۱۴۷۹	۱۴۸۰	۱۴۸۱	۱۴۸۲	۱۴۸۳	۱۴۸۴	۱۴۸۵	۱۴۸۶	۱۴۸۷	۱۴۸۸	۱۴۸۹	۱۴۹۰	۱۴۹۱	۱۴۹۲	۱۴۹۳	۱۴۹۴	۱۴۹۵	۱۴۹۶	۱۴۹۷	۱۴۹۸	۱۴۹۹	۱۵۰۰	۱۵۰۱	۱۵۰۲	۱۵۰۳	۱۵۰۴	۱۵۰۵	۱۵۰۶	۱۵۰۷	۱۵۰۸	۱۵۰۹	۱۵۱۰	۱۵۱۱	۱۵۱۲	۱۵۱۳	۱۵۱۴	۱۵۱۵	۱۵۱۶	۱۵۱۷	۱۵۱۸	۱۵۱۹	۱۵۲۰	۱۵۲۱	۱۵۲۲	۱۵۲۳	۱۵۲۴	۱۵۲۵	۱۵۲۶	۱۵۲۷	۱۵۲۸	۱۵۲۹	۱۵۳۰	۱۵۳۱	۱۵۳۲	۱۵۳۳	۱۵۳۴	۱۵۳۵	۱۵۳۶	۱۵۳۷	۱۵۳۸	۱۵۳۹	۱۵۴۰	۱۵۴۱	۱۵۴۲	۱۵۴۳	۱۵۴۴	۱۵۴۵	۱۵۴۶	۱۵۴۷	۱۵۴۸	۱۵۴۹	۱۵۵۰	۱۵۵۱	۱۵۵۲	۱۵۵۳	۱۵۵۴	۱۵۵۵	۱۵۵۶	۱۵۵۷	۱۵۵۸	۱۵۵۹	۱۵۶۰	۱۵۶۱	۱۵۶۲	۱۵۶۳	۱۵۶۴	۱۵۶۵	۱۵۶۶	۱۵۶۷	۱۵۶۸	۱۵۶۹	۱۵۷۰	۱۵۷۱	۱۵۷۲	۱۵۷۳	۱۵۷۴	۱۵۷۵	۱۵۷۶	۱۵۷۷	۱۵۷۸	۱۵۷۹	۱۵۸۰	۱۵۸۱	۱۵۸۲	۱۵۸۳	۱۵۸۴	۱۵۸۵	۱۵۸۶	۱۵۸۷	۱۵۸۸	۱۵۸۹	۱۵۹۰	۱۵۹۱	۱۵۹۲	۱۵۹۳	۱۵۹۴	۱۵۹۵	۱۵۹۶	۱۵۹۷	۱۵۹۸	۱۵۹۹	۱۶۰۰	۱۶۰۱	۱۶۰۲	۱۶۰۳	۱۶۰۴	۱۶۰۵	۱۶۰۶	۱۶۰۷	۱۶۰۸	۱۶۰۹	۱۶۱۰	۱۶۱۱	۱۶۱۲	۱۶۱۳	۱۶۱۴	۱۶۱۵	۱۶۱۶	۱۶۱۷	۱۶۱۸	۱۶۱۹	۱۶۲۰	۱۶۲۱	۱۶۲۲	۱۶۲۳	۱۶۲۴	۱۶۲۵	۱۶۲۶	۱۶۲۷	۱۶۲۸	۱۶۲۹	۱۶۳۰	۱۶۳۱	۱۶۳۲	۱۶۳۳	۱۶۳۴	۱۶۳۵	۱۶۳۶	۱۶۳۷	۱۶۳۸	۱۶۳۹	۱۶۴۰	۱۶۴۱	۱۶۴۲	۱۶۴۳	۱۶۴۴	۱۶۴۵	۱۶۴۶	۱۶۴۷	۱۶۴۸	۱۶۴۹	۱۶۵۰	۱۶۵۱	۱۶۵۲	۱۶۵۳	۱۶۵۴	۱۶۵۵	۱۶۵۶	۱۶۵۷	۱۶۵۸	۱۶۵۹	۱۶۶۰	۱۶۶۱	۱۶۶۲	۱۶۶۳	۱۶۶۴	۱۶۶۵	۱۶۶۶	۱۶۶۷	۱۶۶۸	۱۶۶۹	۱۶۷۰	۱۶۷۱	۱۶۷۲	۱۶۷۳	۱۶۷۴	۱۶۷۵	۱۶۷۶	۱۶۷۷	۱۶۷۸	۱۶۷۹	۱۶۸۰
------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------



[illegible]

۱۲۸۵	۱۲۸۶	۱۲۸۷	۱۲۸۸	۱۲۸۹	۱۲۹۰	۱۲۹۱	۱۲۹۲	۱۲۹۳	۱۲۹۴
۱۲۸۵	۱۲۸۶	۱۲۸۷	۱۲۸۸	۱۲۸۹	۱۲۹۰	۱۲۹۱	۱۲۹۲	۱۲۹۳	۱۲۹۴



۱۲۹۵	۱۲۹۶	۱۲۹۷	۱۲۹۸	۱۲۹۹	۱۳۰۰	۱۳۰۱	۱۳۰۲	۱۳۰۳	۱۳۰۴	۱۳۰۵	۱۳۰۶	۱۳۰۷	۱۳۰۸	۱۳۰۹	۱۳۱۰	۱۳۱۱	۱۳۱۲	۱۳۱۳	۱۳۱۴	۱۳۱۵	۱۳۱۶	۱۳۱۷	۱۳۱۸	۱۳۱۹	۱۳۲۰	۱۳۲۱	۱۳۲۲	۱۳۲۳	۱۳۲۴	۱۳۲۵	۱۳۲۶	۱۳۲۷	۱۳۲۸	۱۳۲۹	۱۳۳۰	۱۳۳۱	۱۳۳۲	۱۳۳۳	۱۳۳۴	۱۳۳۵	۱۳۳۶	۱۳۳۷	۱۳۳۸	۱۳۳۹	۱۳۴۰	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	۱۴۰۶	۱۴۰۷	۱۴۰۸	۱۴۰۹	۱۴۱۰	۱۴۱۱	۱۴۱۲	۱۴۱۳	۱۴۱۴	۱۴۱۵	۱۴۱۶	۱۴۱۷	۱۴۱۸	۱۴۱۹	۱۴۲۰	۱۴۲۱	۱۴۲۲	۱۴۲۳	۱۴۲۴	۱۴۲۵	۱۴۲۶	۱۴۲۷	۱۴۲۸	۱۴۲۹	۱۴۳۰	۱۴۳۱	۱۴۳۲	۱۴۳۳	۱۴۳۴	۱۴۳۵	۱۴۳۶	۱۴۳۷	۱۴۳۸	۱۴۳۹	۱۴۴۰	۱۴۴۱	۱۴۴۲	۱۴۴۳	۱۴۴۴	۱۴۴۵	۱۴۴۶	۱۴۴۷	۱۴۴۸	۱۴۴۹	۱۴۵۰	۱۴۵۱	۱۴۵۲	۱۴۵۳	۱۴۵۴	۱۴۵۵	۱۴۵۶	۱۴۵۷	۱۴۵۸	۱۴۵۹	۱۴۶۰	۱۴۶۱	۱۴۶۲	۱۴۶۳	۱۴۶۴	۱۴۶۵	۱۴۶۶	۱۴۶۷	۱۴۶۸	۱۴۶۹	۱۴۷۰	۱۴۷۱	۱۴۷۲	۱۴۷۳	۱۴۷۴	۱۴۷۵	۱۴۷۶	۱۴۷۷	۱۴۷۸	۱۴۷۹	۱۴۸۰	۱۴۸۱	۱۴۸۲	۱۴۸۳	۱۴۸۴	۱۴۸۵	۱۴۸۶	۱۴۸۷	۱۴۸۸	۱۴۸۹	۱۴۹۰	۱۴۹۱	۱۴۹۲	۱۴۹۳	۱۴۹۴	۱۴۹۵	۱۴۹۶	۱۴۹۷	۱۴۹۸	۱۴۹۹	۱۵۰۰	۱۵۰۱	۱۵۰۲	۱۵۰۳	۱۵۰۴	۱۵۰۵	۱۵۰۶	۱۵۰۷	۱۵۰۸	۱۵۰۹	۱۵۱۰	۱۵۱۱	۱۵۱۲	۱۵۱۳	۱۵۱۴	۱۵۱۵	۱۵۱۶	۱۵۱۷	۱۵۱۸	۱۵۱۹	۱۵۲۰	۱۵۲۱	۱۵۲۲	۱۵۲۳	۱۵۲۴	۱۵۲۵	۱۵۲۶	۱۵۲۷	۱۵۲۸	۱۵۲۹	۱۵۳۰	۱۵۳۱	۱۵۳۲	۱۵۳۳	۱۵۳۴	۱۵۳۵	۱۵۳۶	۱۵۳۷	۱۵۳۸	۱۵۳۹	۱۵۴۰	۱۵۴۱	۱۵۴۲	۱۵۴۳	۱۵۴۴	۱۵۴۵	۱۵۴۶	۱۵۴۷	۱۵۴۸	۱۵۴۹	۱۵۵۰	۱۵۵۱	۱۵۵۲	۱۵۵۳	۱۵۵۴	۱۵۵۵	۱۵۵۶	۱۵۵۷	۱۵۵۸	۱۵۵۹	۱۵۶۰	۱۵۶۱	۱۵۶۲	۱۵۶۳	۱۵۶۴	۱۵۶۵	۱۵۶۶	۱۵۶۷	۱۵۶۸	۱۵۶۹	۱۵۷۰	۱۵۷۱	۱۵۷۲	۱۵۷۳	۱۵۷۴	۱۵۷۵	۱۵۷۶	۱۵۷۷	۱۵۷۸	۱۵۷۹	۱۵۸۰	۱۵۸۱	۱۵۸۲	۱۵۸۳	۱۵۸۴	۱۵۸۵	۱۵۸۶
------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------

از خفته است به یک جبهه  
نخل جانیده در حدیقه  
من از راه که خطای تو بر سر  
و تحقیق که خوار تو در سر  
عذر من نه افضل ملک  
مباح این گناه است



۲۲۰


۲۲۲




[illegible]



PP1


PPA




[illegible]

در این سینه طهارت برآورده اعضا که از غیر منزه است  
 که در میانیم میگوید همراه باشد  
 قمری الی ... کد ... عید ...  
 مویان ... زعفران ... مر ...  
 نموده نموده بماند

[illegible]

ارتفاع منوال قوسه که در سطح دریا سطح دریا  
در کنار دریا قوسه دریا در سطح دریا ۷۵ و نصف ۷۴ و نصف  
دریا در سطح دریا در سطح دریا در سطح دریا در سطح دریا

از این صفحه  
در دست خط  
خود آهسته آهسته  
مقدّمات هر سوره  
در دست خط











[illegible][illegible]

در روز شنبه ۱۲۳۱  
 در روز شنبه ۱۲۳۲  
 در روز شنبه ۱۲۳۳  
 در روز شنبه ۱۲۳۴  
 در روز شنبه ۱۲۳۵  
 در روز شنبه ۱۲۳۶  
 در روز شنبه ۱۲۳۷  
 در روز شنبه ۱۲۳۸  
 در روز شنبه ۱۲۳۹  
 در روز شنبه ۱۲۴۰  
 در روز شنبه ۱۲۴۱  
 در روز شنبه ۱۲۴۲  
 در روز شنبه ۱۲۴۳  
 در روز شنبه ۱۲۴۴  
 در روز شنبه ۱۲۴۵  
 در روز شنبه ۱۲۴۶  
 در روز شنبه ۱۲۴۷  
 در روز شنبه ۱۲۴۸  
 در روز شنبه ۱۲۴۹  
 در روز شنبه ۱۲۵۰

۲۳۷	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۳۸	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۳۹	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۴۰	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۴۱	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۴۲	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۴۳	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۴۴	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۴۵	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۴۶	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۴۷	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۴۸	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۴۹	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
۲۵۰	بسم الله الرحمن الرحيم	الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم































































































لا تخرجوا من بيوتكم حتى تصلوا صلاة الفجر فكلوا وشاربوا من قبل ان يطلع الشمس من مغربها

بیت طایفه بهرامی باغی عذر قصه

در جهان سکر جهان و مریضی می رسد

نصف خنجر از میان خطی که در هر دو راع آن یک شمشیر در هر دو راع آن

1.  $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$

وہو

چند دیگر غم نبوده است

مجلس شورای اسلامی

... ..

بسم الله الرحمن الرحيم

بہارہ و سانی خلیجہ لکھنؤ وادہ  
وادی بہارہ لکھنؤ وادہ

1000

این افسانه دوسری در باب: لباسدین جلال

چند نفر فرستادند

من اقامت ختم بر ما نمود و از آنکه

دوره سیم و ششم دیوانه

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page]*

وہاں سے آکر اپنے گھر پہنچا۔

چند روز بعد از آنکه...

لا ابرهین فیض السعیدہ

چهارم و ششم و نهم او  
فصل پنجم در بیان فضیلت علم

کشت از آنکه هر چند  
خسارت از او هر چند

چند جہازت کائنات

تعلیم و تہذیب کو پائیدار بنانے کے لیے

...

الشيخ الفاضل

17

۱- کسر و شکست و شکر و شیر  
 ۲- کسر و شکست و شکر و شیر  
 ۳- کسر و شکست و شکر و شیر  
 ۴- کسر و شکست و شکر و شیر  
 ۵- کسر و شکست و شکر و شیر  
 ۶- کسر و شکست و شکر و شیر  
 ۷- کسر و شکست و شکر و شیر  
 ۸- کسر و شکست و شکر و شیر  
 ۹- کسر و شکست و شکر و شیر  
 ۱۰- کسر و شکست و شکر و شیر

طبعی است که در دنیا مشرب و زانی  
 در زنت خود که در دنیا مشرب و زانی  
 در زنت خود که در دنیا مشرب و زانی  
 در زنت خود که در دنیا مشرب و زانی

مستحقان و مستحقین  
 بهر آنکه در این کتاب  
 در هر یک از این کتاب  
 در هر یک از این کتاب

تاریخ	تبریز	عمر	تاریخ	تبریز	عمر
...	...	...	...	...	...

آینه	که در صورت چه بپوشد و آویزند	چرخ کعبه گردان و درین میان
تخت	در هر محلی بستان	آنان را بر این دو کوه کعبه
		که چون رخ بر آید از در

[illegible]

نیشا و ملک و سیستان و بلخ  
کوسیدان فان چه رشتن در دشت

14/1/1971

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس شورای اسلامی

افسر

اندر

\_\_\_\_\_

Handwritten text in Arabic script:

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

[illegible]







PA9


PA9
















140

۲۹۷



برابر فرست بر این صفت نقشه شهر را محقق بوده است  
و آنرا ببرقت برده اند که در این نقشه ۱۰۳۳ ر. ۱۳۳۳

به ترتیب صفحہ ۲۹۸ نقشہ جہانگیر آباد بکر بنو مراد

محرر محمد علی  
۱۳۴۷/۱/۲۸

## Plan de l'ancienne Ville de Rhag.

A. Citadelle supérieure située sur une hauteur de rochers. -

B. Citadelle inférieure ou du bas. -

C.C.C.C. Le qui peut être tracé comme ayant été les remparts, actuellement représentés simplement par quelques masses murailles de brique sèche dont les lignes de tours sont faibles, souvent reconnaissables par les briques et des fondations de tours.

D.D.D. Grande emplacement de tours, remparts de grande épaisseur, chaque face a six tours circulaires (rondes) - Emplacement probable des portes de la ville.

E. Grande tour circulaire avec plusieurs faces, faite en briques cuites.

F. Grande tour ou faite en pierres celle-ci comme la précédente portait toutes deux un char de d'inscriptions cufiques.

G. Forteresse construite en pierres au sommet de laquelle se trouvait une tour en briques ou Mosquée.



بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 الذي هدانا لهذا  
 الذي كنا لنهتدي لولا  
 أن هدانا الله

في عصر من العصور القديمة  
 في عصر من العصور القديمة  
 في عصر من العصور القديمة

ربطت كسب من خزانة  
 الربطت كسب من خزانة  
 الربطت كسب من خزانة

ربطت كسب من خزانة  
 الربطت كسب من خزانة  
 الربطت كسب من خزانة

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 الذي هدانا لهذا  
 الذي كنا لنهتدي لولا  
 أن هدانا الله

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 الذي هدانا لهذا  
 الذي كنا لنهتدي لولا  
 أن هدانا الله







































قصید که در مدح طاق و غیره	در شش شش بحر که در او بر دهم	بدر آفتاب که در کف و دست بنام
نارنج آن جای هر چه در فیه جمعا	نقد در لنگر و صورت بلایا لشکر	بدر در کشور و صورت بلایا لشکر
ای مهربان و مهربان که بنام باد	کشته آراسته از حکمها و نورش	یوسف صحرانکر که ندایا لشکر
آفتاب و نظار المک کای	در خشت و نظر از لایه از نورش	ادری در دایا ساحل غایت
هر چه در او هیچ خشت	باید بر ما افکند و صایا جمعا	باید بر ما افکند و صایا جمعا
شمس که در او ایوان	بکوه و آتش چهره و نورش	اندر دو سیم با هر چه در او
غره که در او دره و خشت	بکوه و آتش چهره و نورش	غیر غفوس که بدین نورش
خلیج که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
مالت که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
در دو ایوان و آینه و نورش	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
ابدال که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
خازن که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
موزه که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
خسرت که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
موزه که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
ناصر که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
صدور که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
بدر که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
سایه که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
سایه که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
ایز که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
سند که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر

گاه در کمال و غیره و در کمال

هسته ای که در او ایوان

در شش شش بحر که در او بر دهم

قصید که در مدح طاق و غیره	در شش شش بحر که در او بر دهم	بدر آفتاب که در کف و دست بنام
نارنج آن جای هر چه در فیه جمعا	نقد در لنگر و صورت بلایا لشکر	بدر در کشور و صورت بلایا لشکر
ای مهربان و مهربان که بنام باد	کشته آراسته از حکمها و نورش	یوسف صحرانکر که ندایا لشکر
آفتاب و نظار المک کای	در خشت و نظر از لایه از نورش	ادری در دایا ساحل غایت
هر چه در او هیچ خشت	باید بر ما افکند و صایا جمعا	باید بر ما افکند و صایا جمعا
شمس که در او ایوان	بکوه و آتش چهره و نورش	اندر دو سیم با هر چه در او
غره که در او دره و خشت	بکوه و آتش چهره و نورش	غیر غفوس که بدین نورش
خلیج که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
مالت که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
در دو ایوان و آینه و نورش	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
ابدال که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
خازن که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
موزه که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
خسرت که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
موزه که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
ناصر که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
صدور که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
بدر که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
سایه که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
سایه که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
ایز که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر
سند که در او ایوان	کوه و آتش چهره و نورش	بدر در لنگر و صورت بلایا لشکر

در شش شش بحر که در او بر دهم

در شش شش بحر که در او بر دهم







































































فقه هندوستان  
عبدالحق بن محمد بن عبدالحق  
محمد بن علی بن عبدالحق  
و کتب و تصانیف

۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

از خط شاه فرمود میرزا  
وزیر که عدل کارها را بچون  
باز بخت سلطنت شاه  
بجای آورد ضرر نکرید

شاه جهانگیر کو از مرغان  
کشته شاه و عالم  
کشته مرغان و عالم  
کشته مرغان و عالم

شده در انصرونه و خروشان  
که بکرو ملک ستم انصاریان  
شاهان آگاهان ستم و بطلان  
شاهان آگاهان ستم و بطلان

چیز گفت سال وفاتش  
خوان مرد شد تا بیجا بخت

فہرست کتب  
مکتبہ  
جمہان

μΩ

[illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or a note, with some red ink markings.

مطابق اور یہ مسئلہ  
بکشت ال جاوش نظام  
میں  
مقامہ وضع ہو سکے اندرون  
میں ملکات

کف وائف کمال الحفاست  
افلا کمال الحفاست  
۱۱۷۳  
بچون دفع الذم

تاریخ احمدیہ

۱۳۰۰  
 ۱۳۰۱  
 ۱۳۰۲  
 ۱۳۰۳  
 ۱۳۰۴  
 ۱۳۰۵  
 ۱۳۰۶  
 ۱۳۰۷  
 ۱۳۰۸  
 ۱۳۰۹  
 ۱۳۱۰  
 ۱۳۱۱  
 ۱۳۱۲  
 ۱۳۱۳  
 ۱۳۱۴  
 ۱۳۱۵  
 ۱۳۱۶  
 ۱۳۱۷  
 ۱۳۱۸  
 ۱۳۱۹  
 ۱۳۲۰  
 ۱۳۲۱  
 ۱۳۲۲  
 ۱۳۲۳  
 ۱۳۲۴  
 ۱۳۲۵  
 ۱۳۲۶  
 ۱۳۲۷  
 ۱۳۲۸  
 ۱۳۲۹  
 ۱۳۳۰  
 ۱۳۳۱  
 ۱۳۳۲  
 ۱۳۳۳  
 ۱۳۳۴  
 ۱۳۳۵  
 ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷  
 ۱۳۳۸  
 ۱۳۳۹  
 ۱۳۴۰  
 ۱۳۴۱  
 ۱۳۴۲  
 ۱۳۴۳  
 ۱۳۴۴  
 ۱۳۴۵  
 ۱۳۴۶  
 ۱۳۴۷  
 ۱۳۴۸  
 ۱۳۴۹  
 ۱۳۵۰  
 ۱۳۵۱  
 ۱۳۵۲  
 ۱۳۵۳  
 ۱۳۵۴  
 ۱۳۵۵  
 ۱۳۵۶  
 ۱۳۵۷  
 ۱۳۵۸  
 ۱۳۵۹  
 ۱۳۶۰  
 ۱۳۶۱  
 ۱۳۶۲  
 ۱۳۶۳  
 ۱۳۶۴  
 ۱۳۶۵  
 ۱۳۶۶  
 ۱۳۶۷  
 ۱۳۶۸  
 ۱۳۶۹  
 ۱۳۷۰  
 ۱۳۷۱  
 ۱۳۷۲  
 ۱۳۷۳  
 ۱۳۷۴  
 ۱۳۷۵  
 ۱۳۷۶  
 ۱۳۷۷  
 ۱۳۷۸  
 ۱۳۷۹  
 ۱۳۸۰  
 ۱۳۸۱  
 ۱۳۸۲  
 ۱۳۸۳  
 ۱۳۸۴  
 ۱۳۸۵  
 ۱۳۸۶  
 ۱۳۸۷  
 ۱۳۸۸  
 ۱۳۸۹  
 ۱۳۹۰  
 ۱۳۹۱  
 ۱۳۹۲  
 ۱۳۹۳  
 ۱۳۹۴  
 ۱۳۹۵  
 ۱۳۹۶  
 ۱۳۹۷  
 ۱۳۹۸  
 ۱۳۹۹  
 ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۱  
 ۱۴۰۲  
 ۱۴۰۳  
 ۱۴۰۴  
 ۱۴۰۵  
 ۱۴۰۶  
 ۱۴۰۷  
 ۱۴۰۸  
 ۱۴۰۹  
 ۱۴۱۰  
 ۱۴۱۱  
 ۱۴۱۲  
 ۱۴۱۳  
 ۱۴۱۴  
 ۱۴۱۵  
 ۱۴۱۶  
 ۱۴۱۷  
 ۱۴۱۸  
 ۱۴۱۹  
 ۱۴۲۰  
 ۱۴۲۱  
 ۱۴۲۲  
 ۱۴۲۳  
 ۱۴۲۴  
 ۱۴۲۵  
 ۱۴۲۶  
 ۱۴۲۷  
 ۱۴۲۸  
 ۱۴۲۹  
 ۱۴۳۰  
 ۱۴۳۱  
 ۱۴۳۲  
 ۱۴۳۳  
 ۱۴۳۴  
 ۱۴۳۵  
 ۱۴۳۶  
 ۱۴۳۷  
 ۱۴۳۸  
 ۱۴۳۹  
 ۱۴۴۰  
 ۱۴۴۱  
 ۱۴۴۲  
 ۱۴۴۳  
 ۱۴۴۴  
 ۱۴۴۵  
 ۱۴۴۶  
 ۱۴۴۷  
 ۱۴۴۸  
 ۱۴۴۹  
 ۱۴۵۰  
 ۱۴۵۱  
 ۱۴۵۲  
 ۱۴۵۳  
 ۱۴۵۴  
 ۱۴۵۵  
 ۱۴۵۶  
 ۱۴۵۷  
 ۱۴۵۸  
 ۱۴۵۹  
 ۱۴۶۰  
 ۱۴۶۱  
 ۱۴۶۲  
 ۱۴۶۳  
 ۱۴۶۴  
 ۱۴۶۵  
 ۱۴۶۶  
 ۱۴۶۷  
 ۱۴۶۸  
 ۱۴۶۹  
 ۱۴۷۰  
 ۱۴۷۱  
 ۱۴۷۲  
 ۱۴۷۳  
 ۱۴۷۴  
 ۱۴۷۵  
 ۱۴۷۶  
 ۱۴۷۷  
 ۱۴۷۸  
 ۱۴۷۹  
 ۱۴۸۰  
 ۱۴۸۱  
 ۱۴۸۲  
 ۱۴۸۳  
 ۱۴۸۴  
 ۱۴۸۵  
 ۱۴۸۶  
 ۱۴۸۷  
 ۱۴۸۸  
 ۱۴۸۹  
 ۱۴۹۰  
 ۱۴۹۱  
 ۱۴۹۲  
 ۱۴۹۳  
 ۱۴۹۴  
 ۱۴۹۵  
 ۱۴۹۶  
 ۱۴۹۷  
 ۱۴۹۸  
 ۱۴۹۹  
 ۱۵۰۰  
 ۱۵۰۱  
 ۱۵۰۲  
 ۱۵۰۳  
 ۱۵۰۴  
 ۱۵۰۵  
 ۱۵۰۶  
 ۱۵۰۷  
 ۱۵۰۸  
 ۱۵۰۹  
 ۱۵۱۰  
 ۱۵۱۱  
 ۱۵۱۲  
 ۱۵۱۳  
 ۱۵۱۴  
 ۱۵۱۵  
 ۱۵۱۶  
 ۱۵۱۷  
 ۱۵۱۸  
 ۱۵۱۹  
 ۱۵۲۰  
 ۱۵۲۱  
 ۱۵۲۲  
 ۱۵۲۳  
 ۱۵۲۴  
 ۱۵۲۵  
 ۱۵۲۶  
 ۱۵۲۷  
 ۱۵۲۸  
 ۱۵۲۹  
 ۱۵۳۰  
 ۱۵۳۱  
 ۱۵۳۲  
 ۱۵۳۳  
 ۱۵۳۴  
 ۱۵۳۵  
 ۱۵۳۶  
 ۱۵۳۷  
 ۱۵۳۸  
 ۱۵۳۹  
 ۱۵۴۰  
 ۱۵۴۱  
 ۱۵۴۲  
 ۱۵۴۳  
 ۱۵۴۴  
 ۱۵۴۵  
 ۱۵۴۶  
 ۱۵۴۷  
 ۱۵۴۸  
 ۱۵۴۹  
 ۱۵۵۰  
 ۱۵۵۱  
 ۱۵۵۲  
 ۱۵۵۳  
 ۱۵۵۴  
 ۱۵۵۵  
 ۱۵۵۶  
 ۱۵۵۷  
 ۱۵۵۸  
 ۱۵۵۹  
 ۱۵۶۰  
 ۱۵۶۱  
 ۱۵۶۲  
 ۱۵۶۳  
 ۱۵۶۴  
 ۱۵۶۵  
 ۱۵۶۶  
 ۱۵۶۷  
 ۱۵۶۸  
 ۱۵۶۹  
 ۱۵۷۰  
 ۱۵۷۱  
 ۱۵۷۲  
 ۱۵۷۳  
 ۱۵۷۴  
 ۱۵۷۵  
 ۱۵۷۶  
 ۱۵۷۷  
 ۱۵۷۸  
 ۱۵۷۹  
 ۱۵۸۰  
 ۱۵۸۱  
 ۱۵۸۲  
 ۱۵۸۳  
 ۱۵۸۴  
 ۱۵۸۵  
 ۱۵۸۶  
 ۱۵۸۷  
 ۱۵۸۸  
 ۱۵۸۹  
 ۱۵۹۰  
 ۱۵۹۱  
 ۱۵۹۲  
 ۱۵۹۳  
 ۱۵۹۴  
 ۱۵۹۵  
 ۱۵۹۶  
 ۱۵۹۷  
 ۱۵۹۸  
 ۱۵۹۹  
 ۱۶۰۰  
 ۱۶۰۱  
 ۱۶۰۲  
 ۱۶۰۳  
 ۱۶۰۴  
 ۱۶۰۵  
 ۱۶۰۶  
 ۱۶۰۷  
 ۱۶۰۸  
 ۱۶۰۹  
 ۱۶۱۰  
 ۱۶۱۱  
 ۱۶۱۲  
 ۱۶۱۳  
 ۱۶۱۴

فولان بنده بهر بیست افغان کمان  
تا فغانه برین تمام و ماری

شکر شورش شاه جهان علی  
کرامت منور فیضی علی

دلم بودم که کوچه غلطه  
که اینها

ابو الشیم  
نصرت الدین صاحب

۱۳۴۰ هجری قمری  
در ماه ربیع الثانی  
در روز پنجشنبه

*(Handwritten notes in Arabic script)*

۱۱۵۰  
 سر سلطان افروز دلاور  
 خرد سال جاووش  
 سر سلطان افروز دلاور  
 خرد سال جاووش

[illegible]

*[Handwritten notes in Urdu script]*

انساب العالمات

نظامت من

بیتا جنت الکریم

جولہ عازرہ

۱۱۳۵

برای این کتاب در سال ۱۳۰۲  
در شهر تهران  
مطبعه...

۱۱۸۷  
کتابخانه عمومی  
کتابخانه عمومی  
کتابخانه عمومی


اور عز و مال و مقام

۱۴۶۴  
 الی الخ  
 ۱۴۶۴

فما هو وجه  
الحق في الحق  
بما هو في الحق  
بما هو في الحق  
بما هو في الحق

مجلس علمیه در تبریز  
در روز دوشنبه ۱۲۹۸  
باجایگاه کتبی  
از طرف هیئت مدیره

مادة تاريخ الفرق خاتمة  
عصر التبريد خاتمة  
عند حسن الفضايلة  
عند حسن الفضايلة







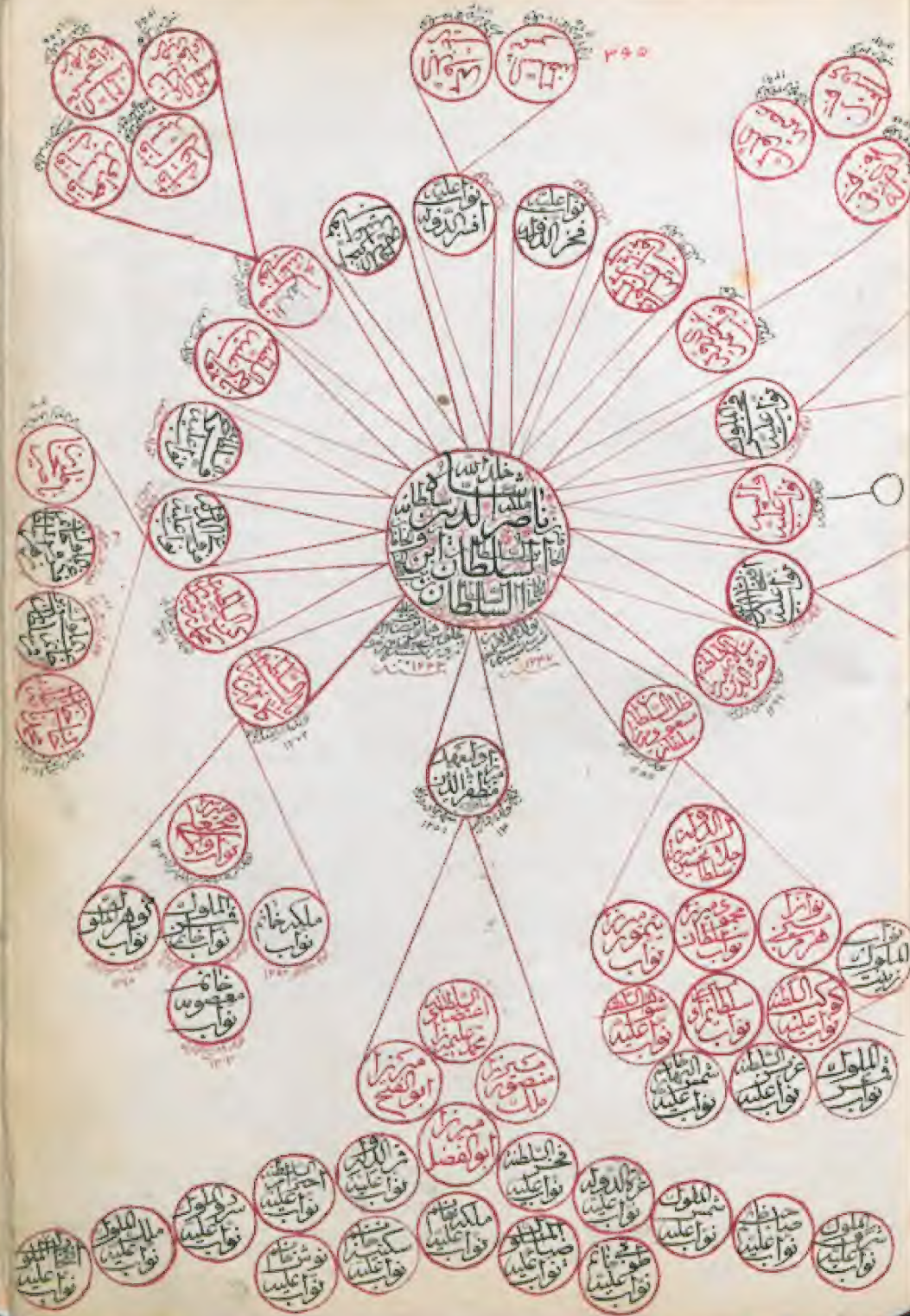












02, 04, 05, 06, 07, 08, 09, 10, 11, 12, 13, 14, 15, 16, 17, 18, 19, 20, 21, 22, 23, 24, 25, 26, 27, 28, 29, 30, 31, 32, 33, 34, 35, 36, 37, 38, 39, 40, 41, 42, 43, 44, 45, 46, 47, 48, 49, 50, 51, 52, 53, 54, 55, 56, 57, 58, 59, 60, 61, 62, 63, 64, 65, 66, 67, 68, 69, 70, 71, 72, 73, 74, 75, 76, 77, 78, 79, 80, 81, 82, 83, 84, 85, 86, 87, 88, 89, 90, 91, 92, 93, 94, 95, 96, 97, 98, 99, 100, 101, 102, 103, 104, 105, 106, 107, 108, 109, 110, 111, 112, 113, 114, 115, 116, 117, 118, 119, 120, 121, 122, 123, 124, 125, 126, 127, 128, 129, 130, 131, 132, 133, 134, 135, 136, 137, 138, 139, 140, 141, 142, 143, 144, 145, 146, 147, 148, 149, 150, 151, 152, 153, 154, 155, 156, 157, 158, 159, 160, 161, 162, 163, 164, 165, 166, 167, 168, 169, 170, 171, 172, 173, 174, 175, 176, 177, 178, 179, 180, 181, 182, 183, 184, 185, 186, 187, 188, 189, 190, 191, 192, 193, 194, 195, 196, 197, 198, 199, 200, 201, 202, 203, 204, 205, 206, 207, 208, 209, 210, 211, 212, 213, 214, 215, 216, 217, 218, 219, 220, 221, 222, 223, 224, 225, 226, 227, 228, 229, 230, 231, 232, 233, 234, 235, 236, 237, 238, 239, 240, 241, 242, 243, 244, 245, 246, 247, 248, 249, 250, 251, 252, 253, 254, 255, 256, 257, 258, 259, 260, 261, 262, 263, 264, 265, 266, 267, 268, 269, 270, 271, 272, 273, 274, 275, 276, 277, 278, 279, 280, 281, 282, 283, 284, 285, 286, 287, 288, 289, 290, 291, 292, 293, 294, 295, 296, 297, 298, 299, 300, 301, 302, 303, 304, 305, 306, 307, 308, 309, 310, 311, 312, 313, 314, 315, 316, 317, 318, 319, 320, 321, 322, 323, 324, 325, 326, 327, 328, 329, 330, 331, 332, 333, 334, 335, 336, 337, 338, 339, 340, 341, 342, 343, 344, 345, 346, 347, 348, 349, 350, 351, 352, 353, 354, 355, 356, 357, 358, 359, 360, 361, 362, 363, 364, 365, 366, 367, 368, 369, 370, 371, 372, 373, 374, 375, 376, 377, 378, 379, 380, 381, 382, 383, 384, 385, 386, 387, 388, 389, 390, 391, 392, 393, 394, 395, 396, 397, 398, 399, 400, 401, 402, 403, 404, 405, 406, 407, 408, 409, 410, 411, 412, 413, 414, 415, 416, 417, 418, 419, 420, 421, 422, 423, 424, 425, 426, 427, 428, 429, 430, 431, 432, 433, 434, 435, 436, 437, 438, 439, 440, 441, 442, 443, 444, 445, 446, 447, 448, 449, 450, 451, 452, 453, 454, 455, 456, 457, 458, 459, 460, 461, 462, 463, 464, 465, 466, 467, 468, 469, 470, 471, 472, 473, 474, 475, 476, 477, 478, 479, 480, 481, 482, 483, 484, 485, 486, 487, 488, 489, 490, 491, 492, 493, 494, 495, 496, 497, 498, 499, 500, 501, 502, 503, 504, 505, 506, 507, 508, 509, 510, 511, 512, 513, 514, 515, 516, 517, 518, 519, 520, 521, 522, 523, 524, 525, 526, 527, 528, 529, 530, 531, 532, 533, 534, 535, 536, 537, 538, 539, 540, 541, 542, 543, 544, 545, 546, 547, 548, 549, 550, 551, 552, 553, 554, 555, 556, 557, 558, 559, 560, 561, 562, 563, 564, 565, 566, 567, 568, 569, 570, 571, 572, 573, 574, 575, 576, 577, 578, 579, 580, 581, 582, 583, 584, 585, 586, 587, 588, 589, 590, 591, 592, 593, 594, 595, 596, 597, 598, 599, 600, 601, 602, 603, 604, 605, 606, 607, 608, 609, 610, 611, 612, 613, 614, 615, 616, 617, 618, 619, 620, 621, 622, 623, 624, 625, 626, 627, 628, 629, 630, 631, 632, 633, 634, 635, 636, 637, 638, 639, 640, 641, 642, 643, 644, 645, 646, 647, 648, 649, 650, 651, 652, 653, 654, 655, 656, 657, 658, 659, 660, 661, 662, 663, 664, 665, 666, 667, 668, 669, 670, 671, 672, 673, 674, 675, 676, 677, 678, 679, 680, 681, 682, 683, 684, 685, 686, 687, 688, 689, 690, 691, 692, 693, 694, 695, 696, 697, 698, 699, 700, 701, 702, 703, 704, 705, 706, 707, 708, 709, 710, 711, 712, 713, 714, 715, 716, 717, 718, 719, 720, 721, 722, 723, 724, 725, 726, 727, 728, 729, 730, 731, 732, 733, 734, 735, 736, 737, 738, 739, 740, 741, 742, 743, 744, 745, 746, 747, 748, 749, 750, 751, 752, 753, 754, 755, 756, 757, 758, 759, 760, 761, 762, 763, 764, 765, 766, 767, 768, 769, 770, 771, 772, 773, 774, 775, 776, 777, 778, 779, 780, 781, 782, 783, 784, 785, 786, 787, 788, 789, 790, 791, 792, 793, 794, 795, 796, 797, 798, 799, 800, 801, 802, 803, 804, 805, 806, 807, 808, 809, 810, 811, 812, 813, 814, 815, 816, 817, 818, 819, 820, 821, 822, 823, 824, 825, 826, 827, 828, 829, 830, 831, 832, 833, 834, 835, 836, 837, 838, 839, 840, 8

2-11-1941

سنة ١٢٠٤ هـ

Handwritten signature: *Handwritten signature*

11/11/11

*[Handwritten signature]*

*[Handwritten signature]*

مجلس ۱۰۰

۱۲۱

۱۰۰

١٠٠٠

1891

Handwritten signature: *W. J. ...*

11/12/1919

١٠٠

1870



















و هر کس در مجلس برده خردا سر و متوجه کثرت در مجلس نیاید به موجب کلام خدا که گفته اند قطره قطره منبسط خواند شود و اگر سر در نشاند آید  
به مجلس خزانده و غفلت نمیشود و به فکر و معلوم نمود و شایسته مجلس بود بلکه بعضی استادیان این سینه را در از حضرت شیخ علیایه و دیگر  
رسمی و جمعی از اهل تاج و تخت یکبار در مجلس و چهار بار در مقام آید این است و این را به رسم و عادت از آن حضرت نقل کرده است

[illegible]

افزونند اما اگر یک یا دو در آن در مجلس حاضر نباشد و مطبل را ج. با وزیر باشد بنا بر عنوان شود تا خود یا مست را در که مست را  
 او دارد بجهت شترال و جواب در مجلس حضور هر سه نفر اگر کسی از آن در زیر که باشد عضو مجلس حضور آن وزیر یا مست را و حق  
 لشکر و آن مسئله نخواهد داشت

فرجه چهاردهم اگر طبل در ظرف نباشد یا درین مجلس شود ارجح شود باید هفت طبل و هفت مجلس در آن خواند آن طبل را  
نمایند بر فرض که تمام بقا حاضر نباشند اگر و کثرت در آنجا حضور نیابند باید در آن خواند اما هر سازه آن اگر کمتر از شش حاضر  
باشند آن طبل مطوع نه اگره بخواند

قصر پانزدهم و شصت گنبد به تمام کجاست و در ابدت رجب المهر رایت و ضبط نام -

فقرت نزدیم که غریبا و غریزه عهد که طاعت باشد و بریق غایبه که احکام و زینت مبرر آفریننده  
و سایرین و هر سکه آن نوشته قرائت میشود باید سکوت غایبه

مطهر حرمین شود و کس غرض عقیده خود را در آن باب اظهار دارد قطع حرف ادعا نیست و کفایت میرسد  
گفت است تا آنحضرت را من الغیر خود را اظهار نماید

فصل پنجم اگر از رضا کسر شد خود دستور بشوندات خود چه ر پندار از آنکه ششونات او گشت باغ خوش و به  
نایب کشمیر مجلس فرمود سپید حفر بر لب انهار که ساریان عرض خواهد نمود و جز آن بی جهت است بربار باران

نور نوزدهم لواج مستلحه بعد این عاصه و شیطیات باید بعد از طبع یا نوشته شود که آنها با فرخت کام و دهنه از خود  
در آن به نظر نمانند و در حاشیه آن لفظ را در کشفه و آن را لکجه را از جناب نوشیده دارند

نقشه بیستم خدام مجلس شورای اید مرقه ای و نیز بانه و کوزه خانه و مسکن و کتخ و کتخ باشند که از مجلس شاهی نشانی  
و دستور باند

معمول است و کج حرکت در خلفا تهر از اهرام مصر را نشان می‌دهد. بعد از تحقیق و بسط قیاس اگر فرض بر این باشد  
و شود شیء خارج از اجسام است و اگر بسیار قطع برآورده و تهر شود منقول مجری سر خواجه و اگر کمانج بعد از خیال غیر خواجه

صحت کرد و در ششها نشانات ذکر لفظ می شود و در صورتی که در صورت علیها باشد مکانات او در غل از حضرت محبت است  
ضبط وقت و ترتیب و تنظیم نوشته است از هر قدر که راجع به هر مورد باشد تا نفعی مخصوص دارد که اگر اراده آن را برادر دارد

[illegible]

۱۲۰۰  
 ۱۲۰۱  
 ۱۲۰۲  
 ۱۲۰۳  
 ۱۲۰۴  
 ۱۲۰۵  
 ۱۲۰۶  
 ۱۲۰۷  
 ۱۲۰۸  
 ۱۲۰۹  
 ۱۲۱۰  
 ۱۲۱۱  
 ۱۲۱۲  
 ۱۲۱۳  
 ۱۲۱۴  
 ۱۲۱۵  
 ۱۲۱۶  
 ۱۲۱۷  
 ۱۲۱۸  
 ۱۲۱۹  
 ۱۲۲۰  
 ۱۲۲۱  
 ۱۲۲۲  
 ۱۲۲۳  
 ۱۲۲۴  
 ۱۲۲۵  
 ۱۲۲۶  
 ۱۲۲۷  
 ۱۲۲۸  
 ۱۲۲۹  
 ۱۲۳۰  
 ۱۲۳۱  
 ۱۲۳۲  
 ۱۲۳۳  
 ۱۲۳۴  
 ۱۲۳۵  
 ۱۲۳۶  
 ۱۲۳۷  
 ۱۲۳۸  
 ۱۲۳۹  
 ۱۲۴۰  
 ۱۲۴۱  
 ۱۲۴۲  
 ۱۲۴۳  
 ۱۲۴۴  
 ۱۲۴۵  
 ۱۲۴۶  
 ۱۲۴۷  
 ۱۲۴۸  
 ۱۲۴۹  
 ۱۲۵۰  
 ۱۲۵۱  
 ۱۲۵۲  
 ۱۲۵۳  
 ۱۲۵۴  
 ۱۲۵۵  
 ۱۲۵۶  
 ۱۲۵۷  
 ۱۲۵۸  
 ۱۲۵۹  
 ۱۲۶۰  
 ۱۲۶۱  
 ۱۲۶۲  
 ۱۲۶۳  
 ۱۲۶۴  
 ۱۲۶۵  
 ۱۲۶۶  
 ۱۲۶۷  
 ۱۲۶۸  
 ۱۲۶۹  
 ۱۲۷۰  
 ۱۲۷۱  
 ۱۲۷۲  
 ۱۲۷۳  
 ۱۲۷۴  
 ۱۲۷۵  
 ۱۲۷۶  
 ۱۲۷۷  
 ۱۲۷۸  
 ۱۲۷۹  
 ۱۲۸۰  
 ۱۲۸۱  
 ۱۲۸۲  
 ۱۲۸۳  
 ۱۲۸۴  
 ۱۲۸۵  
 ۱۲۸۶  
 ۱۲۸۷  
 ۱۲۸۸  
 ۱۲۸۹  
 ۱۲۹۰  
 ۱۲۹۱  
 ۱۲۹۲  
 ۱۲۹۳  
 ۱۲۹۴  
 ۱۲۹۵  
 ۱۲۹۶  
 ۱۲۹۷  
 ۱۲۹۸  
 ۱۲۹۹  
 ۱۳۰۰

در شهر کربلا  
در روز دوشنبه  
در ماه رجب  
در سال ۱۲۰۰

1870



























[illegible]







Handwritten text in the right margin of page 499.















و در این روش هم هر که که گشتی شود مصادف طرب که در ترکیات کبریا بن خبیب الله زواج خود در محله زاید کبریا خواهد بود  
 منصرف به خدای بلام که سرست که در ایافت شود و در یک شرفه و جنوبا بهینه ط فی دله ذکر به از اسکنه هر میشود آری که  
 بسد کم و نهمیش چشمه است ابتداء







100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150 151 152 153 154 155 156 157 158 159 160 161 162 163 164 165 166 167 168 169 170 171 172 173 174 175 176 177 178 179 180 181 182 183 184 185 186 187 188 189 190 191 192 193 194 195 196 197 198 199 200



100  
101  
102  
103  
104  
105  
106  
107  
108  
109  
110  
111  
112  
113  
114  
115  
116  
117  
118  
119  
120  
121  
122  
123  
124  
125  
126  
127  
128  
129  
130  
131  
132  
133  
134  
135  
136  
137  
138  
139  
140  
141  
142  
143  
144  
145  
146  
147  
148  
149  
150  
151  
152  
153  
154  
155  
156  
157  
158  
159  
160  
161  
162  
163  
164  
165  
166  
167  
168  
169  
170  
171  
172  
173  
174  
175  
176  
177  
178  
179  
180  
181  
182  
183  
184  
185  
186  
187  
188  
189  
190  
191  
192  
193  
194  
195  
196  
197  
198  
199  
200



























بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
النبی المصطفی

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين































برک کلاهک این برک در طرف شرقی بر شال میزنم و در هر روز ده بار تکرار آن را بکنم

برکاتی شریف آید بدای کرد آید گفتن هیچ

برک آید این برک در طرف شرقی میزنم و در هر روز ده بار تکرار آن را بکنم

از ابتلا است آید از ابتلا کلاهک آید از ابتلا کلاهک آید

برک کلاهک این برک در طرف شرقی میزنم و در هر روز ده بار تکرار آن را بکنم

کلاهک هیچ

برک کلاهک این برک در طرف شرقی میزنم و در هر روز ده بار تکرار آن را بکنم

از ابتلا است آید از ابتلا کلاهک آید از ابتلا کلاهک آید

برک و در هر روز

برک کلاهک این برک در طرف شرقی میزنم و در هر روز ده بار تکرار آن را بکنم

برک و در هر روز

برک کلاهک این برک در طرف شرقی میزنم و در هر روز ده بار تکرار آن را بکنم

برک قباب صحر

برک قباب صحر این برک در طرف شرقی میزنم و در هر روز ده بار تکرار آن را بکنم

برک قباب صحر این برک در طرف شرقی میزنم و در هر روز ده بار تکرار آن را بکنم

سان و قبال

سان و قبال این برک در طرف شرقی میزنم و در هر روز ده بار تکرار آن را بکنم

برک قباب صحر

برک قباب صحر این برک در طرف شرقی میزنم و در هر روز ده بار تکرار آن را بکنم











121

122



110

111



111

112







که اغلب در وقت با یکدیگر سادی و برابر باشند همیشه در انحصار و مجاورت بعضی با یکدیگر خوار  
 و پیریز فرستاده و با اکثر حرات یا ایالت ضعیف را فایس خورشان عایم و با جز قرار میدهند  
 و طرفین آن حرات یا ایالت کوچک را کف جدار می کشند که عایم بحال خود باشد و در قرار اند  
 مشاء بزرگ و سپس و فلان و دانا مارک در وقت ششاه فرنگ نژاد شر که به طریقه  
 بعضی از شهر و ناحیه بیطرف و بیعتیه شهر حرات ضعیف عایم فایس حرات منقطع قریه المانی و بعضی  
 و فرانس و در سر مستند بهین جهت باقیه در قرار مانده اند و در طرف مشرق فرنگ قتلای  
 و بغداد و بخارستان و مرستان و یونان و مصر پس حرات شام و اطیش و روس می باشند  
 در آسیا افغانستان و در شهر بیطرف فاصه ترکستان منتهی فرانس و چین بود در فریق  
 تونس را در شهر بیطرف عایم مابین الجزائر فرانسه و مصر فاصات از بقایای خانه قرار  
 داده بودند و بعد از تصرف نموده فرانسه آنرا عالمان و کمال طریقه پلیس و در باب طبع و دانش  
 که چه گفتگو بر فاصات و بعد از فرانسه متزلزل بکجه زبان تصرف خود نادم است و نظایر مثال  
 این خرات بسیار دیده در متون کتب و اوراق تواریخ و جغرافیه و درج است که اگر بماند آن  
 پروایم در مقصود صبح خود باز می بینم پس رجوع بطلب نموده مگویم یا باید متعرف تصحیح کنیم  
 و کفایت و تدبیر حرات فرنگ یا باید انکار نمود در صورت اولی باید بقتل آنها که در حرات  
 تا نور باید اجتناب مخصوص جدا گانه نمود که در یکسر و اکثر و کثرت و جبره اگر به نظر که فقط  
 نشانده آن رسوم و کواب عدالت و فایده و تحقیق بر آن مترتب نیست با جده هر تعلیم  
 فرنگها را می کشیم و عدم تناسب را ملحوظ نموده در این چاره و سامان پیشکش که لازم و مهم و  
 نافع است بر آن خواهر سر رفته و در پیر و آنها تا به نایم اگر بگویند کار از دست رفته وقت  
 گذشته شده است جواب حرفی بکنم را نیست و در رسم و چارچین شده است عظمی نقص  
 و تعبد قبول و گفتن اما و زمان عرض کو قبول نموده ضرر را از هر یک بگیر منفعت است پس اگر  
 بتعلیم

و بعضی فایس مستند فایس عایم و فایس حرات است و اگر در آن

بتعلیم فرنگها مستند باشیم و احوال آنها را صحیح و ایم حاصل و عایم پس حرات از آنکه قریه یا ضعیف کار لازم  
 و ثبات حتمی است و اگر بخواهیم اجتناب کنیم و خود ما شر تحقیق مطالب و سامان شویم می بینیم که در برابر ما جزو خاک  
 و چمناب از مجاورت با بعضی با حرات حلیه قویه اندم پس ختم است زیرا که اربع ملت نیز المانی ایران و  
 مذمت شیخ از بیعیع المانی و در زمین و از اغلب سیرمان نهیب دیگر بتعلیم و تدبیر مایه و دختر ترند و جواب  
 مارک که از طرف دریا چهار ساخت راه با فرنگ دارند و مدت تمام در مجاورت بهیچ وجه و الی و بعضی  
 لباس و عادات و رسوم و مذاهب ندانند و عثمانها که در قلب فرنگ افتند و هر چهار سوت و بنا که  
 اسلام قبول شده سکنا دارند و جز مصر و اندک آنها باقیه همه همان عثمانها را با طایفه خوار خوار میباشند و از آن  
 تقریباً هزار و شصت سال است در تحت سلطنت حجم و تابع رویها و دیوانها و جواب و اترک و صقالیه  
 و روس بوده هستند و سبزه زبان را مانده اند و می شنند بر قذف المانی ایران که بعضی اتفاق بکنند  
 عتبات عیالات در جهت خدا یک فتنه شامه بکشد و در حقیقت بگریزند و در قوس قبر برکت  
 گرفته بکجه زبان خود را که کرده تعلیم جواب را فهمید رعیت گردشاند و در بعضی امور را دیدم و این حال  
 همسایه باروس سلاطین و تقییم مرسوم و معمول ایران را که رکن داشته با دست سلام میدهند و در برابر  
 نور بخرد که روسها آمده بودند و سبزه زبان بخردند و سبزه زبان فروش و بکجه سبزه زبان می کشند و تدبیر این  
 مطلب است شکی نیست که در پیش بید بهر سبزه زبان به هیچ قدر نیست که اینقدر شغبها مختلف بهر اگر باشد  
 و برابر تقییم عقاید و دین حاضر باشد کدام بود در از قبیل مسلمان شده کدام از غیر بود و است اضطراب و ترس  
 قبول نموده است اگر چه ام میر تقییر وضع را بعضی لها هر نقوت شعیه و اگر ایران می باشد  
 آنرا نصف نفیر و قتل تعصب آنها نیست میدم و در هر حال حاضر بود این وقت بتغییر وضع آنها  
 میر آنها بطرف همایست خاصه همایه قور و از در خرد نامت نه که قور ضعیف را جاز است  
 و ضعیف بحالت قور خراب پس برار حاکم بر ام میر و فایس از آن خوراک و باید رعیت  
 ایران را از نا تسبر مملکت مانع بود و اگر این را مکنر باشد باید نش و وضع طریقه کرد که رعیت



































































[illegible][illegible]

1954

دیده ملاقات نمود استر ادر او دیده نظام پنجیک برتت نیمه نوزدهم یک رنگه صادق بنام من بر نوزدهم من بر  
نیمه نوزدهم من بر نوزدهم و من بر نوزدهم من بر نوزدهم و من بر نوزدهم من بر نوزدهم و من بر نوزدهم من بر نوزدهم  
که در این امر من بر نوزدهم و من بر نوزدهم من بر نوزدهم و من بر نوزدهم من بر نوزدهم و من بر نوزدهم من بر نوزدهم  
عمر او نوزدهم و من بر نوزدهم و من بر نوزدهم و من بر نوزدهم و من بر نوزدهم و من بر نوزدهم و من بر نوزدهم و من بر نوزدهم

[illegible][illegible]



































































مقالہ منظرِ انزویہ ہے قانونِ حکم و برکتِ مسلم

مقتادہ منطوق امر ہے جسے قانون پر حکم ہو چکا ہو

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰



یک سال باعتبار سیصد و شصت و شش روز عبارت از هشت هزار و هفتصد و هشتاد و چهار ساعت که مساوی یک کروز و بیست و هفت هزار و چهل دقیقه یا شصت و شش کروز و بیست و دو هزار و دویست و چهار صد ثانیه است هرگاه تمامی مالیات ایران عبارت از ده کروز و سی و یک باشد در هر ثانیه سی و چهار شاهی و کسری عاید خزانه ملیه میشود

خداوند خدای عالم  
در هر روز یک کروز و بیست و هفت هزار و چهل دقیقه  
یا شصت و شش کروز و بیست و دو هزار و دویست و چهار صد ثانیه  
است

مقدور بود مردم بهر صورت بخواهند که بهر طرف دیگر از آن که در آن طرف است  
در هر روز یک کروز و بیست و هفت هزار و چهل دقیقه یا شصت و شش کروز و بیست و دو هزار و دویست و چهار صد ثانیه است  
هرگاه تمامی مالیات ایران عبارت از ده کروز و سی و یک باشد در هر ثانیه سی و چهار شاهی و کسری عاید خزانه ملیه میشود

در هر روز یک کروز و بیست و هفت هزار و چهل دقیقه یا شصت و شش کروز و بیست و دو هزار و دویست و چهار صد ثانیه است  
هرگاه تمامی مالیات ایران عبارت از ده کروز و سی و یک باشد در هر ثانیه سی و چهار شاهی و کسری عاید خزانه ملیه میشود

در هر روز یک کروز و بیست و هفت هزار و چهل دقیقه یا شصت و شش کروز و بیست و دو هزار و دویست و چهار صد ثانیه است  
هرگاه تمامی مالیات ایران عبارت از ده کروز و سی و یک باشد در هر ثانیه سی و چهار شاهی و کسری عاید خزانه ملیه میشود

در هر روز یک کروز و بیست و هفت هزار و چهل دقیقه یا شصت و شش کروز و بیست و دو هزار و دویست و چهار صد ثانیه است  
هرگاه تمامی مالیات ایران عبارت از ده کروز و سی و یک باشد در هر ثانیه سی و چهار شاهی و کسری عاید خزانه ملیه میشود











شوق گیرند که نیست کمتر از دانه و بیشتر از صد قران و در این است که از روز و اگر خود معصی هزار قران رسم بدارد بکشت دریا  
که اگر کوفت جزا است خنده بطلب که بیشتر از آن که است از محراب شود و این قسم بدهد را با دیگر تقوی رهنی را  
فرمود و در هر یک روز دانه روز دانه است

صفت نهم هر نوع و صیحات که مردم در مطب بکشت است و تقوی رهنی را بخواند و پس بکشد و است که  
بطلب خاطر بهر آن که نیست باقیه ۴  
۱۳۹ صفت مظهر ۱۳۹



140

141

142



opp

opp







opv

opv











off

off







opv

opv



249

249















برای اولین بار

مفتی

الحمد لله الذي جعلنا من عباده  
الذين هم خير خلقه

خطه درق  
ایمیر سادات فخری  
احمد علی خان  
کلیان کیمبر ویداد است خضر قلم بهر لاله

لله اعلم  
سپاه مهر که عجب  
عزیز را زین محو چرخ بود  
در دهر بخت و بدست

خطه درق  
ایمیر سادات فخری  
احمد علی خان  
کلیان کیمبر ویداد است خضر قلم بهر لاله

[illegible]























[illegible][illegible]











250

251























[illegible][illegible]







[illegible]

قریب سن  
 سولہ سال  
 مریض  
 ۱۱

[illegible][illegible][illegible][illegible]

۵۴) در زمان حال و در وقت که هم

[illegible][illegible][illegible][illegible]

۲۰

مجلس  
عالمه در آن  
فصله ریون  
در آن  
و این  
و این  
و این





















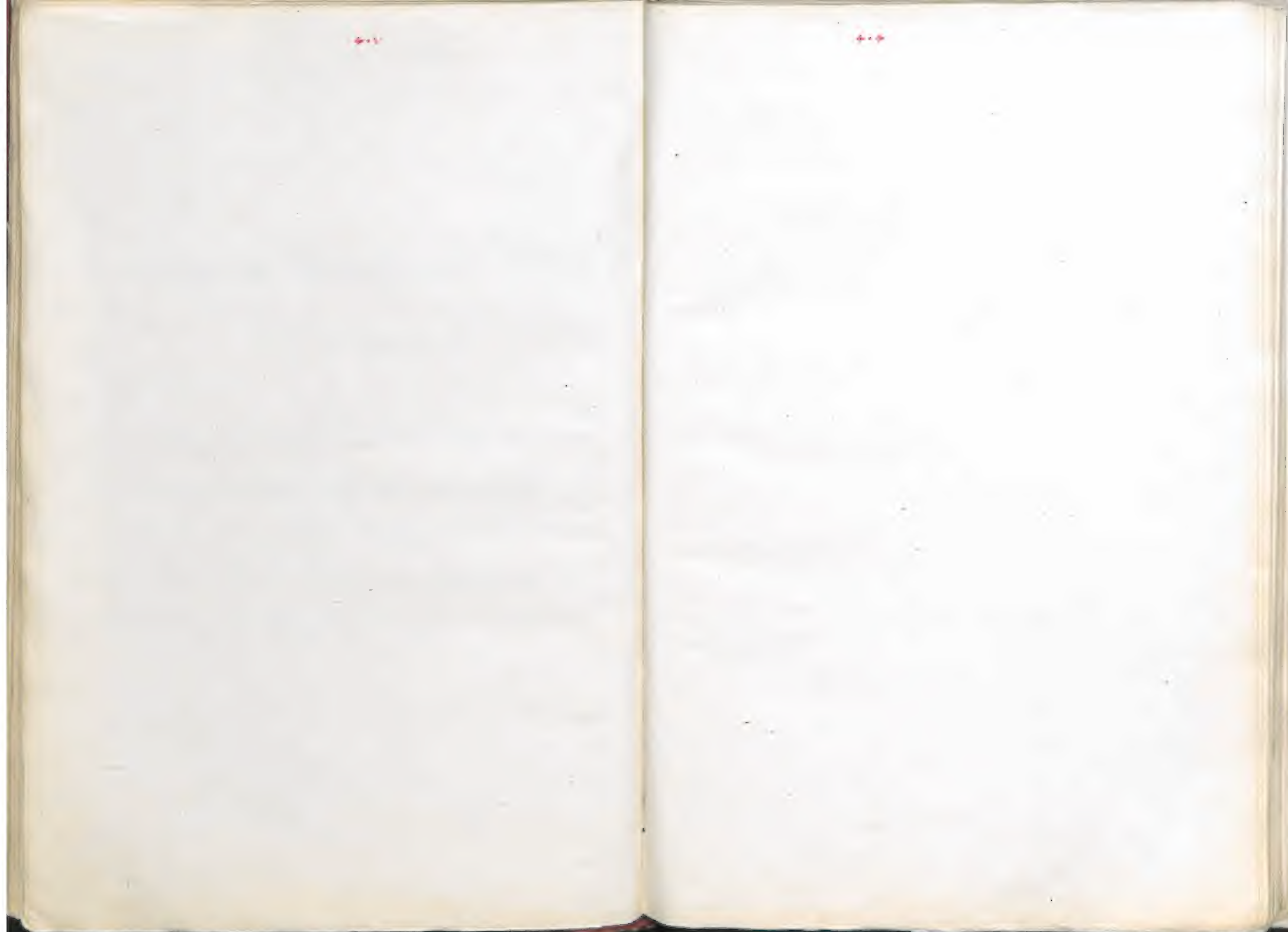














وَدَلَّ عَلَى كَذَلِكَ لَمْ يَخْلُصْ لَدُنَّكُمْ وَبِئْسَ مَا كُنْتُمْ تَفْعَلُونَ

فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا

فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا

فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا  
فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا  
فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا  
فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا  
فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا  
فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا  
فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا  
فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا  
فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا  
فَمَنْ كَرِهَ لَكُمْ شَيْئًا فَاصْنَاهُ حَسَنًا مَقْرُونًا



مورث فرمای است که ملاک کبریا در حق تعالی مقرر می شود و ملاک کبریا در حق تعالی مقرر می شود

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تعالى

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود

المؤید بتأیید الملاک الجبار

کیوریت بن عیسی بن اسحاق

بسم الله الرحمن الرحیم  
مورث فرمای است که ملاک کبریا در حق تعالی مقرر می شود و ملاک کبریا در حق تعالی مقرر می شود  
تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق  
بسم الله الرحمن الرحیم  
مورث فرمای است که ملاک کبریا در حق تعالی مقرر می شود و ملاک کبریا در حق تعالی مقرر می شود  
تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق  
تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

آن صریح فتوی و وثیقه این باب انچه از حق تعالی است بقدر بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا  
شیخ مشارالیه باید که در حمایت و زراعت انچه از حق تعالی است بقدر بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا  
آنچه مقدم بر باشد خدمت صادر و واریه قیام نماید تا در حق تعالی بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا  
بدین عمل آمده و تخلف جایز ندارد تا در حق تعالی بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا  
بدین عمل آمده و تخلف جایز ندارد تا در حق تعالی بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا

کتاب الاثر العالی اعلى الله تعالی و قد الله تعالی و قد الله تعالی و قد الله تعالی  
سنة ثانی و سبعین و ثمانمائة الهجرية  
رب اعظم بالحدود والاقبال

بسم الله الرحمن الرحیم  
مورث فرمای است که ملاک کبریا در حق تعالی مقرر می شود و ملاک کبریا در حق تعالی مقرر می شود

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق

تخافون الله والنفی ولا تخافون على الاشهر والحدود  
المؤید بتأیید الملاک الجبار  
کیوریت بن عیسی بن اسحاق































































تاریخ قتل و...

کتابت از...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...

تاریخ...









بر سر صوفی و آفات و بیکار روی فرقه است  
 چتر عیادت تن لوده لوط و هر لوط مصروف آید در دلاکسته جای فرخ و غم بریزد است  
 به آرزوشت که در کتب هیچ اگر ملاحظه هر لوط بجز دست و سر و رنج است و نمود  
 و خانه و باغ فرزند و خیر

خفته راهی از و کسب و گشتند و سروده شجارتی فغان کسب و از و با بر قمار نمایند و از این راه نام











بقیعت و نجات آن بخت فراهین روس و انگلیس در خواب گرفت و از آن گریزی نیست اما ممکن است  
درینوقت دولت انگلیس بعضی کمزریها و غماها نماید و بدین ترتیب تا زود جدا جدا عقب نشینی میکند  
و هست که زمان جدا جدا که هر دو روس و انگلیس هر دو پس میزنند و جدا جدا میشوند  
و اینست و خدا را مدد که بعد از اینستغال نایره قتل قح و طوفان که در آن رانجیب و قهر و خشم  
و نفوذ است که اگر روس مغرب شود چندان برای او بد نخواهد شد و ناخوشی و علاج ناپذیر نخواهد بود  
و نهایت کار او این است که بسر حد است حالیه خود برگشت نماید و طایفه تبعه در آن  
در حالت طاعت نگاه دارد و مانع طغیان آنها نکند اما اگر دولت انگلیس در حد فغانستان  
و در میان فغانه که همواره قریب به هزار روستاها و دهها ده را در دل دارد و شهرهای خود را  
چگونه عنوان تصور کند آیا غیر از این است که تمام مملکت هندوستان که انگلیس را ملک عالم و صاحب  
خود میداند در آن دولت نویده و در پست یا غیر بر او تسلط کرده و سلطنت انگلیس را در پست با خود  
بدست روال و فغانه دارد پس چنانکه در حال سکونت گفتیم شدت دولت انگلیس  
در روس بندهای فغانه در آنست

برای نریز بصیرت و فهم دقیق و دلاوری عظیم لازم است در هر پیش رفتن و پس رفتن

بعضی تحقیقات بعد از این و بعد از آن وضع هر یک از چنین انگلیس را در ملک متعلقه خود  
معلوم نماید و بخت فغانه بیان کنیم بغیر وضع دولت روس را در آسیای مرکزی شرح بدهم و وضع در آن  
در پند بین ما

قیمت دیوارهای ملک روس که سطح آن مساوی حدود ده کیلومتر مربع است در وقت آب و یاری  
وضع بسیار خوب دارد و دهانه های بزرگ از شمال جنوب و از شرق مغرب جاری است  
و بعد از آن دهانه ها بسیار و قناری کشتی را می پاشد و بدینا می که در هر سکه سواران را حاطه میزند  
و این سبب از این دیوارها نیست که در آن هر جا سفر ممکن باشد در بای فغانه بیشتر  
در اوقات سال در حالت خفاست و آه و نه سفینه در آن نیست و در بای با سبب  
نظامی کاکات و سور و بت بزرگ و بت کوچک مدتهاست و که یکدیگر میکنند و در  
بنار که در نزد سوارانند و بقایا و غیره سفینه روس را می پاشد و بخت فغانه را در آن  
و در آن خرابی در وضع دیوارهاست که در هر طرف حصار دارد و حاطه کرده است و باید و نیست که در  
طبیعی همیشه مدخلت عمده در تنگ بر او را روس داشته است و در آن روس را در  
ترقی و غنای خود سعی گما در ملک این دیوارها نموده و بعد از آن در صورت و در دیوارها



بات مویرجات کرده و سرخس که غنایها را از مدبر بحر اسی خارج ساخته و بطرف سیاه  
تا عهد بطر کسرت روس اندامه قتل و تربیت اروپا خارج و بدولت بسیار بیشتر شده  
تا بدولت سرخس و قتل و قتل روس در آن واحد است که بر طرف جمع  
در عالم قتل لایق خارج بعد است <sup>بزرگوار که در آنکس عرب سینه</sup> و خارج شک کرده و نیت الکبری حق است و دست سی کلت  
نرشته و در زمان قتل با به این ملک محکوم حکم نهانته بنا بر این از قتل لایق و بجم  
رویت الکبری که ساعد استقلال ملوک محوم و به بهره ماند مملکت و کنت روس را  
و خبر و به این نهانته و از وجه او غایب نهانته تا و قس که در آن روس نهانته اما نهانته  
و به این نهانته نهانته تمام مملکت عیسوی از شهرت و نام خود برخت و حیت  
قدر او با صفا و کنت ریده برودی همه طالب تنگ با روس گردیده و مفضل و نهانته  
مغلوب نهانته نهانته خود و نهانته نهانته

دست روس ابتدا از طرف مغرب سرقت مملکت خود را می نمود و بدولت بسیار بزرگ  
لایق و قتل و لایق و از طرف شرق و مملکت روس از طرف شمال با بحر  
و قتل و دریا خنرباط یافت این نهانته نهانته کسرت اما کسرت نهانته

بخت رود و نهانته نهانته و دایره تصرفات بحر و به دست داد و قتل  
عمو کرده سرقتات طبعی ایران را غلبه برد قتل و لایق نهانته نهانته که  
در صحنی او را نهانته قتل نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته  
بطر کسرت و کسرت نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته  
مغلوب نهانته و در چارخانات نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته  
تجارت لایق بسیار پیدا کرده و به دست و نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته  
پر تر غایب نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته  
دیده باید از بهای نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته  
مغلوب نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته

راهها سرقت نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته  
نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته  
و ایران و قتل و کسرت نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته  
شهرت نهانته نهانته و قدرت و نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته نهانته



پسند آورده از مشرق زمین را بدو در راه و از قاصد میگردند

راه مانوی پند و ستان آن است که ملاقات و حله و فرات کشف کعبه قوافل  
نمود و با خبر یافت بگردند و بارهای قیمتی از شرق و غرب با این آمده و از قاصد  
میباشد و در دیرهای عربستان در راه با رفته که گمانال نیز سترش که منزله گمانال بویافته  
بعد بدیر با سر منبرانه میرسد

اسکندر بکیر که از راه لریک و میرات و کامبر و کنگه خبر برده پسندیده قصدی چون  
نزدت که راه ایران از انصرف تو چه این ملک را وحشی بدست و فرض  
که اما قطع راه پند و ستان را و در بارها میاید و برای حفظ قوادر از زندان غارت  
قطع طریق بیابان بعد که پادشاه مقدونیه لشکر بر سر طرابلس ایستاد و بنی یهودی سخن  
و چون کشید اسکندر برای تسهیل راه داده و معاهده حکم کرد یکدست گشتی برای بحر خزرانه  
و در راههای که مشغول کرده بود بلاد اسکندریه و بطر و مدینه را بنا نهاد

بعد از آنکه از طرف جنوب سفیر زبیده الکبری متعه بسیار را از راه فتح عربستان  
به روم میبرد پس از آن عراب را از کفر فاصله داشت فایده این تبارت یافته

بعد از کربلا نه تاخت و تاز و غارت و مغول سیلاب روال قبایل عرب است  
قول محمد از راه مصر باشد فرستند و آنچه بدین راه باعث ثروت جمهوری  
شیراز و بویگر که به نگاه بسیدیم با بندای ماه با نفع هم میبرد اما مالک فرست  
به تهر که بعد که سعی بعد و کوشش میفکند که از تبارت پند و ستان غارت  
و طایفه که تا از زمان مدافع در شمال ایستاده بودند شنیدند الوقت به طاعت و رت دریا  
اما ملک خود شنیدند را بر بند و یا سمب پند باز و برقرار کردند در میان  
بر توغایها راه پند و ستان را پیدا کردند شخص مرسوم با رطلی و در خیال  
که در کشی نشسته در جزیره خاک و بقیع بود که در آنجا پند رده و درین بنا که کشف  
کتاب که از راه این بود نه از آن جرم پلست و بر توغای آن در مرقم تر بعضی ادب سینه  
که ریشک کتب یکت از روی مولد و مقایسه با مالک که در آن سکنی داریم و میباشیم  
منعه که از طرف دیای میخط که که با آواز اینهاست تصور میباشیم باید ماک و چه نوشته  
تقدیمهای مشرق آسیا و در هر حال اگر با و اما تحت مغرب گشتی را از نمایم  
خواهم رسید آن پادشاه کوش با قوال اندوده در رطلی و باز در راه نهاد و تا



توانست از کتاب در اسبید نظری بر هیچ حال بعد واسکوگانا از دینغه  
 طوفان که غالباً کاب وین پراش معروف است و مالدارا اسبید گویم عبور کرده  
 سفایر بر توغال را بپند خود و علاج معروف ابو کرک نام منقش است این راه  
 در باب المذهب و سقوط و سقوط و بهر مورد و بقدره کتبها مات قرار دارد و ناظران  
 کشید که اقدار بر توغالیها رو بترل نهاد و ابتدا ایلانیهای جای آنها را گرفتند بعد از کتبها  
 رسید یافته تجارت پند را ملک نمیداد و بهر جهت تجارت مغرب و شرقی بیکدیگر  
 و سایر مملکتها از آنها را از آنها پند و نیز وادویه نقدیه بسیار معین کار است و نکشید  
 بالا گرفته عده سفایر تبار از آنها بازگشته و حیدر الطارق دست این در اسبید قرار  
 مریدان را در غنای قرار داده اماکن در نوبت بنگاه و مخدحات کتبی و کتبی گردید  
 بزرگانی مدید در اسبید قرار فراموش راه کانال مویر بار شده و بند وستان جاده جدید  
 بهرینه و راه کاب نزدیک است از وقت و است کتبهای خرابی است و قبرستان  
 عدنان و بریم را در تصرف است و از آنها ابر سفایر خود را را وادویه قرار دارد و ناظران  
 شمال را بهای دیگر که در یک زمان در آن راهها آمد و رفت میکرد و پند

سقوطها تا است که  
 صبر و قوی را از آنجا

مراوده و شست و بهر طور که در اسبید که پند از راه مراوده و احمد و آنرا و برقرار دارد  
 و برای حصول این قصد و دفع غایب را بهرانی و قطع طریق در مکانی که قتل و سران عبور نمیداد  
 و است روس را در دین که بهر مملکت جدید و پر دلا و آنها را خیمه کشیدند و خیمه  
 در آن بین مروج معروف تبار را در دین و دین را بهر مملکت جدید و پر دلا و آنها را خیمه کشیدند و خیمه  
 از چگون خیمه را این راه میرسانید و چگون از وقت به چگون بدید و خیمه کشیدند و خیمه  
 در این چگون بر طغان کشی را از کرده و چگون که در حقیقت تعلیم است و بهر مملکت جدید و پر دلا و آنها را خیمه کشیدند و خیمه  
 میریزد و غایت الامر و در دین سیاه میشود  
 و چگون در دین الف با هم در طرف جنوب گراس و و سنگ بدید و خیمه کشیدند و خیمه  
 در مملکت غیر در سطح کرده در این راه میرسانید و چگون از وقت به چگون بدید و خیمه کشیدند و خیمه  
 کا میرود که در حقیقت تعلیم است و بهر مملکت جدید و پر دلا و آنها را خیمه کشیدند و خیمه  
 در دین الف با هم در طرف جنوب گراس و و سنگ بدید و خیمه کشیدند و خیمه  
 غیر دین الف با هم در طرف جنوب گراس و و سنگ بدید و خیمه کشیدند و خیمه  
 و گها بالا برده و در دین الف با هم در طرف جنوب گراس و و سنگ بدید و خیمه کشیدند و خیمه

بین در دین الف با هم  
 عبور می کند

در دین الف با هم  
 در دین الف با هم

در دین الف با هم  
 در دین الف با هم



وزانرا از روس با مشرق زمین رابطه حاصل نمود و تجارت روس از دو دو گانه با این آمده شهر خزر که  
در زمانه ده نوز و آنجا رسیده در آنجا که رسیده و بعد به سمت دیاجه که آل برانند و از آنجا  
دو و راه که از آنجا که به خاک چین درودی کردند در آنجا که به بعضی دیگر از سال قبل و سه سال از آنجا که  
و در این خزر و بیابانهای خالی از آبادی خود را به چین رسانیدند و از این راه بود که تجارت هند و عرب  
و تجارت او خیزد و از این راه به شهر خازان و از آنجا که راه رفت و آنجا که رسیدند و تا جایی که توان  
شهر کوکرو میمانند و آنجا که را خیزد به کوکرو بزرگ و از آنجا که قبایل و از آنجا که گاه گاه  
قتل میبخشد

در آنکه زمانه که آسیا متوقف فایده عمل این رود بزرگ است و که گاه باشد شده باشد که  
بسیار که از این راه بدختر مملکت برسد ممکن است با آنکه از این فقره خیزد قطع گردیدند  
اما تاخت و ناز طایفه خول راه این بر لوده را قطع نمود و چیزی برای ملایق و غنایه که با کاشیها  
که از اینهای اقصای مشرق زمین

در آنکه از آنجا که تا چهار صد سال قبل باشد در آنجا که به نوز و آنجا که رسیده و بعد به سمت دیاجه که آل برانند و از آنجا  
دو و راه که از آنجا که به خاک چین درودی کردند در آنجا که به بعضی دیگر از سال قبل و سه سال از آنجا که

از آن که از آن و آنکه که به نوز و آنجا که رسیده و بعد به سمت دیاجه که آل برانند و از آنجا  
دو و راه که از آنجا که به خاک چین درودی کردند در آنجا که به بعضی دیگر از سال قبل و سه سال از آنجا که  
و در این خزر و بیابانهای خالی از آبادی خود را به چین رسانیدند و از این راه بود که تجارت هند و عرب  
و تجارت او خیزد و از این راه به شهر خازان و از آنجا که راه رفت و آنجا که رسیدند و تا جایی که توان  
شهر کوکرو میمانند و آنجا که را خیزد به کوکرو بزرگ و از آنجا که قبایل و از آنجا که گاه گاه  
قتل میبخشد

در آنکه زمانه که آسیا متوقف فایده عمل این رود بزرگ است و که گاه باشد شده باشد که  
بسیار که از این راه بدختر مملکت برسد ممکن است با آنکه از این فقره خیزد قطع گردیدند  
اما تاخت و ناز طایفه خول راه این بر لوده را قطع نمود و چیزی برای ملایق و غنایه که با کاشیها  
که از اینهای اقصای مشرق زمین

در آنکه از آنجا که تا چهار صد سال قبل باشد در آنجا که به نوز و آنجا که رسیده و بعد به سمت دیاجه که آل برانند و از آنجا  
دو و راه که از آنجا که به خاک چین درودی کردند در آنجا که به بعضی دیگر از سال قبل و سه سال از آنجا که  
و در این خزر و بیابانهای خالی از آبادی خود را به چین رسانیدند و از این راه بود که تجارت هند و عرب  
و تجارت او خیزد و از این راه به شهر خازان و از آنجا که راه رفت و آنجا که رسیدند و تا جایی که توان  
شهر کوکرو میمانند و آنجا که را خیزد به کوکرو بزرگ و از آنجا که قبایل و از آنجا که گاه گاه  
قتل میبخشد



بسیکتم غلبه اوقات فایده با غارت میکردند و این قریه که در پشتای واقع باین دریا می  
 خزر و دریاچه آرال و دریاچه جون جو اگر دی بماند خور و درخت صیانت خاين چو خفته  
 قرار داده با تاجار روس کجای خشم و غضب جنگ میکردند و سکه با سکه راه شرق چون در این  
 عبور نماید بر لب آفتاب راه را سد میساختند و از تاجار روس بچ گرفته اند و عبور با آنها سخت  
 است روس بوجو حایت و حریت نهایت خود فایده طلب میساخت باین احوال و در این  
 درخت اوقات خود در آنوقت در آنوقت تصرف نمود و از دهنه آرال با کوه آبی با پسین  
 و منوستان یک خطی از فوجات با کوه و آله با زره کوهها سد نمود در صورت ده سال پس  
 باطلایف ساکس در پشتای و صد حیرت واقع باین چون و چون در جنگ نمود و آخر الامر باین  
 انیت و تقاضا طرف دولت روس چاره جز این نماند که چهار مملکت را بشمارد و در آن  
 چهار مملکت یک جنوایت که در کتب است با چون گرفته تا بر سر کتاب ایران تمام نماند  
 و حیطه تصرف دارد و بعد از او باطلایف باین تین ساکس باین دریا می خزر و دریاچه آرال و در  
 حق حکمرانی میباشد

مملکت بفرقه قدیم است که در طرف شمال و دریاچه آرال واقع شده و باین مملکت باین چون و چون

نیکوستان یا بمرندلیا فته

مملکت سیم سمرقند است که در ساحل سیحون منطبق میباشد

مملکت چهارم بخارا است که با اولیستان سرحد همسرانه

روسها برای حصول این مقاصد مانع از اقدام مملکت نموده اند که جنگ سر است تا بدل عنوان شود  
 و سال کارها را پس انداخت و این تعطیل شده بود و در صورت زمان مذکور باطلایف با کوه آبی  
 و این سیاه و آلتا بر روسها حمله نمود و باینها صدمه و زاریت وارد آوردند

در این حال که دولت روس در پشت خور در آسیای مرکزی محروم ماند پرس که چاکف غور  
 و تعمق در تخریب آن فایده غرض خالات خود را بچند درشت کرد و آنرا ناسنه هزار و هشتصد و شصت  
 اجرای خالات در عهد تعویق ماند پرس که چاکف نه حر در نزد پشت رفت دولت روس  
 در آسیای مرکزی گفته و در ایام برای وجوب مملکت سنا از دولت اند که در حیرت

این در قریه باین مملکت (مقاله پرس که چاکف)

وضع دولت روس در آسیای مرکزی همان وضع در است که باطلایف باین تین سیم  
 میباشد و باطلایف حکومت نظمی دارند و چنین صورتی و با چنین مبادی باید در صلح نموده



















نمیتواند از آن قب نماید و در فغانستان مارا توشی از این جهت نخواهد بود زیرا که سبب از آنست  
تجربه کشیده ای جنب در ممالک را دارند

از قزاقان حایه در آن کشیس نیز از است و چون از قزاقان نیکو اند و بدست و با قزاقان  
از باید در داخله هندوستان بماند و حافظ نظم مملکت باشد بعد و به باید از مملکت غافل بود  
نرا که بکلی کشیس سبب به ضرر عظیم خواهد بود و به هر قدر بدیاری خرد که کمتریم بر وقت از قزاقان  
فرز پیش اظهار داشته اند که این کشی خطای که بر یک خواهد داشت و از آن خطرات را  
چنین نتایج خفایه ان خواهد یافتیم پس سبب که خطای ما قزاقانست از اوضاع که این  
بر خطرات اند و به موثر شوند باید در دولت مملکت که کباب است از جان خود بپزند و باید برادر  
شد باید اند که وقتی داخل فغانستان شد عاقبت از آنها اندویش خارج است یا غلبه  
بر خصم یا و اوضاع مملکت

مالغرض که فتح و نظایب باشد و به قزاقان و در نظرف هندو کش است از غلبه و شکست  
بکلی منقذ و معدوم شوند تقصیری بر کسی وارد نیست فعلا به عقیده هر که گفته اند از قزاقان این  
در جواب که با منقذ و سرانای با از ترسب و تحریص بر قتال نماید و با آنها اظهار که به سطر و دست

مید و آیدهای زیاده و چهار کامر سجدت و جانی را شما در این بین است که با آن قوت قلب و قدرت  
زیادی به سر نبوده اند از آنها عقب نخواهند نشست و در آن روس ایروا و به نام خود خواهند (استی)  
این به ترجمه حاله از آن است که بکلیت در باب کشی روس از طرف هندوستان و چنانکه  
سطر شده از آن است که به هر قدر که را باید بد و و به دست است که به از این ظاهر است  
چنانکه در اطراف و کر روس از بعضی اوج است و ناخست و نا پدید خسته بود مصلحت  
از آن نفوس بسیار از اوج روس شوند و از برای عقب نشاندن این سطر ایست و چنانکه ظاهر است  
تفاوتها که باید از در و موثر شود و موثرند نماید

خلاصه هر که بداند از آن است که بکلیت آنچه بود و ما مختصر آنرا در اینم غیر یافت و قبل از آنکه از آن  
است و فایده فایده طرح دیگر نیست و نقطه غایت را به از در و موثر شود قرار داد و به هر  
ناهرات تقیایانست ماه مسافت و راه بود

ترس نکند که در اینم موثر شود و سبب واحدی که در میان روسها و بهرات بر پا بود و در سینه  
هزار و شصت و شش و میا دی از میان بخورشته شد و پنجاه هزار بود و چنانکه در اینم  
روس کرده و در سخت برق روس قتل گرفته بود و از برای نهادن است که به بعضی بعضی







و قمر گنج روم و عثمان و گرفت یغیر دست نه پزار و پشت صد و پنجاه و پنش و فتح  
روستها و آسپای مکرگزی از قرار زید

در بنوعی که آنرا نقطه نقطه است بطریق و سبب است محض نیست انواع وارده از طرف  
در دو محور باشد و نماند که جایی استماع آنها قرار داده شد بعد چهار راه راه و مسافت  
نار بنوعی است از بخار و ناهرات قشون میباشد از دشت های لم یربع و از سوره بزرگ که بنوع  
که سکر غیر ممکن الجور صعب المسکن است که نمایند بر عکس انگیزه باقی مانده بر موطه کافران  
در طرف بگاه از بر تسموت نمایند انواع اعدادی خود ابرسانند بالجهه این وضع وصول  
که از نزال کفان انواع خود از نزال جمع میکرد و دستیکه در نزال عسکر و سواران  
عمود می نمود و در چند قدمی یکدیگر می نمود و منظور در حدیث است بدانست

در همان وقت سینه زنی آل عثمان اوج خود را جمع میکرد و کار کرد بسیار یاری می نمود و به توفیق  
و گردگشای بطرف کابل و مرآت روانه میشدند و بعد از آنکه که به مرآت نرسیدند و به کابل  
که سه سال قبل از آنوقت فرمانروای هند ناموری که به فرستادن فرستاد و حمایت از ایشان  
با تعظیم نمود و به شیر علی خان آن تعظیم را در آن وقت

دست انکس افغانستان را همیشه در جلا و محاصره الوقوع بریدند و سکه مسکری طبعی و ضربی نمودند  
۱۲۵۲ هجری  
انکس در بورنیکس که در عصر خویش از محمد کس از راه دور سیاهی با خبر و مطلع بجهت در سینه بهادر شد  
شش در موقع فتحش و فتحی که در افغانستان رود که کوه غنیمت که با توابعیم در میان فرود  
خاوند به بار و کس شکاری و برقرار نایم و کندی که ایست بچندین ولایت که یک نفس نمود و این  
نقشه که باب در این و ثوب و انقلاب در این نمود مملکت افغانستان مسکری و ایام که در این  
و این مملکت با به و برقرار که شکاری و این خاوند که در افغانستان بقصد که در این خاوند که (انسی)



امو پشک و تاجران تهیای مرکزی خواهر شد زیرا که انگلیس نظرت معتمد خلیفه ماند  
و ضیوه و بخار و صورت حمودوس آن دولت تسلیم شد و فغانستان نیز بدست برقیته  
باو چویش منی و مال اندیشی منتهی گنبد و باوصف مافقه که هرات منتهی عقیده شد الیه  
صورت و قلع بهر منبیه حال کسبای مرکزی در تحت تصرف و قبضه قبیله دولت  
روست است و دولت ایران بالان دولت منتهی پادشاه و دولت فغانستان نیز گویا  
یعنی معتمد است در صورت وقوع جنگ هوا خوار روس بود با بطرف انگلیس می نماید  
در این مقام مناسب است که ما نیز جزئی از انگلیس فغانستان بکفایم چه بکشت  
کمال شایسته را با هم بر سه هزار و پشند و متفاد و شت در دنیا بر این گوئیم  
دولت انگلیس بهانه و غدران کینه عاقلین و جرمیس روس در فغانستان و کما قریبا  
و بخار و مشغول کارند و وزارتخانه است بطرف بوریغ بعضی شکایاتها اظهار دولت  
مستمر ایضی است گفت از باب دولت روس جاسوس باصفیات نرفته است بعد از این  
اظهار وزارتخانه روس دستة فوری از انگلیس در روسیه می فرستد و در حد اوج  
این جنگ و تفرقه و کما بر و نورش سلمان و قصدیکه نسبت به انگلیس می نماید

و بهر جمعی می نماید که کسباب خونریزی نباشد و چرا لا فغانستان انگلیس دستگیر معتمد  
کرید بر می آید و بهر قدر شهادت را کافی میدانم که گوئیم که در سال هزار و پشند و چهارم و پنجم  
تتفام این شت فاش را کشیده و قندهار را تصرف شده و تمام قلاع و محصوره را غنای  
گوئیم با فاکت یک من می کند  
در سنه هزار و پشند و متفاد و شت <sup>۱۲۹۰ هجری</sup> کبیر علیخان از پشرفت روسها در فغانستان فاش  
و نیز خوش کرد در نظرت بیکر خمال را که دولت ایران حمله بر فغانستان نماید چه برای دولت  
ش را ایها ممکن بود که با دعای قیدی خود را بکشد نماید لهند او همه را بر سر و اندیشه  
بفرماندهای پند کردید و خواهرش منتهی که دولت انگلیس فغانستان را تحت حمایت خود قرار دهد  
فرماندهای پند و شتان در جواب این خواهرش فاشات بخش کور و زمان آورد و در دولت  
اورا را که در وقت خیزی فاشه که بر فغانستان می فرستد دولت روس کرد و چون  
سه سال از این و قندهار شت بر اصفهان فاشه در شبه جزیره بالکان روی داد و تدارک کینه  
دولت روس در فغانستان بیدید بنسب فرماندهای پند طوری تغییر کرد که ضعف  
جسته با میر فغانستان اظهار داشت که دولت انگلیس حاضر است که فغانستان را











اینست که چون مال و قوه بی برای دولت روس داشته باشد زیرا که اگر اینست که این  
سخت را در آن آویز نمایند و نکند قوت دولت روس را در نظر این نوع است نمایند  
و نازل سازند و تمام طایفه بایه نین که نالوقت معاد با طاعت و تکبیر خاصه بجز خلیفه  
که روسها اگر چه بدولت امانت خود و فقره بار انتفا و غیره در مقام برادر و برادر که کاری نمیشد  
پیش برند و محض صحت چون طایفه که پیش در نظر سایر طایفه ترکس ابر و نشد و بنا  
آید و عجب آنها در دلهای گرفته طایفه بموت و سالور و ساروق و جعفر پنا و آید یک  
و گه گاه منظر خست و جنگ بکنند و حاضر که فتح و ظفر هر طرف را عیب خود را در نظر  
اقتدار او کنند

طایفه که که بدو خط قیامات باقیه خود جری نمیدهند تا عیب بکنند و لغو در حدیثی خیز  
را دارند و در حوالی شهر کراسنودک و مال طایفه بموت را با نارت بر بند قمریزاد ترس  
در غرض بکنند و قوه قدرات اندر آید و سمیت در جیحون یا دریاچه آرال یا بحر خزر روند  
خلاصه وضع امور نهایت صعب و مشکل گردیده لازم بود حتی خود و رهنمون و علاج این بر دارند  
اگر طایفه که شکست روس را ناقص بکند و در اینجای بود بحر خزر و با شکستی با نهاد آید

از وقت از دولت ایران و سایر  
دولت های آنجا و در میان یقینا

طایفه که که در حال اینست که در حوالی اینست که و نامشکند و سر قند باخت و ناز و غارت  
معمودند و با طایفه بایه نین متحد شده بر سرهای با آید که در دلهای که در دلهای که در دلهای که  
بکند و این اوقات از وقتها که روسها از بد و تصرف و مدافعه خود در بسیاری کردی  
نظر از درستی ندید بکنند و چاه کارهای یک چیز از در جبهه و پس با بسیار است  
نوعی شرف و بحر خزر و راه عسکریه جبهه در لاهوت طرف جنوب از آنجا که بکنند و یکبار  
صرف نظر از آن نمایند یا جنگ سخت خیزری با طایفه ترک که غنچه بسیار دارند و از آن  
روسها از این در شرف جری را خستیا بکنند و بعد از آنکه زغال لوایک در دفعه اقدام نمود  
و کاری پیش بر دولت روس زغال بکشد و بر بارت قیون و ندید که باور  
و منصوب کرد و چرخ زغال را به طرف و لوق و غلاما که در لاهوت روس بود و بسیار  
کجا دادند طایفه که در دلهای آفال خود که در قول آد و است تا گشت تبه رفته بودند همه را  
در گشت تبه جمع کرده چادرهای خود را نزدیک بهم رده در دلهای دیوارهای کشیدند  
و روسی این جمعیت که چند روز از آنجا بودند و قیون و نگه سردار است و در دفاع را  
بعینه خود گرفته



کشمه در اسبقا بهر وقت روس آنها را طاعت کرده بود و بعد از آنکه با او کشتی بعضی رفا را می نزل  
 نوایکین میفرستادند و روس خارج و با زخمی که در کعبه بزرگه با او میداد که بخت انبیه  
 و فاعیه و کشتیهای آن بهمان وضعی که در میان روسها دیده بود بماند  
 نزل اسکیت نقطه جمع آوری قون را باند او میفرستادند و آن بند که کوچک است و قی  
 در جنوب کر اسنو و دسک و هر روز باند او را در آنجا میفرستادند بعد از آنکه سفینه خود را  
 نزل باند او را با دو صد هزار قطعه آهن را به بعضی دیگر آورده نسبت گشت تبه بنای سفینه  
 آهن کردند و بعد از آنکه راه آهن میزدند و در آنجا یکدیگر را در راه داشت میکردند و نزل  
 اسکیت پیش رفت و بیای که نول نقطه کشتیهای آنجا است رسید و آنها را در آنجا گذاشت  
 و مهمات حربیه را در آنجا قرار داد بعد از آنکه تمام این مدارکات اسکیت با قیام خود بطرف  
 قلعه فاک گشت تبه راند و در آنجا نقطه ارتفعی را که مشرف بر محصورین بود منصوب کرد  
 مختصر این محصوره زیاده که یکبار هفتصد و بیست و نه است که در آنجا قون روس را بمنوای کفر  
 معاند بسیار خوب است و آن نزل جوانی بود موسوم بکورو و نوکین و روسها امیدوارند  
 که این نزل بعد از نزل اسکیت را بگیرد و خلاصه روزی که قیام بزرگ میکنند و از آنجا

بیب بزرگ با روسها برگردند و تمام کیمپوت و بیلدر فاک را بنس ران آن با روسها در آنجا  
 سوراخی باز شد و بعد از آنکه توب ان سوراخ را وسعت دادند و از آنجا کیمپوت را برگردند  
 و هر کس در آنجا میماند و است نمود و بقتل رسید و مطلقا بریدن و طفلان هم کشته بسیاری  
 اند و از این نسله نیز قرار دادند و از قریبه خود کیمپوت تخمین کچ در زمان این محاصره است بزرگ  
 بود که نصف تمام قون ترکها بانه متفرق گردیدند اسکیت فرید بهار را با عشق آیدانی قب  
 و کیمپوت را نیز تصاحب کرد بعد از نزل کورو و نوکین را نایمده راه برویش فرستاد که بعضی کشتیها  
 بهر آورد و قون خود را به نشتنه عقب نشت یعنی در باب با حد خود میبرد و دست نموده  
 از شک کرد و وجه در جنوب و وجه در ابط و کچ و کچ بسیاری منف نشدند  
 فتح و طغر نزل اسکیت آخرین تعداد کیمپوت روسها در این نواحی شد و دولت روس  
 مبالغه قتل خود را در تمام بسیار مگر می هم بزرگ همه در سطح و نواحی است و نواحی خود نشدند  
 و شکم ساخت و الا بالاینش را که قشش طلب و محمد کار و خیالات آن دولت  
 بعد از آنکه طاعت خود را در آورد و از وقت زایلین ممکن است و بخت کشتیهای خود را دادند  
 که در دهنه از یک با عشق آید و خواجه صالح واقع بر ساحل بود و چون از آنجا بچون نایمده

اگر چه خود روسها در روزهای  
 از آنجا که خود را در روزهای  
 بد و نیک که بر او افتاد  
 زشته که بر او افتاد  
 سر در روس نیست نزل  
 ترا که کمال است در روزهای  
 و دیگر خبرت بریت که  
 سرا که کربست روسها بزرگ  
 از آنجا که با خانه میروند  
 چنانکه میگویند که خبر  
 که با کربست در جوار  
 انجلیس طبع شده و در آنجا  
 السه رقبه نموده



نقطه بیا شد و در این نقطه خط تقسیم بحر خزر در قاهره و نه مای و کتایه و نه بیا  
 در همان نقطه اسکلف از دغال در بیشه سطح گردید که کتایه با قدماء و نه است از آن کتایه بیا شد  
 زوال اسکلف از آنجا که تنسک دان ما هری بعد و طایع علم کتایه را خوب بدست  
 چنان کرد و نه هری کتایه بعد نبین گفت زوال اسکلف بنا بر معنی که در باب طایع کتایه  
 دشت مفتوح بود که جز در وقت طایف نبرد به چیزی در نظر نداشتند و خیالات میکرد  
 به بعضی سپاهان و کتایه که نه میخواستند از دهنانست فرض بود بنا بر این که حال عملی  
 اشخاص را بیا ندر مای کتایه مرکزی کرده و در میان هم را مای نه است و که در بطور روس  
 دشت کتایه را و از آنکه دشت که نه است از آن کتایه باید بعد در صورت این که طایع و نه  
 و نه فاکه را رسم کرده اند و بدان نوشته اند افغانستان و کتایه که روس در آن  
 شده و مای کتایه را از آن خارج می نمایند زوال اسکلف را نیز در صورت را مفتوح  
 کرده که حکم کرده اند که کتایه از این لغت در تمام ملایق کتایه مرکزی نوشته اند  
 علی الحاکم که از کتایه و کتایه روس در کتایه مرکزی خستام رسیده و سرور و وزیر الیها  
 در میان فرستاده و جای خود را به تنسک دانها و از باب مذاکرات و کار کردن و نه

ادارات آخذت از حرات روس و طلب تصاحب قطعه زمینی بعد که تخیل از بروز  
 اسلحه و نه و میسبایت از با مذاکرات تا فلان کتایه که دان عبارت از دشت  
 مرو و واقع در وسط مای که روس از آن گرفته است در نظر حرات روس تصرف آنجا هم از تمام تصرفات کتایه که بنا  
 دشت مرو نهایت حاصل خیز است و از آنجا که در غایت سیراب بود و نه است از آنجا  
 میباشد و راههای خیره و سبزه و بهرات در این دشت هم می شوند و این همه کتایه است  
 آن است بعد و چنانچه مای از آنکه کتایه خورده با چنانچه بعد از این مای کتایه است و نه است  
 روس و حفاظت بود  
 برای مذاکره با آنکه مرو و تصاحب این ناحیه یا از تصاحبان روس برود علی الحاکم که کتایه  
 فوج کتایه و مای کتایه  
 علی الحاکم که این نوع شهرت خطی بهر زمین بود صلاح است از دشت هم شخصی را مقصود و  
 و یعنی الحاکم اسم خالوده است و قتی به شخص خود در قتل روس که بعد از آنهم خالوده و نه  
 محض شباهت بر روسهاست قرار دارد و الا اسم او علی الحاکم است خلاصه علی الحاکم بروی  
 بدرجه واری رسید اما دیکر موقعا که از آنجا که بروی برود دشت تراخ که هر چه در قتل

باجای که بعضی از آنجا  
 سرت راه از حد  
 نخواهد گشت که در  
 درها با کتایه  
 نمی توانست بهر چه  
 در مای خیز از دشت  
 که از مروی از آنجا  
 آید قتل را که کتایه  
 بهر کتایه از آنجا



عسکریه روس تبیه شد و مجلس عسکریه رتبه واث نهائی اور از نو گرفت و نظیر بنده نظام  
روس بسیار اتفاق قتلکرت

علیخانیف بهر اراده از دست به و نشن خود محروم ماندند زیرا که در این شرح شول خیرت نیز بود  
وضع دست حکم از مال کسب بکنج پیوه رفت و در صحرای کلبه نه زبیر برق  
داردی و شربت و لایق است که در این کتب باب نرق و لو کریدیه در باب برتیه یات  
سید و فو تحقیقه آدم باقیاتی است درین شباهت بهم نلیسند و هم مندرج است  
اینه تمام طوایف ترکمن را سیلان نکات و قوت قلب لویا دست منهای  
مهارت وزیر که بسیار در دارد در شوال کسب که هر کس را خوب شناخت  
علیخانیف را اما سو که که در خاک فرو نه و وضع قاعه را تحقیق نماید و بعد باروشای  
ترا که مروءه اند کرده و سحر می کند که در راه راهوا خاچی روس مایه سازد و برای تسهیل  
عمر و امیریت علیخانیف فی فله ترتیب دادند و دست حکم کیمقر تاجر از سر مردم کیمسخ  
که کار کنند ریا از کپا نهایی شمارتی مسکو بعد و کمر بسیار عشق آهالهفته اما مروءه خوب بود  
بیشا فتنه علیخانیف بعد از آن ترجمه با کیمسخ روانه شد و یک صحنه حلقه قراق



یکادیش سفیدان که بیشتر از سایرین بود طعن داشت گفت بهشت تبارت بهتر خواهد است  
ولی من غیرمسم که بر شما حمد ببرد و نوقت مسئولیت سخمه را کمزدان امانی مروا ندانید  
بعد از کماله و سؤال و جواب طلالی علی بن ابی طالب داد که با اسلحه حزب جمعیت  
بعد کفایت دادیم و در روز دوازدهم ایستیم الوقت نوزادی رؤس و پیش سفیدان قافله  
را چنان داد که چند روزی در مرو بمانند و در باره رهرو بپوشند و به پیشند چه در رهرو  
برای فرودش باید با بچه حدیثه

روسیها آنچه روز در دست مروانند و علی بن خلف وقت زنجیر بندیدند  
بدل آنکه مرور اسفند سیاحت کرد و بختیاری و قیامگاه نام مکنه مهر خراب  
نقشه صحیح قلعه را کشید و علیا با روس صحبت کرده از مقدار مهر اطر روس وقت  
و قدرت اوضاع را خبر میزند و از سکه مست بطریقه بزرگ و رونق سکه و نروتهای کرملین  
تعریف میکرد و آنقدر سخایات برای بزرگان ترا که گفت که معذوم فیخان را بر آن  
دست که مسکوت آید و در جشن با بگذردی مهر اطر حضور بهم رساند معذوم فیخان که شش ماه  
و کثافت علی بن خلف داده و سبکست روس آمد و قمران رئیس بزرگ که که لب از زبان میگوید

برشید بوطرف خرمی و محبت نمود و شکوه غفلت خشنهای ناکجا آبادی و پیغمبر آل بر طرف  
حقیقت کرد و حرفهای روانی را بیاری نیز آنگاه که چندین نفر از آنها را می شنید که آن اوضاع را

برای العین بیند و چنین بادشاه با سخاوت و سخاوتی قدر کند بت رنج خدای که بتا در دوزخ بود و بتا در دوزخ بود  
علی الف ناز در سفر خود جهت کرده بود که یکروز بخیال سیاحت برو قمار و لذت بردن  
خبر از قصد علی الف بود

بعد از آنکه باره آبین که ز نزال اکسلف متوقفا در نوبت بحر خزان قریب آمدات اقدس کعبه بود  
گفت بنده گرفته شدم و راه را غرضه هنرمند شده و بهشت را و یک خط راه آبین با و در آن بحر کافرا فدا  
و در اینست و میگوید که در این راه بود ز نزال استغوف دید و سایر صحران و اقصای کعبه میسر بود  
از این راه که در این راه بود برجه حال اقدس و در این راه بود  
یکت رسته با در این راه بود  
صحت طالع با در این راه بود  
معمود حقان که در این راه بود

مؤکر که تحقیق از مرضی پرداخته برای آنکه خطا بین غرض و نیت رخسار پیدا یابد  
مسکول را موییت خود را انجام داده بقیع حاضر نموده که تا مرضی نام از مرضی سطح و برای کشیدن  
راه آهن نهایت سعادت مسکول را در سفر بیم خود از مرضی بخار نشسته تا بقیع هر از سفر  
و قیاس با سبب ویت کیلو تری زمین را بازاید نموده بقیع از ابراهیم و تهمینه تحقیقات او را  
مقاصد مکتوبه در آن روس فایده بزرگ حاصل کردیم یعنی که ملازمه رسیدن بهرات از راه



در نفس که فرض شده حال ندارد چه نقشهای بخواند بگوید که در بیان راه که نفس  
 هست که از این نسخه الیه است هرگز با ارتفاع دارد و این که در حلقه قنون روکش و نه نسخی باشد  
 و حال آنکه بواسطه تحقیقات مسیول بر سر پیش که انکو و رشته نبیه است که از اوه های بسیار نفع  
 این نیکه از نه صد با ارتفاع ندارد و تفصیل سفر از راه زرد و قهوه و کبر و این ترمیم است  
 سلاله سقر و صفهان خبر حضرت فقر البطان اقل دارد و حسب نظر تفسیر  
 علاوه بر اقلام مرئوسه جاسوسها دولت روس نزد روسای طایفه که مروی فرستاده  
 بعد و تمام امانت دست سرور ایاز را که در آن نواحی دایر گردید جاذبه سباب  
 اعدا و رولت و اعمی را با بار و سهوا و فرافراهم آورده و بعضی بیهوشی فراق که در آن  
 نجات دهنده گاه کاهی با طراف بر پیش میاند که طایفه که را با قات و بر سر  
 معاد سازند تا به حقیقت زیاده بگویند که مسافر از هر بر باشند خلاصه تمام مقدمه است  
 نمک نمرویه و صاحب مروی بیهوشی و فقط تشریح موقع و بهانه را می کشیدند  
 بعضی حوادث دیگر نیز سبب شده بهانه بدست روسها و دو و علی نف با چند صد نفر در  
 و محمد قلیخان میر و پست و اما که را جسد نمک از جانب هر طرف روس و تبه نامی  
 برای آنها قرائت کرد و گفت باید بدولت روس اظهار انعام پس از آن بگفتند

بطرف طعن شده و بروشی تر که اظهار داشت که لغو ای که در میان می بیند  
 فقط پیش قیلول و سبب دیگر که تفسیر را به تبه نامی بیش خید های مروی با برقی  
 روس کاغذ لغوی نوشته بدون تفسیر مضامین است و به چهار نفر از اینها لغوی که  
 رفتند که در محضر نزال کمارف در باب لطافت خود بدولت روس بگویند که باید  
 و این رسم در ششم ماه فوریه سنه هزار و هشتصد و هشتاد و چهار بموقع عرس رسید  
 بعد از چند روز نزال کمارف برویهها تمام نمک که خیال دارد با جمع کثیر میر و آید پس امان  
 حرکت که تمام فواج و قتل که در حزن بعضی بالور و براده نهادند و قهر و بهای تلفات  
 آمدن قنون روس شدند که بکفر و ست نبیه جنگ و کمان مقاومت نه نشند  
 اگر چه بعضی بعد از آن عذر نمک بطرف قنون روس دادند و لشکریهای خود را خالی  
 کردند اما حرکتی که نه بهین بود و بس و روز بعد یعنی روز ششم ماه مارس قتل و سر  
 گردید و علی نف مجدداً بر تبه و لث نهای خود نایب شده حکومت دریافت  
 به وقایع در مملکت نفیس سباب شکایت زیاده گردید و روزنامه های آن مملکت نشانه  
 بسیار از این حرکات دولت روس کردند و اظهار داشتند که خدی و بر تبه نامی روس



بدولت انگلیس و عد کرده بود که یک پیش نهاده و این بیعت روس خلاف وعده  
 و قول است که داده اند در صورتیکه دولت انگلیس خود نیز همین قسم حرکات برای تصرف  
 بعضی از ارضی هند و خیره چه از ادای بر دولت روس و بدست و صفات انگلیس چه ندارد  
 در ویریدگی کر روس بر و انصرف و تصاحب کردند تمام نشنیدن و کار آگاهان عالم که  
 در باب بیعت دولت روس در آسیای مرکزی تحقیق و تدبیر می نمودند و منتظر شدند  
 که طول نخواهد شد که روسها سافت با این هرات و مرور که عبارت از ششصد و  
 بیست کیلومتر است طی خواهند نمود پس خلد که در تجدید عهد در میان روس و انگلیس  
 حاصل شده امری بود که عقلا پیش می آورده که بعد و قبل از آنکه واقعه و عهد درین احوال  
 دیگر هم محض آنکه اهمیت از ادب رستی محروس نایم بهتر این است چند کلمه از وضع ادارات  
 دولت روس در آسیای مرکزی بیان نمایم و میانه از وسایط و وسایلی که برای اینها بکار می گیرند  
 دولت روس در ستمکات آسیای مرکزی خود نه گزیده و جمع می دارد و که در کیفیت تدویر و  
 و تدبیر با هم اختلاف می دارند و یکدسته فنون که عبارت از نظام و تدبیر و تدبیر و تدبیر  
 نظم و نظام در تمام اینهاست و سبب کاف است چه حکومت روس در اینهاست که در تدویر

اینجا بود که  
 فرنگ و قیاس است  
 او که شد

نیست بلکه بواسطه نفوذ تاریخی است که در خیال و طباعه را از بواسطه است و قدرت  
 و تربیت ادارات و رشادت بر بار می روسی و صفت است و از بد و مکتب است  
 یکا از شش بخشهای دولت روس اینهاست که هر کجای می شود داشته و بهمان سر کرده با  
 در فنون و صفات عکس یکدیگر و در تدبیر حکومتی نیز صاحب رای صاحب و بهر حال  
 و مافوق به که در نظر دارند که در زوال جریانی و زوال افغان باشند بهر حال و یکدیگر  
 اداره و کفایت کامله و حکومت بقاعده از آنهاست که ادارات و ولایات تصرف و  
 تنظیم گردید و در و بطوریکه فها بین روسها و ملل و بعد بطوری برقرار است که یکدیگر بیعت  
 فیه سال هر دو بیعت و بعد از یکدیگر حرکت روسها بطوریکه میانه از بعضی قوا  
 جلواند اختیاری می فرستند و باید داشت که برای احدث کلی است و بیعت و بیعت  
 است بهر نیست در حسب قانون عکس روس قوا می باید چهار سال در فوج مشغول و  
 خدمت به پیشه بعد از نقضای زمان فرمود در همان محلی که تصرف و مشغول می شوند  
 سکنی میگیرند و با بومیهای آنها آمیزش و خلط حاصل می نمایند و مشغول به است می شوند و  
 که قوا می باید در اینهاست و در عکس نهایت مساعد کار از آنهاست چه میانه از آنهاست

و این نفوذ بیعت و بیعت  
 قوا و سلف و حال از اینهاست  
 که نظم و رشادت و عدالت  
 است و صاحب منصب  
 اگر چه در اینهاست و در اینهاست  
 قیاس و در اینهاست  
 بر قوا و در اینهاست  
 به علم و قیاس و در اینهاست  
 چنانکه قوا و در اینهاست  
 که قوا و در اینهاست  
 و در اینهاست



چادرهای خود را در زمینهای نیرینه که بمصاحب بجهت

سببی سکنه زیاده نیست و از دورال گرفته تا سرحد چین و از اتریش تا سیحون  
اما آنچه بطریق ایجابیه نین بجهت و جماعت فرقی که جرفا در و کله و دره و شتر چری دارد  
و بر کربشت و زرع نمیدارند پس از این روس در هر نقطه از نقاط ممالک از روس  
قدم نهادند از ضعیف بلاد ملک در بنجالیس بجهت و بدون وجه مانع آن از ضعیف را مختار نیست  
خود قرار دادند و در تصرفات روس همه جا وضع از زمین قرار بجهت مگردانند

و قسید روسها خواسته باشند را متصرف شوند دیدند در این ناحیه بر خلاف سایر بلاد  
سکنه متفرقه و ملک صاحب دار است حدی هر کاستین و رسوم و قوانین قدیمه  
و در کار است و زوال کفهان وضع باره در یافت کرده و منت منتسبند و غن  
کرد و فرا آنها و خبر ترکستان نشوند و عدم نظم و نظام کامرا که از این عهد غن قرار داد  
اولین نمیر صائب بود

اما در باب ادوات و قوانین عدلیه که بقاعده که در روس که است که  
که مطیع و تابع خود ساخته مملکت قوانین روس نسخ و عادات و رسوم قدیمه را

و فقط وقتی که ماچین روسها و آن مملکت و از اتریش گرفت و کار آنها را بجمع  
بدین احوالهای روس نمیدادند و در سایر مملکت یعنی در صورت نزاع ماچین اما ای  
روسیها مدافعه در کار آنها که قدر شده را بجمع قوانین قدیمه آن ملت بنمایند چنانچه فرقی  
برای رقی و فستق بود و یک و فاضی تمام بنمایند چنانچه سایر اما آن  
روسیها در آن نوعی هرگز افرایح بودی نریب نریبند و بود که در طلب یکدیگر  
بر بار مایه است که فرانسها از بجزایر گرفته اند

هر وقت مردم دیرتر گمان بقضت طبع نمایند که در هر وقت روس که در مملکت  
درت روس خلافتش را با قبول نماید الوقت آنها و خبر در نظام و قانون روس خواهند  
یک خوش بینی دیگر بر خیزد روس داشته و این است که ممالک را استخراج کنند که  
سابق آنها متعدی و ظالم بجهت و بر کان و کان کنند در ممکنه طوری بود که و بقی  
دشته اند که اما همه کس را بر این اشخاص ترجیح میدهند و طالب غلبه بر آنها بجهت  
اما که هر کسی که کمال نصیات و خورسندی را دارند که روسها آنها را از چپا و لنگه بجهت  
و فارغ نمهند و تحقیق از این مملکت ستانی روسها طرف نمیدارند که



عاکر و سپهر چنگ که را انقاد سخت و سپهر را ترک داشت و قدر و قوت  
و راه پند را بیابان را بر لذت عذر بخشید و از کارهای محله دست برداشته و تفریط کرد و گفتند  
تنها که از خود و دلبران نباید لذت بخشید و در حال روس و تنان دشته باشند بلکه تمام مدتها  
باید ممنون و مسرور گردند

اما در باب امور مذهبی و عقاید دینی و مساهمتی آنها تراکها یعنی مذاهب و عقاید است  
متعین بل در محرم دشتند و متعین نخواهد شد و اگر کوشی در بدید عقاید و مذاهب  
عذر کرده بجهت کار باطنی و بیخ فایده و غری بران مرتب نیستند بلکه صورت خرابی گنا  
و خدمات زیاده بگردید و متعین مذاهب متعینند و در مساهمتی که دیدند و در بعضی  
و از ادبی که در روس مذاهب اسلامی و دله حاله عا دینی از میان برداشته اند و در  
شایانها از نظرات فحش از باب ادیان دیگر که دیده است علاوه بر این که در دیگر  
رو سها پیشینها که در آن نیز سباب شرفت از آنها پنداشد و آن را نیست که ظاهر  
تابعه طوری درلوده و حرکت که در نسبت یکدیگر بکشانند و خارج نشود و نموند و در بعضی  
و مساهمت سبب خواهد شد که چشم به پشت فراتر و در کمینها با هم زندگانی نمایند و وقت

بنوان گفت در روس و فخره ملک آسبای مرکزی است و حال آنکه در آن بعضی  
در بند و تنان جو حرکت و دلداری محکمت منتفی حاصل خواهد نمود و در صورت بعضی در بند  
دارد است نه ملک

در روس بود از ملک مملکت و ترتیب ادوات بنحالی منتفی شدن از آنها خواهد بود  
و درین نقد کوشش خواهد کرد چنانکه از میان دو هر چه و انتهای آسبای انواع و قسم راهها  
ادوات منتفی و در اکثر مغیره را با هم در مضطربت و خیال دله در ملک و سببه راه آسبای  
که سباب آمد و نه و سهولت مرلوده با دافعه محکمت روس کرد و در این نیز سبب چند نفر  
از دانشمندان جبر اظهار رای و عقیده نموده از جمله از آل چراغ گفت است باید دریای  
خود را با فقرات که در دهنه رفته چون یعنی در دریای آدال و لغت و صفت و از این  
رفت مگر منتفع و بهره مند گردید و کوشی را از منظمی در آن دایره و برقرار کرد و تا این دشتها  
آسبای و معنی و بحر خود سباب آمد و نه فقهیم شد و چنین بخواه صورت پذیرد و مرکز ملک  
رو س در بعضی دله خانه با مرکز دشتهای رنگستان منتفی خواهد بود و در آن باید راه آسبای از حیوان  
شروع کرد و از آنرا از آنرا و مسرت و خیره و فخره و تا شکند عبور دله و یک شعبه از آنرا







و لقمه است در سال هزار و هشتصد و هشتاد و نه شهری که با نفع هزار و شصت و شصت  
 رتبه حالا بیشتر از پنجاه هزار نفر جمعیت در این شهر سکنی دارند فقط چاههای نفتی که در باکو به  
 است زیاده از جمیع چاههای نفت امریکای شمالی است و از برای فروش نفت  
 چاههای نروژ لازم است چاههای جدید کنند و بلند اجناس که به نظر ما آمد این چاه که شعبه نوری  
 فلزی در بندر اسکندریه قفقاز است و نفت را بواسطه آن نهر به نال دریای سیاه میرسد  
 بعد بحال احداث داده این مورد و قفقاز را قنادین این راه را تقویت نمودند و از طرف  
 جنوب مسکه که هند را یافته باکو به راه باطلوم و پی وصلی که عبارت از بحر خزر  
 و دریای سیاه را بهم متصل سازد در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و نه که در این راه  
 بنحایت بعضی آباد نمودند کار داده این مورد و قفقاز را تقویت نمودند و از طرف  
 در واقع ششمین راه که در کوبید و سبب مراد و آمد و شد حکومت قفقاز را گسترانید  
 نتیجه ترعه تجارت نفت در هر مغرب دریای خزر این شهر که سفین بایک از رت  
 روس و چین دریا که از این شهر سبب دریای کاسک که ای راههای این روس که هر  
 و حاضر و فایده بنسبت این امر است و جنوب قفقاز ناحیه باثروت و قناری

هر روز آمد و بواسطه این ناحیه روسها میتوانند با نفوذ در آن نفوذ در سبای صغیر  
 و تجارت ایران رقابت و محاسنی نمایند و چنانکه همین نفع سبب خنثی کار در این  
 شود که بعضیها بخوانند از بیان ممالک نروژ که کشیده هند وستان برسد  
 همیشه دایره تجارت نفت و صنعت زیادی بهم میرسد یک کار داده تجارت معتبر نفت  
 فکاک که این مال تجارت را تمام ممالک روس و هند و بعضی دیگر را غلبه میسر که در  
 ساخته شده بود برای خزر آورد و آن سفین مخصوص حمل و نقل نفت است و این به معنی  
 که نفت را با این کشتیها از باکو به هر چه میاید و از آن سفین مخصوص دیگر  
 به سراسرین میرسانند خلاصه طو که کشیده که بر توله این سفین نفع و حالا بیشتر از صد و شصت  
 تنها با کتب چاههای نفت از این تجارت منتفع شدند و بر عده سفین بفرستند بلکه  
 در آن روس نیز عدد کشتیهای کجاست و از باکو که مسقط است که این سفین به هر کشتی  
 نوب و از کرمک سفید فایده میسر است و بعضی حمل و نقل نفت و این  
 سفین با کشتیهای چینی که در آن کار میاید که میتوانند روزی ده هزار نفر سوار  
 در دهنه ای و کتا و بنحایت با از باکو به شهر بنحایت که بتدای داده این سفین با کشتی



دولت روس در صورت وقوع جنگ خدان محاج سحر و نقد قوت نیست زیرا که  
دیر کاهی است افواج بسیار در بسیا جمع که است

اگر بخوایم بدرستی تحقیق کنیم که دولت روس چه قدر قوت و قوه عسکریه دارد ظاهر آنست که  
نباشد چه تحقیقات رسمی و ریاضیاتی نیست و روزها بجا نیست که قوت زیر برین  
باین قدر باشد بنیانه لایحه تاکنون بدرجه شمع رسیده است که قوت زیر برین  
با دستجات غیر منظم است از هزار و پانصد و پنجاه و هشت فوج پایه نظام و هزار  
و صد و پنجاه و هشت فوج سوار و پانصد و پانصد و پنجاه و هشت فوج پیاده و چهار  
و سه هزار و یکصد و هشتاد و هشت فوج توپ که در بخش مجموع چهار و یکصد  
و بیست و هشت و یکصد و هشتاد و هشت فوج توپ و چهارصد و بیست و هشتاد و هشت فوج  
پهلو و قوت ذخیره روس و سوارهای شهری که خدمت کرده اند و در غلظت  
نزد نیست و اگر شامه آنها را بخوانند چنانچه چهار و یکصد و هشتاد و هشت فوج  
که میخوانند نیست که در برابر حاضرند اما در باب افواج که دولت در بسیا گردانیده

این قصیده در روزهای روس  
سخت دارد اما اگر در وقت  
چنین است و این چنین است  
بای اینها با اینها و اینها  
که سادات و ملوک و اینها

که از دیر کاهی است جنگهای بسیاری در گری میغالند همه کار دیمه اند و خست کشیده رفتن  
جریه ما نیست و عمر خود را در جنگ و در آن نواحی گذاشته با آب و هوای بسیار نامناسب  
راه دشتهای ترکستان میغال و علاوه بر همه این محاسن که کرده و صحنه کشته اند  
سرباز و باین همه رانندگی و وطن پرستی است و برای محکمت خود و هر طور جان  
میدهند چه هر طور هم باشد و هم رئیس مذمبی از آنها است

اگر کسی که فانیانند و تحقیق نقض را که برای محک کشیده و تغییر پیدا دین که وقت  
که آن نقض را از ازال کار انگاشته به شکل موجد و در نظر او به یکسان است بعدی  
که فیما بین از بخور و هرات است و بهی طلی این شماه وقت لازم میباشد بنیانه  
بعد توجه و وقت در آن ایستای دیگر منزل ساخت تا به زحاک آن دولت عبور  
کرد و از کوه پاره و پاییز گشت تا آنکه در خاک ترا که پیش رفتن و از میان آنها که نشستن  
مریم خطی و مکان نیست که نظار این بر شمنی بر دارند و حساب ازیت و قطع کرده  
اما حالا که حال حمد و تقصیر و فتنه و بواسطه و سایر آنکه پیش در فهم و در ظرف  
چند روز قوت و روبراه میکند و در بخور که نقطه جمع نوری قوت و روس آنها



شماره سافت دشت و لا عالم و نقطه جمع کوری قنون ترکستان و نقطه شمال  
از بهرات در جبهه

افواج روس علاوه بر قنون را منصرفه و در تحت ملک خود دارند و از  
قوانین خود جدا از قنون ترکستان میسرند چه در زمان اسکندر که روس بعد از  
دسته دسته بر روسها حمله نمایند و افواج آنها را منقول سازند اما حالا باروس دولت  
و تنه پشته و در ویک روسها بخوابند بهرات را بکیرنه واری ترکمنه با بیکار و اولاد از خاک  
و اینها همان افواجی هستند که اسکندر میگفت که تحت دست آنها را در زیر هر قنر و هب قنر  
و تحت کابری و قنر و در جلوه هایها و فرستاد دولت روس نمیکند که بکیرنه و اسکندر  
در بیان بحر خزر و بهرات بعد از زبان بهرات و فوج بهر بدن یکدیگر با دشمنی تصادف نماید  
میتانند بطرف مقصد روانه شود و هیچ چیز جلوی کار او را نخواهد گرفت

در صورت علل جنب روس و انگلیس حرکت و پیرفت افواج از بهرات بخوابند  
افواجی که از ترکستان و خیره و سمارا حرکت نمایند در مدتی که در جبهه خواهند شد و از کابل  
چنانچه در هر مغاب با این نکته و درنگهای ربط با افواجی که از ترکمنه و روس از راه

(مذکور)  
و کجا و بحر خزر و راه آهین و در آن بحر خواهند آمد و می بینند و از آنجا که کوههای بار و پائین  
در راه از طرف جنوب بهرات حمله نمایند و قطع راه که در بهرات شهر را بقنون انگلیس  
و سایر نقاط مملکت نمایند

نهر بهرات در جلوه های کار و روسها و تنی نخواهد کرد و همچنین بهرات میسرند قنون در اینجا  
به وقت منقسم نیست بهمت قدما و کابل و روانه خواهند شد و از آنجا که خواهند رفت  
نهر بهرات خواهند کرد و از قنن انگلیس که در کیرنه میسرند و یک قسمت از قنن  
ی که روس بکیرنی و قنن و آنها میسرند و قسمت دیگر بهر نمایند که در قنن  
و تقویت بعد از روس نیزه خلاصه و چنین وقتی ماده کار غلیظ می شود و یک طرف باید  
تمامی کشتی فیر و شکست بخورد از طرف دیگر باران آب چشم را با سیلاب  
خشمگینان جاری و میسرند که در

حالا قدری در مسئله سرحدات و تخمین در جبهه بیان نمائیم و بعضی تحقیقات برداریم  
که تا به کابل که روس مورد انحصار خود افواجی که در طرف مدت دیده در جبهه جمع  
شد بعد از طرف دشت و روانه شده اند و بر آنند و کف کر ساف و قنن

که کشتی که در قنن میسرند و کابل که در  
و تقویت بعد از روس نیزه خلاصه و چنین وقتی ماده کار غلیظ می شود و یک طرف باید  
در جلوه هایها و فرستاد دولت روس نمیکند که بکیرنه و اسکندر  
خوابند و در جبهه میسرند و کابل که در  
نهر بهرات خواهند کرد



تفقا زیساحت مملکتی که تازه روس تصرف شده بود آمد کارگردانان آن ناحیه حضور  
پرنس منارایه را غنیمت دانسته بسیار فرام آورده که ترکمنهای ساووق که خاک  
دنها جزو قلمرو فغانستان است آمده در محضر پرنس زنده و کف کر ساهت ظاهرا بفرمان روس  
منتهی و در همین وقت زرنال کمارف سرخس قدیم را تصرف کردیم که آن موقعی  
انرا بزرگ است که از غنای آباد کرده قلمرو هرات بیرونه و از میان یک مملکت سطحی  
پرتو میگذرد که باصله قلعه جات سرقد ایران ساخته شده و برای اذنه و حرکت قون  
روس نهایت مفید است

تصرف سرخس قدیم در معنی مثبت یا گفته درت روس باطله این اقدام معلوم بود که تصرف  
بطرف هرات دارد دیگر گفته چشم سرخس در ناحیه واقع است که تاکنون جزو قلمرو ایران  
محموب میشد و سرقد ایران و فغانستان بجه تصرف یکمکان بنجا و در دلت روس است  
از سرقد و بنظر که میرود تا به است

در زمانیکه وقوع این واقعه در انگلیس خیال عامه بآنس تغییر ساخت علیانف و کمارف  
در کار بجه تغییر علیانف از گنار مرغاب پیش گرفت و در این روز فغانستان

جاری شد از مر و میگذرد و قصد علیانف این بود که بخت را که بفر فغانستان در سینه بزرگ  
و پشتمه بپشتند و چهار که بکل قبضه شد تصرف که بود از دست او منزع نماید  
وزنرال کمارف از گنار هریر که در هرات عبور نماید به طرفه و در فانون بوضع بکدام  
استقرار یافت خلصه وضع کار در تصرف را بجه که درت انگلیس زرنال میدن را پس  
کبیر بن محمد به حدی که و یکدیگر خود قرار داد و درت روس نیز زرنال رلوی را بهین  
سمت مامور ساخت اما بهمانهای چند غنیمت زرنال روس بتوقی میافا و آنها  
زرنال انگلیس با چند نفران خود در سرخس حضور بهم رسانیدند نقشه که دیدن کتاب است دعا  
طریق را برای تحمید هر دو معلوم و بکار آمدند

رومها تکلیف میکنند که باید سرقد از فانون شروع نماید و لذائق رباط عبور کند و بطرف  
شرق سمت جنوب بنده منتهی شود و نکته رباط که در پنجاه میا هرات واقع است و بیک  
نقطه از کشیده در خارج خاک روس واقع بود اما سرقد که انگلیسها از جانب فغانستان  
تکلیف نمایند از سرخس شروع شود و سمت شرق بطرف حاذبه صالح میرود و بدین  
روشها حرکت در هر دو راه از هرات میشوند







روس و انگلیس در سره  
در برابر یکدیگر  
منبرج در صحنه است

بسیار چه سعادتمند فغانستان بودیم و چه در صورت مرگ و یا کجای که این چنین  
در کار نیز در گرفت و در کمال اضطراب و محنت بود و در یک مجلس نذر آن که در حضور  
پیر فغانستان منعقد گردید و قرار دادند که بجهت هر دو در نقاط عسکریه که روسها تصرف نموده  
و برای فغانستان کمال اهمیت دارد در هر دو و ابرام زیاده بماند و یک لادن نقاط عسکریه را  
که در میان رده مرو و وهرات واقع می باشد و همچنین در دست روس هیچ وجه مناسب  
نبست و اگر برای استرداد این جنگ کار بجنگ افتد باید متعاقباً رفت اما در باب فغان  
و پنج خیل لغ غنچه این بود که پنج خیل لغ نقاط اهمیت عسکریه مدله و میدان موقوف بر روسها  
و اگر از غنچه تا وقتی که مذاکرات دیپلماتیک ختم نام رسد و یکسریون تحمید هر دو سر حد  
کار نماند و بهتر بود که خبر رسید و شایع شد که در پنجمه ما بین افواج روس که در تحت حکم  
علیناف هستند و لغ غنچه کجا روی داده است و اگر ایستاده و زمانه ای انگلیس در این باب  
فکر نشوند و از نظر کار بود

روسیها بهانه اینکه فغان پیش فغان فغان حرکتی نموده و جای خود را تغییر داده و در سی ام  
ماه مارش در پنجمه برانها حمله کردند و از آنها را از این قصبه راندند و لغ غنچه در کمال سختی جنگ

گردید و آنچه شش قبیل بود و باران سیاه و لغ غنچه ای از آنها به پنج کاری از آنها ساخته شد  
و در فوج فغان که کجای یک نقطه متغول بودند با دردی کرده تا شش آخر از آنها متغول شد و باقی  
لغ غنچه با کمال نظم و نظام بار و جان عقب نشسته و در سه سال آنها اتعاقب نموده و طایفه  
س. و ق. بطرف ماندند و در برابر روی فغان را با نارت بودند و در و سه سال بسیار  
کشته شد و صحنه انکس و وقت عقب نشستن لغ غنچه در پنجمه ماندند و در آن روی  
در نزال آمدن فغان در این جنگ از روسها جان و مرتفع شد که از لغ غنچه تر بود بنا بر هر که در فغان  
روزها مجبات روس و قندهار از این نظر کجاست که

درست بطور بدیع نیم آید و روزنامه رسمی دولت روس اعلان نماید  
که در نزال کجای بر وسطه دشمنیه های لغ غنچه حمله برانها برد و یکسریون فغان که عبارت  
از پشت بر از زلف و پشت عراده و زوب به مغلوب و تفرق گردید و با لشکر از آنها فغان  
رسیدند و تمام توپخانه و در و و لاده که در آنها بدست عساکر روس افتاد و در و سه سال  
مقتدر و سی و در فوج بود و در جنگ جلال کجای در زلف جنگ مساوت نمودند  
در آن نکته که پیش از جنگ در تصرف فغان قرار گرفت و صحنه انکس در جنگ

مار و جانی در جانی  
بسیار در جنگ

دو مرتبه فغان در این جنگ  
در نزال آمدن فغان در این جنگ  
در نزال آمدن فغان در این جنگ



حضور داشتند مدافعه نمودند چنانچه شکست خوردند صاحبان نرواجات و زمینها  
و دولت کهنه و نو نهادند و وقت فرار از آنها را نیز با خود بردند

بعد از آن هر روز روزنامه ما علم و جهات حکیم مسلمانان را بر وضعی در لوراق خود  
نگاشته و در اینها مخالف یکدیگر میفرستادند و مسئله تحمید و تشدید میکردند و بسیار  
نزاع و فرقه و جنگ روس و انگلیس نمیدادند و از آنکه نای در بین در دفع فاجده کشیده  
چند جنگ از دست نرواجه حالا این جنگ نیستند و خود را هر دو بهای قتال میباشند  
اکنون چند کلمه هم از وضع انگلیس در هند بیان نمایم

باید دانست که وجه مر و قتال و جنگ از این جهت است که در این مملکت از این است  
و سبب روس چون هیچ کاری با دیارهای نرواجه ندارد و در دست روس میماند که در یک  
نقطه بود و در هر نقطه ای که بطبعی خودشان در جزیره جای دارند  
کوشش میکنند که در برابر دیارهای روسیه گنجینه گرفته در آنها استقرار حاصل نمایند و در این نقطه و تبار  
خود را توسعه دهند از آنوقت که در انگلیس آنها را در یک دیار از دست داده و در دست  
کاملاً است باشد و در این نقطه را بر آنکه روس میداند که در این وقت نزاع و جنگ

معی در تصرف مملکت نرواجه و ترانوال نمیدادند و پس از آن در تصرف نرواجه و ترانوال  
است با این همه و در این وقت به جزیره مالاکا است و در این وقت به جزیره مالاکا است  
و نهالستان و لایان و بسیار دیگر نقاط که در دست نیستند

بک مسئله مسلم است و شکی نیست که انگلیسها در هند ساعی هستند که مالاکا را که برای آنها  
فایده است تصرف نمایند بلکه میخواهند مالاکا را استعمار کنند که اگر برای آنها نافع نیست برای  
ما بر ما افتد این نیز در هند مضر باشد و بهین و بهین است که بعضی نکات کانال نرواجه و بهین  
از مکتبی را از اینها ابر طبق میرود و لاجرم خود قتل و کشته با جسد کاملاً در تصرف استوار برسانند  
در انگلیس در این یک در دیار خود همیشه در دست روس را در پیش نظر داشته و از این  
مسئله نمیشناسد و در این زمان و مانع شدن در دست روس که در نرواجه و بحر هند و مکتبی  
را از نرواجه نماید و قریب که در روسیه و قریب نموده و خود را هر دو در هند و نرواجه و  
مسواست با این ساخت مسئله نرواجه و انگلیس است که گاه گاه میخواهند  
بهر دارند و برای جلوگیری از اینها در روسیه در سبیل مرکزی است و سبیل مرکزی است که در این زمان  
حاضرند و برای گرفتن تجارت چین در دست روس نمیدانند و سبیل







فهرست ده جای راس بند و ستان رفته رفته ضعیف و بی بضاعت بنموده و سینه است  
که فخر این طبقه چه محاط است پس بجا ز بر سر داده و بنا بر ملاقات صحیح و تحقیقات کرد  
مختلفه بند بهر جهت وضع در باب فلاحت خط مستقیم برای دولت انگلیس خواهد بود

بعلاوه این سبک رفتار برای یک ملت با تمدنی بهیچ وجه نیست و سبب  
خجالت و نرسد است انگلیسها مخصوصا داغ غریب و بی شرفی از آن در حالت آزادی  
انگلیسها حالت تجارت بند را بر نمیدارند آن گفته اند در قدیم در بند و ستان  
مشهور بود که انگلیسها در آن کارخانه های باختر و بیرون سبک کالی و خرابی کاغذات  
بند کرده و باید داشت که انگلیس بر آن کارخانه ها تجارت بند مالیات است و نه انگلیس  
طرف نسبت به زوار دارد و با شین و سبب کارخانه که گران خرید کرده و از این سبب  
دولت است بند و ستان نیاورند و بعد از آن منع هرگز اند و سبب این عمل آنست که  
صاحبان کارخانه ها انگلیس محض دولت تمام دارند از آن جهت انگلیس سبب و از همان  
منع و قلم داده باین جهت میاورند و گویان میفرستند پس باید گفت قوانین تجارت  
انگلیس همان درجه قوانین را میخواند و سبب خرابی بند و ستان گفته است

میگویند قرن نوزدهم  
عنوان است تجارت  
دست انگلیس هرگز در  
ظلم ترین نام مدعی این  
جستجو درجه ظلم و خشک  
و بیرون و ترالی را بر آن  
از هر جوی داخله است  
بالا است

دولت است بند و ستان نیاورند و بعد از آن منع هرگز اند و سبب این عمل آنست که  
صاحبان کارخانه ها انگلیس محض دولت تمام دارند از آن جهت انگلیس سبب و از همان  
منع و قلم داده باین جهت میاورند و گویان میفرستند پس باید گفت قوانین تجارت  
انگلیس همان درجه قوانین را میخواند و سبب خرابی بند و ستان گفته است

انگلیسها تمام تولید تمدن را در پائین رانند و سبب این عمل آنست که  
بنا بر و غیره بند و ستان را زوده اند اما تمام بگوی شخص خفست آن کرده اند و قصد آن  
زنا است و نغم و رواج تجارت و صنعت انگلیس است و پس برای بومیهای بند که  
و کدام اقدام در جهت بهیچ وضع و حال از آنها منع کند برای بند بهای انبیه و مدارس و راههای آبی  
نمردار و در صورتیکه باج و مالیات گران کند از آنها سبب کند آنها را خراب و فانی سازد  
انبیه با سبب بند بهار و زرب و خراب شود و با پولی که از خود آنها گرفته اند در خود بکار  
جدید انگلیسها را بر و لایق نمایند و در جایگاه مردم محتاج بآیاری و لایق باشند  
انگلیس راه آبی بسیار و همچنین در مواضعی که برای رفوهای خشکی آب بسیار دارند  
بکار یکدیگر میبرد و در ساله هزار بار و در آن طفلان که گریه ها میکنند و بعضی  
بند و ستان در تمام ملک قحطی است و بعد از آن انگلیسها در بند و ستان خدین  
میلون نفس محرم از بلای غلام در گذشته اند

از این مضمومات معلوم نمیشود فیما بین بومیهای بند و ستان و انگلیسها هیچ رابطه دوستی و دوست  
نیست و بر همه کس معلوم است که صاحب انگلیس اگر چه در وقت هم باشد با بومیان

راه آبی خشد بر او  
علاوه از آنکه خشد بر او  
خشد بر او خشد بر او  
قوانین و لایق خشد بر او  
احوال خشد بر او



خود بر قدری نماید بکنف و بعضی از درجات است که ادای سب واری که برقی  
در لباس خود داشته باشد بخشندی طوریکه آنکه ممکنه که یک یا پنج رجب و نوبت اگر چه  
تک شخص بندی از راجه های هند وستان باشد و حال آنکه فالوده کنفر راجه از قدیمی ترین فالوده  
تکلیس قریبی نیست رتبت که ششاص ایشان هند و راجه مانبر تکلیس با چشم  
حقارت بر می شنند و با وصف سندی از اینا طبقه های بوضع جلال و بزرگی خود باقی مانده و کنفر  
از راجه های هند نیست که در سر بر شخص تکلیسی نشیند و با دو غذا بخورد اما کلمه این موضع  
بندی نیست و سباب بخش طباع است

شاید بعضی ایراد نمایند که بر خیر راجه مادر هند هستند و با تکلیسها تعلق نمی نمایند این مطلب فالوده حقیقی  
نیست و ما هم تصدیق نمی نمایم اما از اینها راجه های هستند که در خان تکلیس بر جیب بکنند  
و راجه های با صنعت که مادر فوق ذکر نمودیم غیر از اینها می باشند در هر ملک ممکنه در این  
بک مطلب را باید تفاوت داد و عتداف نموده که سدی نهی هند بیشتر از هند و اطراف هند  
و رعایت تکلیسها واقع نموده و حمایت مخصوصی از اینها نمایند با وجود آنکه مسلمانهای هند  
نیز در اینها مدافعه داشته اند

و این فقره بحدیست  
و این فقره بحدیست

مکرمت چند مدایب تبعه خود را طرف رعایت ننهند و قرار نمیدهند و از اینها و مجبور نماید  
که باجی از برای کنشهای تکلیس بپردازند و هم از اینها مسلمان باشند یا نیست بر سب یا نیست  
و از اینها که در تبعه تکلیس باید نیست که هشتاد و نه و از اینها مسلمان باشند  
نیز از کارهای تکلیس که قاضیه های هند و را از عهده قضاوت خارج کرده و حکم در اینها  
در دست قضاة تکلیسی است و از وی قوانین تکلیس حکم می نمایند  
می گیرند وستان عجمت در دست هر از اینها و صد و هشت و پنجاه نفر  
سپاهی یعنی سربازهای و ریاست این فنون با جمیع قبایلی بسیار را هر قاضیست  
که در رتبت و کفایت مشهور عالم کیهانند و از نزال برت و از نزال استوارت  
بقدری قاضی و کاروان می باشند که می توانند با نزالهای بزرگ روس و مصری نمایند و مندر  
سر که های روسی تمام عمر خود را در سبیا که در رنده اند و اگر کاهی از هند وستان خارج نمیشد  
برای جنگ با افغانستان یا فریقای جنوبی یا بعد از آن به جهت سربازی تکلیس در کمال  
استیلا را دارند اما سپاهیان آن تعریف را ندارند و چنین سباب فخر هم کنند که  
سرباز فرنگی رجب و دیگر و از این نوع عالم فرض نموده مثلاً سربازهای هر قدر کفایت یافت



دشته باشد از وجه و تپه لطایفها و زمینهای و مرتفعات سختی از آنها دارند و معلوم  
 و و نمیکنند که در آن انعکاس غما که با آنها دارد قنون پندی تو بجا نه دارند فقط انعکاسی  
 معجوب برت آنها آنگاه از و نهایت عجیب و عجب فزونیست که در آن جزا نمیکند  
 اسرار است از آنها بهر ناممکنت خود در خط نماند و از این قسم بفرج چه توقع باید داشت  
 سرباز که تکلیف خود را میداند و منت است که باید برای حفظ ملک و شرافت سرق خود  
 جان غیر خویش را فدا نماید که حقوق خود را هم سیران بچسب و منزه است که آن حقوق را فدا  
 و فسی که حقوق کسری محوط و در غرض نیست که منق نباشد و دگر می ماند بلکه بسیار  
 از اوقات سباب معده و خطر نمند

بدر این کیفیت سبب خفای نورش مال هزار و پست و پناه و بهشت را بهر دست میزدان  
 دریافت نمند سبب غایبی نورش جز آن و باقی بر بعضی کشندهای چرب بود که سبب خفای نور  
 بر فزایندهای انکسار را باید داشت که جان سربازهای پند را بعب آورد و از آنها با یکبار و ادا  
 کردند و باین وضع جای تعجب نیست که هر وقت روسها در باب بند خیال میکنند برای  
 امان را جزم شده فرض کنند و منت قرب آن باشند و از آن امور بهی میمانند و از آن امور

که از انکسار آید  
 چنانکه مفسد در شرح  
 قیام انکساری در جبهه  
 رسانم

در میان امان پند این عقیده شایع است که روزی بیاید که روس و خدایک پند  
 شوند و پند بهار از آن در لغت و نظم انکسارها فارغ نمایند  
 روزنامه های پند در باب سوانح و اتفاقات که در این آذربایجان و آنکه بعضی فصلی نگاشته اند و از آنها  
 استنباط نمند از جمله روزنامه پندی مورخ به مدت در نیم ماه فوریه فصلی نوشته ضمیمه گوید در  
 انکسار اندام است بقون سپاهی امانه جنگ دهد و از این نیز سبب است که خود پندارد  
 روزنامه نیز چون منطبقه با امور موجود چهارم فوریه کوبه در آن روس در زیر دست خود  
 وحشی بسیار دارد و همین فقره سباب قدرت که در پند پس اندام است در آنها پند  
 در آن روس یک فنون متنی دارند و انکسار است چنانکه سپاهی جیره خوار که در آن  
 با آنکه فراموش است بکنند که این غیر خود به بجا نه نری فزونی باید از او اطمینان است که در  
 که از روی قوانین متنی جمع نمند و همه طبقات امان از آنها پند نه نیست که مستحق خستند  
 در آن فنون حاضر باشند و واضح است که قصد پند بهار از مطالبه است و بزرگاری فنون  
 روزنامه سند طمس که این مورخ چهارم فوریه به دست انکسار نصبت که کوبه در آن  
 باید از راجه های پند شود که انکسار دهد که در تحت ریاست فرماندهای پند در کلان منطقه



وین شور اچار صد هزار نفوس گردید می را که در تخت حکم راجه مات بران شدت  
حالت انگیز مضروب شود و خراب گردد

روانامه چند و منطبع مدد رس مؤلفه چهارم فوریه کبیده اگر کتاب ما پس روس و انگلیس در کرد  
و ملت پند معنوت رت انگلیس نه داند و بقول سید و امیر شاه شیرعلی قاضی

سخن خردمندانه

روزنامه سورسانان منطبعه گنجایانام موقوفه حریم فویه منیریه روسها که کواشسته  
مرو و سرخس را مستخر نمایند از جهت اینست که فیولانه خود را محجوب الغلوب الای قلم  
دیند و بیای الای را بطرف خود جذب کنند و تفسیر این عبارت در روزنامه لندن  
نایسین منطبعه کلکته مرفعه نشتم فویه مسطور و زیر بغیر است

قدون پند بود که گفته حق چیست را مطالبه نمود یک روزی حقوق منسبت اند و در عدل  
و انصاف را در دوست خواهی که و نقد استیزاران که پندید بهار خوات نفس مطالبه  
غیاثیه نه به نقل در خواهد بود

صلح وضع مملکت حکومت مستقله فتح باطنی در کشته و فرستادن

پند بختیست فستاح اولاد بلایه تغییر وضع ملک و بیج حقوق ملک کند  
تغییر قوانین کلیه کمر و کمر که پند بر مال بختیست بیخاسته به کار یک بانک ملی  
نزدیک جدید بیس صلاح و وجه و غیره به کار بختیست و این مطلب بغیر از صعب  
سأست جدی قهر غش نمی در هر پند وستان و صدره و زار  
که مهبس پادشاه یک فمت خرج نکردنی معولان را بر و صدره وستان و غیره که  
در این مملکت انقلاب به پیرد که فوق العاده ای حالیه پند با جرات روس و شوریه پند  
ولین عداوت لا مذهب وستان نایره قاتک فیما بین ولین روس و بختیست  
ولز هر پند وستان نیز طلوع کانه مراد و درستان انقلاب حکومت چنین شخص در حق  
مملکتی مناسب است انتهى

نیز ازل کیلیف و تمام سر کرده های روس که در شش پند و ستان گفتگو نموده اند  
معقد بجهتند که اگر دولت روس بطرف پند و ستان حرکت کند امالی پند بر ضد ایشان  
نویسد بخواه از پند نه

درجه‌های کالیفرنیا یک راه آهن بسیار بزرگ برای خطوط شمال شرقی می‌باشد.



ساخته که در میان مکتب نرینه عبور نماید و انگلیسها میفرستند بواسطه خطرات  
از تمام نقاط چند افواج خود را بکشته که در سرحد فغانستان واقع است برسانند و اگر  
تا قدم رسافت زبانی نیست و در آن نیز برقرار و در آنجا مکتب است که انگلیس رعیت  
در راه کشته و در آنجا برسد و اگر مکتب است انگلیسها که یک زبانی در نقطه اختیار  
و تصرف نمایند

درست انگلیس می نماید نسبت به نرسه میفرستند و در آنجا مکتب حاضر نماید و چون  
این مکتب باید حفظ و حرکت فعلیات متحول شود و این فنون فیلد را نیز مکتب است  
بر کشت منقسم نمایند اما در باب عا که در لای که در است انگلیس میفرستند و در آنجا  
کرد و واضح است که باید تکیه کرده و در راه باشند و این به صورت است که سفایر جنگ روس  
در لای راه اسباب ناخبر و صدوران افواج شوند

پس می فرستند و در تمام افواج کثیر الله وی که در سبایست و در فغانستان میفرستند  
چند خاوه بعد یک مطلب دیگر را نیز باید داشت و فهمید که آیا در صورت وقوع جنگ  
مهر فغانستان در روسی و انگلیس نامت قدم خواهد بود یا خیر و ضمیر را

نفره که خود را بکشته است انگلیس و خواهد داشت یا تقاعد خواهد نمود

از تمام نقاط فغانستان به فغانستان میفرستند و در آنجا مکتب است که انگلیس رعیت  
خواهد داشت اما این کشته را هم نباید فراموش کرد که در است انگلیس رعیت و ضمیر را

انگلیسها و در است فغانستان میفرستند و در آنجا مکتب است که انگلیس رعیت  
یک مطلب دیگر نیز میفرستند و در آنجا مکتب است که انگلیس رعیت و ضمیر را

اما در است فغانستان میفرستند و در آنجا مکتب است که انگلیس رعیت

نمود و به نام روس میفرستند و در آنجا مکتب است که انگلیس رعیت

و در است روس میفرستند و در آنجا مکتب است که انگلیس رعیت

یک شش دیگر میفرستند و در آنجا مکتب است که انگلیس رعیت

اما در است فغانستان میفرستند و در آنجا مکتب است که انگلیس رعیت

بهری وضع در است روس میفرستند و در آنجا مکتب است که انگلیس رعیت

و جنگ آنها را هم به نظر ما قریب الوقوع است و با احتیاط عقلانی از این جنبه است و کم و بیش

و در هر حال همان کشته میفرستند از آن جهت که در است انگلیس رعیت و ضمیر را











حقیرتی را جہد بقول خدا نہ ۴

وینچستر، نیو هامپشایر، ایالات متحده آمریکا

وہی دیکھ کر ہنس پڑا کہ اے احمق! تم نے کیا کیا ہے؟

منه و من له  
منه و من له

مسئله فیضیه را در این کتاب بحث کرده است

خط و قلمت انجمنه  
2, 2

10

والتاريخ المذكور في المتن المذكور

فخت، و ان در هر سال (۱۱) هزار درخت  
 بنا این احوست که در این فسخ و عوارض و ان است (۲-۳)

تحت نظر کمالی و درست نام و وجود  
مستقیم (شاملی) = یعنی نیز است  
و نیز نام و وجود

و در هر یک از اینها  
در هر یک از اینها

2107

卷之五

۱۰

۲۵

مجلس

10



۷۲۵

۷۲۶

۱۰۹۱

۱۰۹۲

۱۰۹۳

۱۰۹۴



چهارمین در وضع علم

چهارمین در وضع علم

چهارمین در وضع علم

چهارمین در وضع علم

چهارمین در وضع علم

در این سخن فرمود که آن که در این

در این سخن فرمود که آن که در این

در این سخن فرمود که آن که در این

در این سخن فرمود که آن که در این

و این سخن فرمود که آن که در این

و این سخن فرمود که آن که در این

و این سخن فرمود که آن که در این

و این سخن فرمود که آن که در این

و این سخن فرمود که آن که در این